

۱۱

درس یازدهم

منابع انرژی

■ اهداف درس

انتظار می‌رود زبان‌آموز با خواندن این درس:

۱. با انواع انرژی آشنا شود.
۲. راه‌های صرفه‌جویی در مصرف انرژی‌ها را بشناسد.
۳. بتواند به‌خوبی درباره‌ی هر انرژی و تفاوت انرژی‌ها با هم صحبت کند.
۴. مفهوم جمله‌های شرطی ناممکن را درک کند.
۵. با یکی از کاربردهای ماضی استمراری و ماضی بعید آشنا شود.
۶. قادر باشد به‌طور صحیح از جمله‌های شرطی ناممکن استفاده کند.

■ واژه‌ها و

اصطلاح‌های جدید

سوخت فسیلی،
انرژی هسته‌ای،
مرسوم، زغال‌سنگ،
پایان‌ناپذیر، توربین،
مزیت، نسل‌های آینده،
شیوه، هدر رفتن،
بستگی داشتن،
صرفه‌جویی، آب‌پاش،
اسراف، خشک‌کن،
رشد صنعتی، کمبود،
آب‌بها، چکه کردن،
آب غیرآشامیدنی،
کارواش، شلنگ،
غیرضروری،
به تعویق انداختن،
عقب انداختن،
رشد، کاشتن.

واژه

← منابع انرژی

در کشور شما از کدام یک از منابع انرژی زیر بیشتر استفاده می‌شود؟

انرژی هسته‌ای



انرژی هسته‌ای با استفاده از ماده‌ای به نام اورانیوم تهیه می‌شود. انرژی یک کیلوگرم اورانیوم با انرژی ۳۰۰۰۰۰۰ کیلوگرم زغال سنگ برابر است.

سوخت‌های فسیلی



نفت، گاز طبیعی و زغال سنگ سه نمونه از مهم‌ترین منابع انرژی در دنیا هستند. استفاده از سوخت‌های فسیلی به شدت گران بوده و به محیط زیست آسیب می‌زند.

سوخت‌های گیاهی



سوزاندن چوب، ساقه و برگ گیاهان از قدیم مرسوم بوده است. هنوز در بسیاری از نقاط دنیا از چوب و هیزم به عنوان منبع انرژی استفاده می‌کنند.

انرژی برق‌آبی



با ساختن سد در منطقه‌های پرآب و در مسیر رودخانه‌ها می‌توان از انرژی آب برای تولید برق استفاده کرد.

انرژی بادی



یکی از ارزان‌ترین انرژی‌های دنیا انرژی بادی است. در هر نیروگاه بادی بین ۴۰ تا ۱۰۰ توربین وجود دارد. این توربین‌ها می‌توانند مقدار زیادی انرژی تولید کنند.

انرژی خورشیدی



خورشید یکی از منابع‌های انرژی پایان‌ناپذیر است. انرژی‌ای که زمین از خورشید دریافت می‌کند، بسیار زیاد است و به سادگی می‌توان با آن برق تولید کرد.

تمرین

به نظر شما مهم‌ترین فایده صرفه‌جویی در مصرف انرژی چیست؟

□ کاهش هزینه‌های زندگی

هر خانواده به صورت ماهیانه مبلغ زیادی را برای انرژی می‌پردازد. پول قبض آب، برق، گاز و هزینه بنزین خودروی شما از جمله همین هزینه‌ها است. صرفه‌جویی در مصرف انرژی، هزینه‌های شما را بسیار کاهش می‌دهد.

□ حفاظت از محیط زیست

سوخت‌های فسیلی با تولید گازهای CO_2 و SO_2 محیط زیست را آلوده می‌کنند. صرفه‌جویی در مصرف انرژی باعث می‌شود تا سوخت‌های فسیلی کمتر استفاده شوند و محیط زیست آلوده نشود.

□ حفظ انرژی برای نسل‌های آینده

فرزندان ما نیز به انرژی‌هایی مثل نفت، گاز طبیعی و زغال سنگ نیاز دارند. اگر ما از این انرژی‌ها بیش از حد استفاده کنیم، نسل‌های بعدی ما با مشکلات بسیاری روبه‌رو خواهند شد.

□ سایر:

شنیدن



الف) به این برنامه رادیویی گوش دهید. از نظر مهندس «میراشرفی» با چه شیوه‌هایی می‌توان در مصرف انرژی صرفه‌جویی کرد؟ پنج تا از این شیوه‌ها را بنویسید.

۱

۲

۳

۴

۵

ب) یک بار دیگر به این برنامه رادیویی گوش دهید و مشخص کنید کدام جمله درست و کدام جمله نادرست است؟

درست نادرست

	تنها حسن صرفه‌جویی این است که هزینه‌های قبض برق شما را کاهش می‌دهد.	۱
	لامپ‌های «ال ای دی» از لامپ‌های معمولی گران‌تر هستند؛ اما نور و مصرف برق آن‌ها از لامپ‌های معمولی کمتر است.	۲
	خریدن لوازم برقی کم مصرف، فقط هزینه‌های قبض برق شما را کاهش نمی‌دهد.	۳
	گذاشتن غذای گرم در یخچال مصرف برق را کاهش می‌دهد.	۴
	گرمای خانه بیشتر از طریق آشپزخانه هدر می‌رود.	۵
	پوشیدن لباس گرم در خانه می‌تواند میزان مصرف انرژی را کاهش دهد.	۶

ج) یک بار دیگر به متن برنامه رادیویی گوش دهید و معنای جمله‌های زیر را حدس بزنید.

.....	نسل‌های آینده	۱
.....	بستگی دارد که	۲
.....	قدم اول	۳
.....	یکی از شنوندگان ما پشت خط هستند.	۴
.....	صبر کنید ظرف‌های کثیف جمع شوند.	۵
.....	یواش یواش	۶

کار گروهی



۱. شما معمولاً برای صرفه‌جویی در مصرف انرژی از چه روش‌هایی استفاده می‌کنید؟
 ۲. کدام یک از روش‌هایی که در «شنیدن» آمده بود، برای شما جدید بود؟
 ۳. آیا روشی را برای صرفه‌جویی در مصرف انرژی می‌شناسید که در متن به آن اشاره نشده است؟



		<p>چطور در مصرف انرژی صرفه جویی کنیم؟</p> <p>به کودکانمان آموزش بدهیم که...</p>
<p>هنگام مسواک زدن، شیر آب را ببندند.</p>	<p>گلها را با آب پاش آب بدهند.</p>	
<p>لامپ‌های اضافه را خاموش کنند.</p>	<p>در طول حمام کردن شیر آب را ببندند.</p>	<p>غذای گرم را در یخچال نگذارند.</p>

گفتگو



- قبض گاز این ماه را دیده‌ای؟
- نه! مگر این ماه چقدر پول گاز آمده؟
- بیا خودت قبض را ببین.
- چی؟! چرا این قدر پول گاز زیاد آمده است؟
- خوب، چرا ندارد. باید در مصرف گاز صرفه جویی کنی. مثلاً به جای این که بخاری را زیاد کنی توی خانه لباس گرم تر بپوش یا وقتی بخاری روشن است پرده پنجره‌ها را بکش.
- سعی می‌کنم دیگر بیشتر دقت کنم تا این قدر قبض گاز زیاد نشود.
- پولش مهم نیست. مهم این است که اسراف نکنیم.

<p>صرفه‌جویی در مصرف گاز:</p> <ul style="list-style-type: none"> • در فصل سرد سال از پرده‌های ضخیم استفاده کنید. • لباس گرم بپوشید. • پنجره‌ها را دوجداره کنید. 	<p>صرفه‌جویی در مصرف آب:</p> <ul style="list-style-type: none"> • موقع حمام کردن آب را دائم باز نگه ندارید. • شیرهای خراب آب را عوض کنید. • برای آبیاری گل‌ها از آب‌پاش استفاده کنید. • ماشین را با دستمال و یک سطل بشوید. • برای چند تکه لباس، ماشین لباس‌شویی را روشن نکنید. 	<p>صرفه‌جویی در مصرف برق:</p> <ul style="list-style-type: none"> • لامپ اضافی را خاموش کنید. • از لامپ کم‌مصرف استفاده کنید. • از خشک‌کن ماشین لباس‌شویی استفاده نکنید. • لباس‌ها را روی بند پهن و خشک کنید. • غذای گرم را در یخچال نگذارید.
--	---	---

بحث آزاد



افزایش جمعیت از یک سو و رشد صنعتی از سوی دیگر باعث شده تا این کشور بیشتر از هر زمان دیگری به آب نیاز داشته باشد؛ به همین دلیل دولت ایران هر سال با صرف هزینه‌های زیاد تلاش می‌کند به مردم هشدار دهد تا در مصرف آب صرفه جویی کنند؛

اما هنوز افراد زیادی هستند که آب را هدر می‌دهند. به نظر شما بهترین روش برای جلوگیری از مصرف بیش از اندازه آب چیست؟

کشور ایران در بخش‌های گرم و خشک کره زمین قرار گرفته است. رشد سریع صنعت و کشاورزی در ایران پس از انقلاب اسلامی باعث شده تا میزان مصرف آب در این کشور روز به روز بیشتر شود. از این گذشته بهبود شرایط سلامت مردم باعث شده تا میزان مرگ و میر در ایران کاهش و جمعیت روز به روز افزایش پیدا کند.



به نظر من بهترین روش، تبلیغات است. دولت ایران باید تا آن جا که می‌تواند تبلیغات کند تا مردم متوجه شوند کمبود آب جدی است و همه مردم باید در مصرف آب صرفه جویی کنند؛ مثلاً با آب آشامیدنی «خودروی» خود را نشویند یا مثلاً در زمان مسواک زدن یا وضوگرفتن شیرآب را ببندند. تبلیغات همیشه مؤثر است. باید تبلیغات را افزایش داد.



ژییا

تنها تبلیغات کافی نیست. به نظر من آموزش مهم‌تر است. خیلی از افراد به تبلیغات توجه نمی‌کنند. از این گذشته افراد زیادی هستند که دوست دارند صرفه جویی کنند؛ اما این کار را بلد نیستند؛ مثلاً دابی من خیلی به صرفه جویی در مصرف آب اهمیت می‌دهد و همیشه به ما تذکر می‌دهد که در مصرف آب صرفه جویی کنیم؛ اما او در حیاط خانه‌اش یک باغچه بزرگ دارد که در آن چمن و گل‌های زیادی کاشته است و مجبور است، هر روز آن را آب بدهد. او نمی‌داند که می‌تواند در حیاط خانه‌اش گل‌هایی را بکارد که آب کمتری لازم دارند. با این کار او می‌تواند هر سال مقدار زیادی در مصرف آب صرفه جویی کند.



عاطفه

به نظر من آموزش کافی نیست. همین الان هم هر وقت تلویزیون را روشن می‌کنی از مصرف صحیح آب صحبت می‌کند. به نظر من آموزش و تبلیغات مؤثر نیست و دولت باید افراد پرمصرف را جریمه کند. از این گذشته باید قیمت آب را گران کنند تا مردم بیشتر قدر آن را بدانند.



فاطمه

آموزش یک موضوع به همه افراد جامعه کار ساده‌ای نیست؛ اما به نظر من بهترین کار همین است؛ البته من با آموزش همه افراد جامعه مخالفم. نیازی نیست که ما همه را آموزش بدهیم. آموزش خیلی از بزرگ‌ترها بی‌فایده است؛ چون بزرگ‌ترها به سادگی تغییر نمی‌کنند، باید از سن پایین، در خانه و مدرسه فرهنگ سازی کنیم.



ممتاز

اما به نظر من جریمه مؤثرتر است. همه افرادی که رانندگی می‌کنند، آموزش دیده‌اند تا با سرعت زیاد در شهر رانندگی نکنند؛ اما هنوز بسیاری از افراد هستند که با سرعت بالا در شهر رانندگی می‌کنند. به نظر من جریمه خیلی مهم‌تر است و دولت باید بیشتر به افزایش جریمه‌ها توجه کند تا آموزش.



سیرین

۱. شما با نظر کدام یک از این افراد موافق هستید؟

۲. به نظر شما برای کنترل مصرف آب در ایران باید جریمه‌ها را افزایش داد یا این که آموزش را بیشتر کرد؟



خواندن



پیش خواندن

شما تا چه اندازه تلاش می‌کنید تا در مصرف آب صرفه‌جویی کنید؟

میزان آب‌بهای ماهیانه شما چقدر است؟ کمتر از حد معمول معمولی بیشتر از حد معمول

شما کدام یک از کارهای زیر را انجام می‌دهید؟

۱. شستن ماشین با یک سطل آب	۲. باز نگذاشتن شیر آب در طول مسواک زدن	۳. حمام کردن در وان
۴. آبیاری باغچه با آب غیرآشامیدنی	۵. تعمیر شیرهایی که چکه می‌کنند.	۶. بردن ماشین به کارواش

آیا این کارها در صرفه‌جویی یا هدر رفتن آب مؤثر است؟ پاسخ را در متن زیر بیابید.

روش‌هایی برای صرفه‌جویی آب در خانه

تعمیر شیرهای آب

اگر در منزل شیر آبی چکه می‌کند، خیلی زود آن را تعمیر کنید و این کار را به تعویق نیندازید؛ چون آب بسیاری هدر می‌رود. حتی در خیابان و مکان‌های عمومی نیز اگر شیر آبی کاملاً بسته نشده است و چکه می‌کند، آن را ببندید و یا اگر به تعمیر نیاز دارد آن را به سرعت تعمیر کنید. اگر خودتان نمی‌توانید این کار را بکنید به مسوول آن جا گزارش دهید تا شیر را تعمیر کند.

کاهش آب دادن به باغچه

نگهداری از باغچه به آب زیادی نیاز دارد. اگر دوست دارید باغچه‌ای در حیاط داشته باشید، تحقیق کنید چه گیاهانی برای رشد به آب کمتری نیاز دارند. نکته دیگر این که اگر امکان دارد برای آبیاری باغچه از آب «غیر آشامیدنی» استفاده کنید و سعی کنید آبیاری باغچه را با آبپاش انجام دهید تا آب کمتری هدر رود.

با رعایت چند نکته ساده می‌توانید میزان آب مصرفی تان را به طور قابل توجهی کاهش دهید. با این روش‌های ساده، هم در مصرف آب صرفه‌جویی می‌کنید و هم آب‌بهای کمتری می‌پردازید.

کاهش زمان حمام کردن

معمولاً بیشتر مردم دوست دارند زمان بیشتری زیر دوش آب باشند و یا هنگام حمام کردن از «وان» استفاده کنند. جالب است بدانید، با حمام کردن در وان حدود سه برابر بیشتر از دوش گرفتن، آب مصرف می‌شود. بعضی‌ها در فصل پاییز و زمستان، قبل از حمام کردن، آب گرم را چند دقیقه باز می‌کنند تا حمام گرم شود. برخی نیز عادت دارند شیر آب را از زمان شروع حمام تا آخر باز بگذارند که این کار باعث هدر رفتن آب می‌شود. اگر بتوانید فقط دو دقیقه کمتر در حمام بمانید، مطمئن باشید که در مصرف چندین لیتر آب صرفه‌جویی کرده‌اید.

بستن شیر آب در مواقع غیر ضروری

وقتی مسواک می‌زنید شیر آب را ببندید. برای شستشوی ظرف‌ها، هنگام مایع زدن به ظروف، شیر آب را ببندید. شیر آب را فقط زمانی باز کنید که به آن نیاز دارید. اگر می‌خواهید ماشین خود را در حیاط خانه بشویید، به جای باز کردن شلنگ آب، از سطل استفاده کنید؛ اما اگر فرصت کافی دارید، بهتر است اتومبیل را برای شستشو به کارواش ببرید؛ چون آن‌ها از روش‌هایی استفاده می‌کنند که آب کمتری مصرف می‌شود.

ب) دوباره متن «خواندن» را بخوانید و دو سؤال بنویسید و از دوستان خود در کلاس پیرسید.

۱.....
پاسخ:

۲.....
پاسخ:

ج) شما از چه شیوه‌هایی برای صرفه‌جویی در مصرف آب استفاده می‌کنید؟ دو روش را بیان کنید.

۱.....
۲.....

بیاموزیم



جمله شرطی < شرطی ناممکن

شرطی ناممکن

شرطی ناممکن شرطی است که از نظر گوینده احتمال وقوع آن (در حال یا گذشته) در شرایط واقعی وجود ندارد. برای نمایش شرطی ناممکن از دو فعل **ماضی استمراری** و **ماضی بعید** استفاده می‌شود.

شرطی ممکن

در درس گذشته با شرطی ممکن آشنا شدید.

شرطی ناممکن

جواب شرط	شرط	
ماضی استمراری	ماضی استمراری	۱
ماضی استمراری	ماضی بعید	۲
ماضی بعید	ماضی استمراری	۳
ماضی بعید	ماضی بعید	۴

- ☆ ۱. اگر درخت‌های جنگل‌ها را قطع نمی‌کردند، هوا گرم نمی‌شد.
- ۲. اگر درخت‌های جنگل‌ها را قطع نکرده بودند، هوا گرم نمی‌شد.
- ۳. اگر درخت‌های جنگل‌ها را قطع نمی‌کردند، هوا گرم نشده بود.
- ۴. اگر درخت‌های جنگل‌ها را قطع نکرده بودند، هوا گرم نشده بود.

نکته ۱: از میان چهار ساخت بالا، ساخت «ماضی استمراری، ماضی استمراری» از سایر ساخت‌ها پرکاربردتر است. (☆)
نکته ۲: از آن جایی که صرف دو فعل «داشتن» و «بودن» در ماضی بعید و استمراری چندان مرسوم نیست، در شرطی ناممکن، برای این دو فعل از **ماضی ساده** استفاده می‌شود.

اگر پول‌هایت را جمع کرده بودی، الان یک لپ‌تاپ داشتی.
اگر دیروز حرکت کرده بودیم، الان مشهد بودیم.

تمرین 

الف) با استفاده از مصدرهای زیر جمله‌های شرطی ناممکن بنویسید. برای هر بخش می‌توانید از چند روش استفاده کنید.

مثال	غذا خوردن	اگر خوب غذا خورده بودی، گرسنه نمی‌شدی
۱	سینما رفتن
۲	مسافرت رفتن
۳	سیل آمدن
۴	گرسنه بودن
۵	پیدا کردن
۶	پولدار شدن
۷	تحصیل کردن

ب) متن «خواندن» را بخوانید و زیر جمله‌های شرطی آن خط بکشید.

ج) با استفاده از ۴ نوع شرطی ناممکن که یاد گرفتید، ۴ اتفاق در زندگی خود را بیان کنید.
۱. (ماضی استمراری / ماضی استمراری).....
۲. (ماضی بعید / ماضی استمراری).....
۳. (ماضی استمراری / ماضی بعید).....
۴. (ماضی بعید / ماضی بعید)

.....

درس را مطالعه کنید و خلاصه‌ای از آن بنویسید.

خلاصه نویسی

۱۲

درس دوازدهم

طبیعت و محیط زیست

■ اهداف درس

انتظار می‌رود زبان آموز با خواندن این درس:

۱. با واژه‌های مرتبط با محیط زیست آشنا شود.
۲. راه‌های محافظت از محیط زیست را بداند.
۳. دربارهٔ خطراتی که محیط زیست را تهدید می‌کند، صحبت کند.

■ واژه‌ها و اصطلاح‌های جدید

- صُعود،
- درازکشیدن،
- تَذکر دادن،
- کود،
- برداشت محصول،
- سَم،
- دفن شدن،
- بریدگی،
- کمبود،
- تَه‌سیگار،
- تَه‌دید،
- دنیا روی سرم خراب شد.
- مَخفیانَه،
- مُقصر،
- بی‌رویه،
- گازوئیل،
- عَوارض،
- تُقَالَه،
- تَه‌مانده،
- تَفکیک،
- بدهی.

واژه



آیا شما برای تفریح به خارج از شهر می‌روید؟

زمانی که برای گردش به محل‌های طبیعی می‌روید، کدام یک از فعالیت‌های زیر را انجام می‌دهید؟

در کویر
 در جنگل

در دریا
 در دریاچه
 در رودخانه

از کوه‌های بلند
 از تپه‌های نیمه‌بلند



دراز کشیدن



چادر زدن



پیاده‌روی



شنا کردن



ماهیگیری



صعود

در ساحل دریا
 در ساحل دریاچه
 در ساحل رودخانه

در تپه‌های کوتاه
 در دشت‌ها
 در دژه‌ها

در دریا
 در دریاچه
 در رودخانه

اگر در زمان گردش کسی را ببینید که طبیعت را آلوده می‌کند، چه کار می‌کنید؟

الف. به او تذکر می‌دهم. ب. هیچ کاری نمی‌کنم. ج. سایر:

تمرین

بعضی از انسان‌ها به صورت روزانه به یکی از روش‌های زیر به محیط زیست آسیب می‌زنند.



آلوده کردن آب‌ها

هر روز میلیون‌ها لیتر فاضلاب از خانه‌ها، کارخانه‌ها و یا بیمارستان‌ها وارد آب‌های آزاد می‌شود؛ علاوه بر این زباله‌های نفتی، محیط‌زیست دریاها را به شدت آلوده می‌کنند.



ساختن راه، سد و ساختمان

زمانی که یک اتوبان در وسط کویر ساخته می‌شود، ارتباط بین حیوانات کویر از بین می‌رود؛ چون حیوانات شکارچی نمی‌توانند از اتوبان رد شوند. اگر رودخانه‌ای در آن طرف اتوبان باشد، بسیاری از حیوانات از گرسنگی و تشنگی می‌میرند.



قطع درختان

در گزارشی در سال ۲۰۰۵ اعلام شد که هر سال حدود ۶۰ هزار کیلومترمربع از درختان جنگل قطع می‌شود. البته آمار واقعی بسیار بیشتر است؛ زیرا در برخی کشورها درخت‌ها به صورت غیرقانونی قطع می‌شوند.



تولید زباله

به صورت روزانه در جهان حدود ۵ میلیون و ۳۰۰ هزار تن زباله تولید می‌شود که بیشتر آن یا دفن و یا سوزانده می‌شود.



آلوده کردن هوا

دود ماشین‌ها، کارخانه‌ها و خانه‌ها هوای شهرهای بزرگ را به شدت آلوده می‌کنند. هر سال چندین بار از کودکان و افراد مسن خواسته می‌شود به دلیل آلودگی هوا در خانه بمانند.



آلوده کردن خاک

کشاورزان هر سال برای برداشت محصولات بیشتر از کودها و سم‌های شیمیایی در زمین‌های کشاورزی خود استفاده می‌کنند. استفاده از این مواد، خاک را به شدت آلوده می‌کند.

به کارهای روزانه خود فکر کنید. آیا شما هم محیط زیست را آلوده می‌کنید؟ چگونه؟

شنیدن



(الف) به چهار گفتگوی زیر گوش دهید، سپس مشخص کنید این افراد، در سفر خود چه مشکلاتی را مشاهده کرده‌اند. دلیل آن مشکل چه بوده است؟



(الف) اگر گردشگران زیاد به جنگل‌ها نروند، جنگل‌ها آلوده نمی‌شوند.
(ب) اگر گردشگران زباله‌ها را در دریا نمی‌ریختند، دریا آلوده نمی‌شد.
(ج) اگر شرکت‌های باربری از کشتی‌های جدیدتری استفاده می‌کردند، دریا آلوده نشده بود.

(الف) اگر گردشگران، زیاد به این شهر سفر نمی‌کردند، درخت‌ها قطع نمی‌شد.
(ب) اگر کارخانهٔ چوب‌بری را تعطیل کرده بودند، سیل نمی‌آمد.
(ج) اگر مردم درخت‌ها را قطع نمی‌کردند، در شهر «تالش» سیل نیامده بود.



(الف) اگر کشاورزان مزرعه‌های کوچک‌تری داشتند، بر روی رودخانه‌ها سد نمی‌ساختند.
(ب) اگر بر روی رودخانه‌ها سدهای بیشتری می‌ساختند، دریاچه خشک نمی‌شد.
(ج) اگر کشاورزان بیشتر دقت می‌کردند، دریاچه آلوده نمی‌شد.

(الف) اگر گردشگران دقت بیشتری می‌کردند، جنگل آتش نمی‌گرفت.
(ب) اگر فصل تابستان بود، گردشگران بیشتر دقت می‌کردند.
(ج) اگر باران بیشتر می‌آمد، جنگل آتش نمی‌گرفت.



(ب) جمله‌های زیر را بخوانید، کدام یک درست و کدام یک نادرست است؟

		(الف) زهرا سعی می‌کند هر سال به شهر تالش سفر کند.	
		(ب) بزرگ‌ترین مزیت جنگل‌های تالش این است که آلودگی هوای شهر را کاهش می‌دهد.	
		(الف) زباله‌های پلاستیکی می‌توانند بریدگی‌های عمیقی را در دهان حیوانات ایجاد کنند و موجب مرگ آن‌ها شوند.	
		(ب) شرکت‌های باربری به سادگی می‌توانند آلودگی‌های آبی را کاهش دهند.	
		(الف) آتش‌نشانی به دلیل کمبود کمک‌های مردمی نتوانست آتش را به موقع خاموش کند.	
		(ب) یکی از گردشگران ته سیگارش را بر روی زمین انداخته و باعث آتش‌سوزی در جنگل شده است.	
		(الف) دریاچهٔ «ارومیه» شورترین دریاچهٔ دنیا است.	
		(ب) ساختن سد بر روی رودخانه‌های اطراف دریاچهٔ ارومیه، مشکلات بسیاری را برای کشاورزان به وجود آورده است.	

(ج) یک بار دیگر به گفتگوها گوش دهید و معنای جمله‌ها و اصطلاحات زیر را حدس بزنید.

.....	۱	فکر نمی‌کنم جایی توی ایران مانده باشد که من تا حالا ندیده باشم.
.....	۲	این زباله‌ها جان حیوانات را تهدید می‌کند.
.....	۳	ما ساکن خرم‌آباد هستیم.
.....	۴	انگار دنیا روی سرم خراب شد.

کارگروهی



۱. محافظت از محیط‌زیست چه اهمیتی دارد؟
۲. شما برای محافظت از محیط‌زیست چه کارهایی انجام داده‌اید؟
۳. دولت کشور شما برای محافظت از محیط‌زیست چه برنامه‌هایی دارد؟ آیا این برنامه‌ها کافی هستند؟ به نظر شما چه اقدامات دیگری باید انجام شود؟



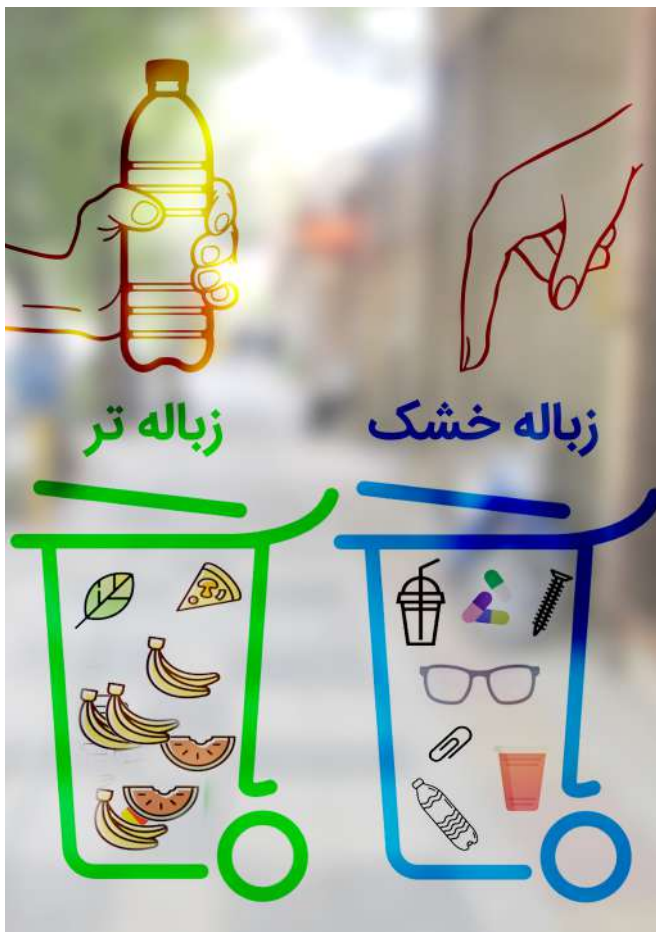
آتش

۱. اگر در طبیعت آتش روشن کردید، حتماً قبل از رفتن آن را خاموش کنید.
۲. فقط شاخه‌های خشک درختان را بسوزانید.
۳. دقت کنید به لانه حیوانات آسیب نزنید.

زباله

۱. زباله‌های خود را داخل آب رودخانه‌ها نریزید.
۲. زباله‌های تر و خشک را از هم جدا کنید.
۳. زباله‌های تر را در زیر خاک دفن کنید.
۴. زباله‌های خشک را برای بازیافت به شهر بازگردانید.

زباله تر: پوست میوه، تفاله چای، ته‌مانده غذا
 زباله خشک: قوطی کنسرو، ظروف پلاستیکی، کاغذ و ظروف شیشه‌ای



گفتگو

- چرا این قوطی‌های پلاستیکی را انداختی توی سطل آشغال؟
- خُب کجا بیندازمش؟ زباله است دیگر! زباله را می‌اندازند توی سطل زباله.
- قوطی‌های پلاستیکی زباله خشک هستند. زباله‌های «خشک» را باید در سطل زباله خشک بیندازی.
- من حوصله این کارها را ندارم. چه فرقی می‌کند؟
- زباله‌های خشک در طبیعت تجزیه نمی‌شوند؛ برای همین این‌ها را بازیافت می‌کنند تا محیط‌زیست آسیب نبیند. شما با این کارتان محیط‌زیست را آلوده می‌کنید.
- ببخشید! حق با شما است. الان زباله‌های خشک را از توی سطل زباله در می‌آورم.
- لطفاً از این به بعد هم زباله‌های خشک و تر را تفکیک کن.
- چشم! حتماً همین کار را می‌کنم.

- اگر در طبیعت آتش روشن کردید، حتماً قبل از رفتن آن را خاموش کنید.
- فقط شاخه‌های خشک درختان را بسوزانید.
- دقت کنید به لانه حیوانات آسیب نزنید.
- زباله‌های خود را داخل آب رودخانه‌ها نریزید.
- زباله‌های تر و خشک را از هم جدا کنید.
- زباله‌های تر را در زیر خاک دفن کنید.
- زباله‌های خشک را برای بازیافت به شهر بازگردانید.

- این کارها جان حیوانات را تهدید می‌کند.
- قطع درختان
- ساختن راه، سد و ساختمان
- آلوده کردن آب‌ها
- آلوده کردن خاک
- آلوده کردن هوا
- تولید زباله

- اگر جنگل‌ها نباشند، ...
- اگر درختان قطع شوند، ...
- اگر آب دریاها آلوده شود، ...
- اگر دریاچه‌ها از بین بروند، ...
- اگر زباله‌ها را در محیط‌زیست رها کنیم، ...
- محل زندگی حیوانات نابود می‌شود.
- حیوانات از بین می‌روند.
- ماهی‌ها و موجوداتی که در دریا زندگی می‌کنند، می‌میرند.
- با بارندگی شدید، سیل ایجاد می‌شود.
- جنگل‌ها نابود می‌شوند.

بحث آزاد



برای تولید هر تن کاغذ باید ۱۷ درخت بزرگ قطع شود. قطع این تعداد درخت هرسال آسیب‌های زیادی را به محیط‌زیست وارد می‌کند. فقط در کشور من سالانه حدود ۲۵۰ هزار تن کاغذ مصرف می‌شود که این یعنی مرگ حدود چهار میلیون و دویست و پنجاه هزار درخت. بسیاری اعتقاد دارند اگر به جای استفاده از کتاب‌های کاغذی از کتاب‌های الکترونیکی استفاده شود، می‌توان هرسال از قطع شدن میلیون‌ها درخت جلوگیری کرد. حال سؤال این جاست: شما در طول سال چند کتاب می‌خوانید؟ آن‌ها بیشتر کاغذی هستند یا الکترونیکی؟ شما بیشتر ترجیح می‌دهید کتاب‌های الکترونیکی بخوانید و به محیط‌زیست کمک کنید یا کتاب‌های کاغذی بخوانید؟

به نظر من استفاده از کتاب‌های الکترونیکی خیلی بهتر است؛ چون هم به حفاظت از محیط‌زیست کمک می‌کند و اجازه نمی‌دهد درخت‌ها قطع شوند و هم این‌که مطالعه آن‌ها ساده‌تر است. به راحتی می‌توان در آن نکته نوشت و هم این‌که راحت می‌شود آن را از اینترنت دانلود کرد.



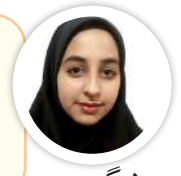
لیلا

مطالعه کتاب‌های الکترونیکی برای سلامت چشم بسیار خطرناک است. نور صفحه‌های لپ‌تاپ و تبلت چشم‌ها را ضعیف می‌کند. استفاده بیش از حد از کتاب‌های الکترونیکی به سلامت انسان آسیب می‌زند؛ برای همین من همیشه از کتاب‌های کاغذی استفاده می‌کنم.



ندا

من با شما موافقم ندا جان. درخت‌ها فواید بسیاری دارند که یکی از آن‌ها تولید کاغذ است. استفاده از درخت برای تولید کاغذ یعنی استفاده درست از درخت. هرسال درخت‌های زیادی بریده می‌شوند تا وسایل چوبی بی‌استفاده از آن‌ها درست کنند.



نرگس

وقتی به راحتی می‌توان یک مطلب را در لپ‌تاپ خواند، چرا باید برای انتشار آن، درخت‌ها را قطع کرد. درخت‌ها هم برای انسان‌ها هستند، هم برای حیوانات. ما نباید برای تولید کاغذ آن‌ها را قطع کنیم.



فاطمه

لذت خواندن کتاب کاغذی خیلی بیشتر از نگاه کردن به صفحه کامپیوتر است. به نظر من خواندن کتاب‌های الکترونیکی لذت مطالعه را از بین می‌برد.



مهناز

مهناز جان، این احساس فقط به دلیل عادت‌های مطالعه شما است. چون از کودکی فقط کتاب‌های کاغذی مطالعه کردید. اگر چند وقت کتاب الکترونیکی بخوانید، عادت می‌کنید.



وحیده



نظر شما چیست؟

.....

خواندن



پیش خواندن

تفکیک زباله‌ها چه فایده‌ای دارد؟
آیا در کشور شما زباله‌ها را تفکیک می‌کنند؟
شما برای تفکیک زباله‌ها روزانه چه کارهایی را انجام می‌دهید؟



بطری‌های پلاستیکی در طبیعت

■ پس از نوشیدن آب در کنار جاده، بطری آن را چه کار می‌کنید؟ بسیاری از ما این بطری‌ها را در سطل زباله می‌اندازیم؛ اما مدتی است که جمع‌کردن در بطری‌ها برای بعضی افراد به یک موضوع مهم تبدیل شده است. این موضوع در ایران از شهر تبریز شروع شد و در تهران و بعضی از شهرهای دیگر هم ادامه پیدا کرد. یکی از اهالی تبریز به فکر افتاد تا با جمع‌آوری و فروش در بطری‌های آب و نوشابه برای معلولان، ویلچر بخرد. او در شهر تبریز گروهی را تشکیل داد و شروع به جمع‌آوری در بطری‌ها کرد. با جمع‌آوری ۶۰۰ هزار در، خرید ۶ ویلچر ممکن می‌شود؛ یعنی هر ۱۰۰ هزار در بطری معادل یک ویلچر معمولی است. یکی از اعضای گروه می‌گوید: «ما فقط درها را جمع‌آوری می‌کنیم و خود بطری‌ها را تحویل نمی‌گیریم. البته درهای پلاستیکی و بطری‌های پلاستیکی هر دو قابل بازیافت هستند؛ ما امکان بازیافت «در» و بطری» را با هم را نداریم.



■ دو نفر دیگر از دوستداران محیط‌زیست و طبیعت، قایقی از جنس بطری‌های پلاستیکی ساختند. آن دو، حدود ۱۰۰۰ بطری پلاستیکی را که در طبیعت رها شده بود، در یک هفته از جنگل و ساحل رودخانه جمع‌آوری کردند و زباله‌های پلاستیکی را به شکل یک قایق درآوردند و سپس با آن قایق روی رودخانه حرکت کردند. این دوستداران محیط‌زیست گفتند: «ما تصمیم گرفتیم این قایق را با پیام کمک به محیط‌زیست بسازیم و به سالم ماندن محیط‌زیست کمک کنیم.» همه برای نجات محیط‌زیست می‌توانند کمک کنند. هنگامی که در محیط کار هستید و یا برای تفریح به طبیعت می‌روید، یک پلاستیک بزرگ همراه داشته باشید و زباله‌هایی را که اطراف خود می‌بینید، جمع کنید. دیگران را هم تشویق کنید تا از محیط‌زیست محافظت کنند. حفاظت از محیط‌زیست نیاز به تبلیغ دارد و بهترین مکان برای تبلیغ، مدرسه‌ها هستند. باید فرهنگ محیط‌زیست سالم را از همان کودکی به دانش‌آموزان یاد دهیم تا در آینده آن‌ها با طبیعت برخورد مناسبی داشته باشند.

تمرین



پاسخ سؤالات زیر را در متن بیابید:



۱. اهداف این گروه از جمع‌آوری در بطری چیست؟
۲. چرا این گروه تنها در بطری‌ها را جمع‌آوری می‌کنند؟
۳. هدف از ساخت قایق با بطری‌های پلاستیکی چه بود؟
۴. بهترین راه برای محافظت از محیط‌زیست چیست؟

بیاموزیم



جمله شرطی با «مگر این‌که»

در زبان فارسی با «مگر این‌که»
می‌توان جمله شرطی ساخت.

البته از این نوع جمله‌های شرطی زمانی می‌توان استفاده کرد که جمله شرط و جواب شرط از نظر معنایی مخالف یکدیگر باشند.

تو در آزمون حتماً مردود می‌شوی، مگر این‌که خوب درس بخوانی.
او از زندان آزاد نمی‌شود، مگر این‌که بدهی‌اش را بپردازد.

برای استفاده از ساخت «مگر این‌که» می‌توان از دو حالت زیر نیز استفاده کرد.

شرط	مگر این‌که	جواب شرط
خلافی مرتکب شوید. (حال، آینده)	مگر این‌که	پلیس شما را جریمه نمی‌کند (نخواهد کرد)
خلافی مرتکب شده باشید. (گذشته و حال)		

تمرین 

الف) با استفاده از «مگر این که» و مانند مثال با دو مصدر زیر جمله بسازید.

جمله	مصدر دوم	مصدر اول	مثال: در دریا شنا کردن
ما فردا حتماً در دریا شنا می‌کنیم، مگر این که باران بیارد.	باران باریدن	در خانه بودن	۱
.....	سینما رفتن	گرسنه بودن	۲
.....	صبحانه خوردن	خسته بودن	۳
.....	خوابیدن	زندگی کردن	۴
.....	اسباب‌کشی کردن	آمدن	۵
.....	مریض بودن	برنده شدن	۶
.....	تمرین کردن	سروقت آمدن	۷
.....	دیر خوابیدن	مسافرت رفتن	۸
.....	خراب بودن		

ب) جمله‌های شرطی زیر را با استفاده از «مگر این که» تغییر دهید.

مثال: اگر هوا خوب باشد، ما فردا حتماً به مسافرت می‌رویم.
ما فردا حتماً به مسافرت می‌رویم، مگر این که هوا بد باشد.

۱. اگر کتابخانه باز باشد، ما برای درس خواندن به آن جا می‌رویم.

.....
۲. اگر رستوران بزرگ بود، جشن تولد را در آن جا می‌گیریم.

.....
۳. اگر حال مادرم خوب باشد، او را امسال حتماً به کربلا می‌بریم.

.....
۴. در سفرم به ایران، اگر به رشت بروم، حتماً غذای شمالی می‌خورم.

.....
۵. اگر حقوقم در این شرکت بالا باشد، حتماً چند سالی در این جا کار خواهم کرد.

.....

درس را مطالعه کنید و خلاصه‌ای از آن بنویسید.

خلاصه نویسی

۱۳

درس سیزدهم

حیات وحش ایران

■ اهداف درس

انتظار می‌رود زبان‌آموز با خواندن این درس:

۱. با انواع جانوران آشنا شود.
۲. اندام‌های گوناگون بدن حیوانات را بشناسد.
۳. حیات وحش ایران را بشناسد.
۴. فرایند تکرار را بشناسد.
۵. واژه‌های دارای فرایند تکرار را در جمله‌ها استفاده کند.

■ واژه‌ها و

اصطلاح‌های جدید

پستاندار، زنده‌زا،
تخم‌گذار، پَر،
خزندگان، شکم،
سُم، شاخ، دُم،
فَلس، پولک، نیش، مَنقار،
نوک، چَنگال،
بال، پَنجه، دندان نیش،
پوزه، اندام، کوهان،
خُرطوم، لاک، گوشت‌خوار،
عَلف‌خوار، انقراض،
گرمسیر، سردسیر، شِکار،
زِبَر، تَکه‌پاره، آدم‌خوار،
هُشدار دادن، بی‌رویه،
نَسَل، دخالت،
زاد و ولد، خون‌سردی،
مَشکوک، دَرپوش،
چاله، گودال، حُقّه‌باز،
به دام انداختن.

واژه



آفتابپرست

سگ

مارمولک

خرگوش

کروکودیل

عقاب

موش

مرغ و خروس

یستانداران

حیواناتی که زنده‌زا هستند و پس از تولد بچه‌هایشان به آن‌ها شیر می‌دهند.

پرنندگان

حیواناتی که تخم‌گذار هستند و روی بدنشان پر دارند.

خزندگان

حیواناتی که تخم‌گذار هستند، در هنگام حرکت، شکم آن‌ها روی زمین کشیده می‌شود.

کلاغ

آهو

روباه

بز

شترمرغ

پنگوئن

مار

گنجشک

لاک‌پشت

تمرین

اجزای بدن حیوان را در مقابل واژه‌ها با حروف مشخص کنید. **(الف)**

۱. منقار (نوک) ۱

۲. چنگال ۲

۳. بال ۳

۴. دم ۴

۵. پر ۵

۱. سُم ۱

۲. شاخ ۲

۳. مو ۳

۴. ریش ۴

۵. پوزه ۵

۶. دم ۶

۷. گوش ۷

گردن ۸

۱. پنجه ۱

۲. دندان نیش ۲

۳. پوزه ۳

۴. دم ۴

۵. گردن ۵

۶. گوش ۶

۱. زبان ۱

۲. فلس (پولک) ۲

۳. نیش ۳

۴. دم ۴

معنی این واژه‌ها را با کمک دوستان خود پیدا کنید. این اندام‌ها برای چه حیواناتی هستند؟ **(ب)**

کوهان: خرطوم: لاک:

شنیدن



(الف) به توضیحات زیر گوش دهید، سپس مشخص کنید گوینده در هر مورد درباره کدام حیوان صحبت می‌کند.

(ب) یک بار دیگر به این توضیحات گوش دهید و جدول زیر را کامل کنید

دلیل خطر انقراض	در حال انقراض		محل زندگی: مناطق ...		تغذیه	
	خیر	بلی	سردسیر	گرمسیر	گوشه خوار	علف خوار
گاندو	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
بزکوهی	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>
سیاه‌گوش	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>

(ج) این جمله‌ها درباره کدام یک از این سه حیوان درست است؟ هر سؤال ممکن است بیش از یک پاسخ داشته باشد.
گاندو بزکوهی سیاه‌گوش

۱. این حیوان دو عدد شاخ دارد.			
۲. این موجود شکارچی است و دندان‌های بسیار خطرناکی دارد.			
۳. حیوان بسیار سریعی است.			
۴. به خاطر رنگ بدنش می‌تواند خودش را در طبیعت مخفی کند.			
۵. بچه‌های آن‌ها خیلی ضعیف هستند و حیوانات دیگر به راحتی می‌توانند آن‌ها را شکار می‌کنند.			
۶. این حیوان تخم‌گذار است.			
۷. شکار آن‌ها در ایران غیرقانونی است.			
۸. بدنش با فلس پوشیده شده است.			
۹. این موجود سم‌های پهنی دارد.			
۱۰. جنس نر این حیوان معمولاً چند جفت ماده دارد.			

(د) جاهای خالی را با واژه‌های مناسب پر کنید. سپس یک بار دیگر متن شنیداری را بشنوید و پاسخ‌های خود را بررسی کنید.

سیاه‌گوش	بزکوهی	گاندو
۱. یک سیاه‌گوش ماده در هر بار می‌تواند سه به دنیا آورد.	۱. بدنشان با موهای زبر و کوتاه است.	۱. این حیوانات خزنده، از ماهی‌ها، خزنده‌ها و پستانداران و و هستند.
۲. سال‌ها پیش، سیاه‌گوش‌ها به دلیل شکار در حال انقراض بود.	۲. بزهای کوهی نر علاوه بر ریش، بر روی سرشان شاخ‌های بلندی دارند که به عقب هستند.	۲. درون دهان آن‌ها حدود ۳۴ دندان بسیار خطرناک وجود دارد که به سادگی می‌توانند هر حیوانی را کنند.
۳. خوشبختانه دولت ایران با غیرقانونی شکار سیاه‌گوش‌ها نسل آن‌ها را خطر انقراض	۳. ماده‌ها هم شاخ دارند ولی این شاخ‌ها کوتاه‌ترند و ۲۰ سانتیمتر	۳. متخصصان همواره به روستاییان منطقه سیستان که زیاد به گاندوها نزدیک نشوند.

کار گروهی



- (؟) ۱. در کشور شما چه حیوانی بیشتر از سایر حیوانات وجود دارد؟ این حیوان را توصیف کنید.
۲. آیا مردم از این حیوان در خانه نگهداری می‌کنند؟ آیا شما با این کار موافق هستید؟

دلائل انقراض	حیوانات ایرانی
شکار بی‌رویه	۱. شیر ایرانی منقرض شده است.
از بین رفتن محل زندگی با دخالت انسان	۲. سیاه‌گوش ایرانی در حال انقراض است.
خشک‌سالی و کمبود غذا	۳. یوزپلنگ ایرانی در خطر انقراض است.
آلودگی محل زندگی	۴. فیل‌ماهی دریای خزر از خطر انقراض نجات پیدا کرد.
تغییرات بیش‌ازحد شرایط آب و هوایی	۵. در سال‌های اخیر زاد و ولد بزهای کوهی افزایش یافته است.



گفتگو

■ دیروز توی یک وب‌سایت یک مقاله درباره شیر ایرانی نوشته شده بود.

□ شیر ایرانی! مگر ایران هم شیر دارد؟

■ الان نه! تا حدود ۷۰ سال پیش توی خوزستان و شیراز، شیر ایرانی زندگی می‌کرده؛ اما الان دیگر منقرض شده‌اند.

□ چرا؟

■ مهم‌ترین دلیلش شکار بی‌رویه بوده؛ ولی کمبود غذا و قطع کردن درختان هم باعث شده که محل زندگی آن‌ها از بین برود و منقرض بشوند.

□ یعنی الان حتی یک حیوان هم ازشان باقی نمانده؟

■ نه متأسفانه! البته هنوز یک‌گونه از شیر ایرانی تو جنگل‌های هندوستان زندگی می‌کند. سازمان محیط‌زیست ایران دارد سعی می‌کند چند تا از آن‌ها را به ایران بیاورد.

□ چه خوب! خدا کند دوباره شیر ایرانی به ایران برگردد.

■ خدا کند!

- شکار بی‌رویه
- از بین رفتن محل زندگی با دخالت انسان
- خشک‌سالی و کمبود غذا
- آلودگی محل زندگی
- تغییرات بیش‌ازحد شرایط آب و هوایی

- پستانداران
- خزندگان
- پرندگان
- ماهی‌ها

- منقرض شده است.
- در حال انقراض است.
- در خطر انقراض است.
- از خطر انقراض نجات پیدا کرد.
- زاد و ولد حیوان افزایش یافته است.

- گوشت‌خوار
- علف‌خوار
- مناطق گرمسیر
- مناطق سردسیر

- سم
- شاخ
- مو
- ریش
- پوزه
- گوش
- گردن
- منقار (نوک)
- دندان نیش
- چنگال
- بال
- دم
- پر
- زبان
- فلس (پولک)
- پنجه
- دندان نیش
- چنگال

- موش
- عقاب
- کروکودیل
- مار
- سگ
- مرغ و خروس
- شترمرغ
- روباه
- لاک‌پشت
- گنجشک
- مارمولک
- خرگوش
- آهو
- کلاغ
- بز
- پنگوئن
- آفتاب‌پرست



کشتن مار ممنوع



سازمان محیط‌زیست کشتن مار در استان یزد را ممنوع کرد

در بیابان‌های اطراف شهر یزد نوعی مار زندگی می‌کند که بسیاری از شرکت‌های داروسازی از زهر آن برای تولید دارو استفاده می‌کنند. شغل بسیاری از مردم روستاهای اطراف یزد شکار این مارها است. متأسفانه در سال‌های اخیر به دلیل شکار بیش‌ازحد، تعداد این مارها بسیار کم شده و نسل آن‌ها در حال انقراض است. سازمان حفاظت از محیط‌زیست ایران در یک اقدام سریع شکار این مارها را غیرقانونی اعلام کرده و از مردم خواسته به هیچ‌عنوان این حیوان زیبا را نکشند.

من هم با آقا فرشاد موافقم. اتفاقاً من خیلی خوشحال می‌شوم، اگر نسل مارها منقرض شود. من از مارها اصلاً خوشم نمی‌آید. چند روز پیش یکی از آن‌ها وارد خانه ما شده بود. همه ما خیلی ترسیدیم و مجبور شدیم با آتش‌نشانی تماس بگیریم.



فرشاد

مگر می‌شود نسل مارها منقرض شود. من در استان یزد زندگی می‌کنم. بیابان‌های این استان پراز مار است. این مارها حتی بعضی وقت‌ها به خانه مردم هم می‌آیند. با شکار چند مار که نسل آن‌ها منقرض نمی‌شود.



سعید

محمدرضا جان، من هم با شما موافقم. کشتن حیوانات کار بسیار بدی است و نظم طبیعت را به هم می‌زند. اگر نظم طبیعت به هم بخورد، زندگی همه موجودات به خطر می‌افتد؛ مثلاً اگر نسل مارها منقرض شود، همه دنیا پراز موش می‌شود.



محمدرضا

این عقیده کاملاً اشتباه است. مار هم یک موجود زنده است و حق زندگی کردن دارد. شما نباید فقط به خاطر این‌که از مارها خوشتان نمی‌آید، آن‌ها را بکشید. در اسلام بارها تأکید شده که مسلمانان باید به حیوانات احترام بگذارند. می‌گویند، یک روز پیامبر در حال وضو گرفتن بودند. در همین لحظه گربه تشنه‌ای را می‌بینند. پیامبر وضویش را قطع می‌کند، به گربه آب می‌دهد و بعد بازمی‌گردد و دوباره وضو می‌گیرد.



مسعود

یک موضوع مهم دیگر هم وجود دارد. اگر شکار این مارها ممنوع شود، تعداد زیادی شکارچی مار بیکار می‌شوند. حال این افراد باید چکار کنند؟



مرتضی

آقا مرتضی حرف شما درست است؛ علاوه بر این شکارچیان، مارها را برای استفاده در صنعت داروسازی شکار می‌کنند. اگر این مارها شکار نشوند، چطور می‌توان داروها را تولید کرد؟



فرامرز

۱. نظر شما چیست؟ شما با نظر کدام یک از این افراد بیشتر موافق هستید؟
۲. آیا غیرقانونی اعلام کردن شکار مار در استان یزد کار درستی بوده است؟



خواندن



پیش خواندن

آیا تا به حال نام کتاب «کلیله و دمنه» را شنیده‌اید؟ درباره این کتاب چه می‌دانید؟ با استاد خود در این باره گفتگو کنید.



بازنویسی دو داستان از «کلیله و دمنه»



به خانه بیاورد، روباه در چاله‌ای را که از قبل جلوی خانه کنده بود، باز کرد و با فرش روی آن را پوشاند. وقتی گرگ و خرگوش وارد خانه شدند، هر دو درون چاه افتادند و روباه هم گودال را با سنگ و خاک پر کرد تا برای همیشه حیوانات از دست گرگ ظالم و خرگوش حقه باز راحت شوند.

گرگ قبول کرد و خرگوش برای این که روباه را فریب بدهد، به خانه او رفت. خرگوش به روباه گفت که دوستش می‌خواهد برای مهمانی به خانه او بیاید تا با هم بیشتر آشنا شوند. روباه که حیوان بسیار باهوشی بود به حرف‌های خرگوش مشکوک شده و از پنجره بیرون خانه را نگاه کرد. بیرون از خانه گرگ گرسنه را دید. وقتی خرگوش رفت تا گرگ را

گرگ گرسنه‌ای به دنبال شکار بود که ناگهان چشمش به خرگوشی افتاد. خرگوش خیلی ترسید؛ اما سعی کرد خونسردی‌اش را حفظ کند. او به گرگ گفت: «شما حیوان بزرگی هستید. خرگوش غذای مناسبی برای شما نیست. من می‌توانم شما را به خانه روباه ببرم تا او را بخورید. روباه از من هم چاق‌تر است و هم خوشمزه‌تر.»



و مشکلتان را به او بگویید، شاید بتواند مشکلتان را حل کند.» کبک و موش پیش گربه رفتند و موضوع را برای او تعریف کردند. گربه کمی صبر کرد و گفت: «من پیر شده‌ام و گوش‌هایم درست نمی‌شنود. نزدیک تریباید و دوباره مشکلتان را بگویید.» کبک و موش به گربه نزدیک شدند تا مشکل را دوباره توضیح دهند؛ اما تا نزدیک آمدند گربه روی آن‌ها پرید و هر دو را خورد.

به لانه‌اش رسید با تعجب دید که موشی به آن جا آمده و در لانه او زندگی می‌کند. کبک با ناراحتی به موش گفت: «این جالانه من است، تو این جا چکار می‌کنی؟» موش گفت: «من مدت‌هاست که در این سوراخ زندگی می‌کنم. این لانه مال من است و از آن بیرون نمی‌روم.» در این زمان کلاغی که در آن نزدیکی زندگی می‌کرد جلو آمد و گفت: «کنار رودخانه گربه باهوشی زندگی می‌کند. بهتر است شما هم پیش او بروید

در یک دشت سرسبز و زیبا، کبک کوچکی در زیر زمین چاله‌ای کنده بود و در آن جا زندگی می‌کرد. یک روز شکارچی‌ای به دشت آمد و او را به دام انداخت. شکارچی کبک را به شهر برد و به مردی ثروتمند فروخت. مرد ثروتمند چند ماهی از کبک در قفس نگهداری می‌کرد؛ اما یک روز وقتی در قفس را باز کرد تا برای او آب و غذا بگذارد، کبک از آن جا فرار کرد. وقتی کبک به دشت بازگشت و

در جدول‌های زیر ترتیب اتفاقات در هر داستان را مشخص نمایید.

کبک و موش

...	(ج) کلاغ به آن‌ها گفت پیش گربه بروند و مشکلشان را به او بگویند.
...	(چ) موش به خانه کبک رفت و در آن‌جا شروع به زندگی کرد.
...	(ح) کبک از خانه مرد ثروتمند فرار کرد.
...	(خ) گربه آن‌ها را خورد.
...	(د) شکارچی کبک را در دشت شکار کرد.

گرگ و خرگوش

...	(الف) خرگوش به روباه گفت می‌خواهم با دوستم بیشتر آشنا شوی.
...	(ب) خرگوش گفت: روباه از من خوشمزه‌تر است.
...	(پ) روباه در مقابل خانه‌اش چاله‌ای کند.
...	(ت) روباه چاله را با سنگ و خاک پر کرد.
...	(ث) گرگ می‌خواست خرگوش را بخورد.

(ب) درباره این دو داستان در کلاس گفتگو کنید. از هر کدام چه نتیجه‌هایی می‌توان گرفت؟



نام‌آوا(اسم صوت) و واژه‌های مکرر ناقص

اگر آوایی دو بار تکرار شود و یک واژه جدید بسازد، به این شکل واژه‌سازی، «فرایند تکرار» می‌گویند.

(ب) نام‌آوا(اسم صوت) در برخی قیدها و صفت‌ها:

به مثال‌ها توجه کنید.

رفته‌رفته	یکی‌یکی
گروه‌گروه	آرام‌آرام

(ج) واژه‌های مکرر ناقص:

در زبان فارسی هر گاه در گفتار یا نوشتار، واژه‌ای را تکرار کنیم به آن واژه «مکرر» می‌گویند. گاهی فقط حرف اول تغییر می‌کند و گاهی بین واژه اول و دوم «و» قرار می‌گیرد. به مثال‌ها توجه کنید.

صندلی **مندلی** (صندلی یا چیزی شبیه به آن)
کیف **میف** (کیف یا چیزی شبیه به آن)
مُبل **پُبل** (مبل یا چیزی شبیه به آن)
آخم **و تخم** (در هنگام اخم کردن)

(الف) نام‌آوا(اسم صوت):

به صداهای موجود در طبیعت، صدای دیگر موجودات زنده و یا صدای به هم خوردن اشیاء که در زبان به عنوان یک واژه به کار می‌رود «**اسم صوت**» می‌گویند. به مثال‌ها توجه کنید.

- **چهچه** صدای آواز بلبل است.
- **شُرْشُر** صدای ریخته شدن آب است (مانند آب آبشار).
- اگر کسی روی برگ‌های خشک قدم بزند، صدای **خِش خِش** می‌آید.
- به صدایی که از در زدن به گوش می‌رسد **تَق تَق** می‌گویند.

در جمله‌های بالا صداهای «چهچه» «شُرْشُر» «خِش خِش» «تَق تَق» **اسم صوت** هستند.

تمرین 

الف) در متن زیر واژه‌هایی را که با فرایند تکرار ساخته شده‌اند، بیابید.

طبیعت در همه فصل‌ها زیباست. صدای چهچه بلبل و شرشر آب را در فصل بهار می‌شنویم. گل‌ها و میوه‌های رنگارنگ تابستان بسیار دیدنی هستند و صدای جیک‌جیک گنجشکان در حیاط خانه شنیده می‌شود. در فصل پاییز برگ‌های رنگارنگ روی زمین می‌ریزند و صدای خش‌خش برگ درختان به گوش می‌رسد. در فصل زمستان سفیدی برفی که روی درختان نشسته خیلی زیباست. در این فصل صدای چک‌چک قطره‌های باران به من آرامش می‌دهد.

ب) با کمک هم کلاسی خود معنی اسم صوت‌های زیر را پیدا کنید.

.....	جیک‌جیک	۱
.....	شالاپ‌شلوپ	۲
.....	تیک‌تاک	۳
.....	میومیو	۴
.....	واق‌واق	۵
.....	قدقد	۶
.....	قوقولی‌قوقو	۷

ج) درباره اسم صوت‌های موجود در زبان خود در کلاس گفتگو کنید.

درس را مطالعه کنید و خلاصه‌ای از آن بنویسید.

خلاصه نویسی

۱۴

درس چهاردهم

تمدن‌های بزرگ جهان

■ اهداف درس

انتظار می‌رود زبان‌آموز با خواندن این درس:

۱. برخی از آثار باستانی ایران را بشناسد.
۲. با بعضی از تمدن‌ها آشنا شود.
۳. اطلاعات مهم مرتبط با تمدن‌های بشری را بداند.
۴. بتواند درباره‌ی یک تمدن و مسائل مرتبط با آن صحبت کند.
۵. حروف ربط و کاربرد آن‌ها را بشناسد.
۶. تفاوت هر یک از حروف ربط را با یکدیگر بداند.

■ واژه‌ها و

اصطلاح‌های جدید

تمدن، آجری، شورش، رژه، وارونه، فروپاشی، جنگ داخلی، محدوده‌ی جغرافیایی، حرفه، مذهب، بین‌النهرین، نژاد، آزادانه، پیچیده، خط میخی، هخامنشیان، مومیایی، آثار باستانی، کتیبه، قلمرو، حاصل‌خیز، معابد، رواج داشتن، مردم‌شناسی، مؤسس، فرمانروا، نبرد، دستاورد، رأفت، پایه‌گذاری، فراگیری، قومی، ناخواسته، تندرو، نژادپرست، گسترش، دیدگاه، توهین، بی‌گناه، محکوم کردن، قبیله، باستان‌شناس، مصنوعی، متعلق، موکول شدن، مبتلا بودن، کاوش، هدفمند، متحرک، پیوند.



آثار باستانی مهم در ایران

تخت جمشید

تخت جمشید سال‌های زیادی پایتخت امپراتوری بزرگ ایران بوده است. این مکان در استان فارس نزدیک شیراز است.



تخت سلیمان

نام محل تاریخی بزرگی در نزدیکی روستای تخت سلیمان در استان آذربایجان غربی است.



گنبد سلطانیه

بزرگ‌ترین گنبد آجری جهان و مقبره «اولجایتو» پادشاه مغول است که پس از مسلمان شدن نام خود را به سلطان محمد خدابنده تغییر داد. این مکان در قسمت شرقی شهر زنجان است.



پاسارگاد

«پاسارگاد» مجموعه‌ای از آثار باستانی باقی‌مانده از دوران هخامنشی که در ۱۳۵ کیلومتری شمال شیراز در منطقه پاسارگاد استان فارس واقع شده است.



سنگ‌نوشته بیستون

این سنگ‌نوشته حدود ۲۷ کیلومتری شهر کرمانشاه در غرب ایران است و تصویر پیروزی داریوش بر یک شورش را نشان می‌دهد.



میدان نقش جهان

میدان نقش جهان در قرن یازدهم هجری قمری (قرن هفدهم میلادی) یکی از بزرگ‌ترین میدان‌های جهان بوده و در دوره شاه‌عباس در محل بازی چوگان ساخته شده است. این میدان در شهر اصفهان قرار دارد و به نام میدان امام معروف است.



چغازنبیل

«چغازنبیل» در واقع محل عبادت بوده که توسط یکی از پادشاهان ایلام باستان در ۴۵ کیلومتری شهر شوش ساخته شده است. چغازنبیل در زبان لری به معنی سبد وارونه است.



تمرین

درباره یکی از تمدن‌های بزرگ دنیا تحقیق کنید. کدام یک از اطلاعات زیر را می‌توانید کامل نمایید.

۱. نام تمدن:
۲. زمان تأسیس: قبل از میلاد پس از میلاد
۳. زمان فروپاشی: قبل از میلاد پس از میلاد
۴. دلیل فروپاشی: جنگ‌های داخلی حمله کشورهای دیگر سایر:
۵. محدوده جغرافیایی تمدن: آسیای شرقی آسیای میانه بین‌النهرین شمال آفریقا آمریکای جنوبی اروپا سایر:
۶. حرفه بیشتر مردم: تجارت کشاورزی دامداری ماهیگیری سایر:
۷. مذهب:
۸. زبان:

شنیدن



الف) به گفتگوها گوش بدهید سپس جدول زیر را کامل کنید.

دلیل فروپاشی	حرفه بیشتر مردم	محدودهٔ جغرافیایی	زمان تمدن	
				۱
				۲
				۳

ب)

یک بار دیگر به گفتگوها گوش دهید؛

جمله‌های زیر دربارهٔ کدام یک از این سه تمدن صحیح است؟

تمدن اول
تمدن دوم
تمدن سوم

			۱. معماران این تمدن از مجسمه‌های زیبا برای تزئین ساختمان‌ها استفاده می‌کردند.
			۲. به پادشاهان این تمدن فرعون می‌گفتند.
			۳. مردم با هر نژاد و مذهبی، آزادانه در این تمدن زندگی می‌کردند.
			۴. در این تمدن داشتن مقبرهٔ بزرگ نشان‌دهندهٔ قدرت بود.
			۵. پادشاهان این تمدن عقاید خود را بر روی سنگ‌های بزرگ می‌نوشتند.
			۶. هنرمندان این تمدن به معماری، تئاتر و موسیقی علاقهٔ بسیاری داشتند.
			۷. پزشکان این تمدن می‌توانستند جراحی‌های پیچیده‌ای را انجام دهند.
			۸. خط میخی، خط رسمی این تمدن است.
			۹. فیلسوفان و علمای بسیاری در این تمدن زندگی می‌کردند.
			۱۰. تجارت دریایی از جمله مشاغل مهم در این تمدن بود.

ج)

جاهای خالی را با واژه‌های مناسب پر کنید. سپس یک بار دیگر متن شنیداری را بشنوید و پاسخ‌های خود را بررسی کنید.

تمدن یونان

تمدن مصر

تمدن ایران

از آن زمان مجسمه‌های بسیاری که هم‌اکنون در موزه‌های بزرگ دنیا آن‌ها می‌شود. موسیقی و تئاتر نیز در میان یونانیان تا حدی که بسیاری از کارشناسان اولین نمایش‌های دنیا در شهر آتن	زمانی که یک فرعون او را مومیایی و در هرم‌ها می‌گذاشتند. هر پادشاهی تا کاخ و هرم بزرگ‌تری بسازد و همین موضوع که بسیاری از مردم کشاورزی، به حرفهٔ معماری نیز	خط فارسی یکی از مهم‌ترین هخامنشیان بود. به دلیل این‌که حروف در این خط بود، به این خط، خط میخی می‌گویند. از دوران هخامنشیان بسیاری است که بزرگ‌ترین آن «بیستون» در شهر کرمانشاه است
---	--	--

کار گروهی



ب) آیا تا به حال از هیچ یک از آثار باستانی زیر دیدن کرده‌اید؟



۴. کولوسئوم - ایتالیا



۳. تاج محل - هند



۲. اهرام ثلاثه - مصر



۱. معبد آسمان - چین

- دربارهٔ یکی از آثار باستانی کشور خود در کلاس صحبت کنید. این اثر برای چه زمانی است؟
- وسعت آن چقدر است؟ در کدام شهر از کشور شما است؟ آیا تا به حال از آن دیدن کرده‌اید؟

اطلاعات مردم‌شناسی
۱. حرفه بیشتر مردم
۲. دین اکثر مردم
۳. زبان بیشتر مردم
۴. هنر مورد علاقه مردم

اطلاعات تاریخ و جغرافیای تمدن
۱. زمان تقریبی تأسیس تمدن
۲. زمان فروپاشی تمدن
۳. دلیل فروپاشی تمدن
۴. محدوده جغرافیایی تمدن

دستاوردهای علمی، فرهنگی و هنری
۱. دستاوردهای فرهنگی تمدن
۲. آثار به‌جامانده از تمدن
۳. دانشمندان معروف و دستاوردهای علمی آن‌ها
۴. هنرمندان معروف و آثار به‌جامانده از آن‌ها

اطلاعات سیاسی و نظامی
۱. مؤسس تمدن
۲. آخرین پادشاه، حاکم یا فرمانروای تمدن
۳. بزرگ‌ترین دشمنان این تمدن
۴. نبردهای مهم در تاریخ این تمدن



گفتگو

- سحر! این کتاب چیست که از صبح داری می‌خوانی؟
- خیلی قشنگ است. درباره تمدن اسلام است.
- من هم کتاب‌های تاریخی را خیلی دوست دارم؛ اما هیچ‌وقت وقت نمی‌کنم بخوانم. حالا درباره چیست؟
- همه چیز. چه می‌خواهی بدانی؟
- اسلام محدوده جغرافیایی بزرگی داشته؟
- بله. غرب آسیا، قسمتی از شمال آفریقا و جنوب اروپا. خیلی بزرگ بوده.
- شغل بیشتر مردم چه بوده؟
- مردم همه کاری می‌کردند. کشاورزی، دامداری؛ اما در کنار این‌ها خیلی‌ها تاجر بودند.
- چقدر جالب!

- اطلاعات تاریخ و جغرافیای تمدن
- اطلاعات مردم‌شناسی
- اطلاعات سیاسی و نظامی
- دستاوردهای علمی، فرهنگی و هنری
- مؤسس تمدن
- آخرین پادشاه، حاکم یا فرمانروای تمدن
- بزرگ‌ترین دشمنان این تمدن
- نبردهای مهم در تاریخ این تمدن
- اهرام ثلاثه مصر / هرم آفتاب / دیوار بزرگ چین / تخت جمشید مهم‌ترین اثر به‌جامانده از این تمدن است.
- بوعلی سینا / لئوناردو داوینچی / مولانا / گوته / ارسطو مهم‌ترین دانشمندان / هنرمندان این تمدن بودند.
- بیشتر مردم در این تمدن مسلمان / مسیحی / یهودی / بت‌پرست بودند.
- زبان آن‌ها عربی / فارسی / ترکی / یونانی بوده است.
- زمان تقریبی تأسیس / فروپاشی تمدن حدود ۱۰۰ سال پیش / پس از میلاد است.
- محدوده جغرافیایی تمدن آسیای میانه / شرقی / غربی / بین‌النهرین / شمال آفریقا / آمریکای جنوبی / خاورمیانه بود.
- بزرگ‌ترین دشمنان این تمدن، قبایل کوچک / رومی‌ها / یونانی‌ها و ... بودند.
- حرفه بیشتر مردم ماهیگیری / کشاورزی / تجارت / دامداری بود.



تمدن اسلامی؛ اسلام دین رأفت و مهربانی

تمدن اسلامی، چهارده قرن پیش، به وسیله پیامبر اسلام حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) در شهر مکه و در منطقه‌ای به نام حجاز پایه‌گذاری شد. دین جذاب اسلام و فرهنگ الهی به وسیله مسلمانان در مدت کوتاهی به بسیاری از مناطق دنیا در آسیا، اروپا و آفریقا رسید و مردم هر منطقه به قرآن، سنت زیبای پیامبر و اهل بیت و اصحاب برگزیده‌اش علاقه‌مند شدند. توجه دین اسلام به فراگیری علم باعث شد تا دانشمندان بزرگی در کشورهای اسلامی رشد کنند و مدارس و دانشگاه‌های بسیاری در این کشورها تأسیس شود. در تمدن اسلامی حقوق بسیاری به زنان داده شد و تفاوت‌های قومی و نژادی از بین رفت.

اما متأسفانه در سال‌های اخیر، بسیاری از رسانه‌ها، خواسته یا ناخواسته، تصویر بسیار وحشتناکی را از مسلمانان به نمایش گذاشته‌اند. این موضوع باعث شده تا مسلمانان در جای جای دنیا مورد آزار و اذیت قرار گیرند. تا به امروز گروه‌های تندرو و نژادپرست بسیاری در کشورهای غربی تشکیل شده که هدف اصلی آن‌ها مبارزه با اسلام و مسلمانان است. از نظر این گروه‌های تندرو اسلام دین خطرناکی است و باید از گسترش آن جلوگیری کرد.

نظر شما چیست؟ آیا دین اسلام دین خطرناکی است؟ آیا باید از گسترش این دین جلوگیری کرد؟



این دیدگاه که اسلام برای دنیا خطرناک است، دیدگاه عجیبی است. تمدن اسلامی تمدن بسیار بزرگی است. در حال حاضر حدود یک پنجم از جمعیت جهان مسلمان هستند. این دیدگاه یعنی یک پنجم از جمعیت جهان خطرناک هستند و نباید به آن‌ها اجازه زندگی داد.



نرگس

من با شما موافقم. اسلام یک فلسفه است. بسیاری از دانشمندان بزرگ دنیا مسلمان بودند و بسیاری از علوم را مسلمانان پایه‌گذاری کردند. ابن سینا، فارابی و مولوی چه خطری برای دنیا به وجود آوردند؟



علی

علی آقا حرف شما کاملاً درست است. علما و دانشمندان مسلمان به پیشرفت علم در دنیا بسیار کمک کردند؛ اما من یک سؤال دارم. چرا برخی از رسانه‌ها ادعا می‌کنند حملات تروریستی در پاریس و لندن را مسلمانان انجام دادند؟ هر ساله تعداد زیادی در آفریقا توسط گروه‌های مختلف کشته می‌شوند. آن‌ها این تروریست‌ها را از گروه مسلمانان می‌دانند.



لیانا

لیانا خانم، مشکل درست همین جا است. از نظر بیشتر مسلمانان این افراد مسلمان نیستند. دین اسلام به هیچ‌عنوان به هیچ کس اجازه نمی‌دهد تا انسان‌های بی‌گناه را بکشد. در قرآن کریم خداوند می‌فرماید: «هرکس انسان بی‌گناهی را به قتل برساند، مانند این است که همه انسان‌ها را کشته است». اگر کسی به زنان و کودکان بی‌گناه حمله کند و آن‌ها را بکشد با قرآن مخالف است. چطور یک نفر می‌تواند اسم خودش را مسلمان بگذارد و با قرآن مخالفت کند؟



محمد

اگر بیشتر مسلمانان با این گروه‌ها مخالف هستند، چرا مخالفت خود را اعلام نمی‌کنند؟ چرا اجازه می‌دهند عده‌ای به سادگی با استفاده از نام اسلام مردم بی‌گناه را بکشند؟ سکوت برخی کشورهای مسلمان در مقابل این گروه‌ها به معنی تأیید آن‌ها است.



شهرام

قدرت رسانه‌ای دنیا در دست دشمنان اسلام است. مسلمان‌ها بارها و بارها این حملات را محکوم کرده‌اند؛ اما متأسفانه به دلیل کثرت رسانه‌های غربی و تبلیغات منفی، مسلمانان نمی‌توانند صدای خود را به همه جای دنیا برسانند.



فرید

۱. نظر شما چیست؟ آیا تمدن اسلامی، تمدن مهربانی است؟ چرا؟

۲. چرا این روزها بعضی تصور می‌کنند که اسلام دین خشونت و جنگ است؟



خواندن



پیش خواندن

۱. آیا شما به جاذبه‌های گردشگری تاریخی علاقه دارید؟ قدیمی‌ترین جایی که تاکنون بازدید کرده‌اید، کجاست؟
۲. آیا جاذبه‌های تاریخی ایران را می‌شناسید؟

شگفتی‌های شهر سوخته



«شهر سوخته» در ۵۶ کیلومتری شهر زابل در استان سیستان و بلوچستان واقع شده است. این شهر حدود ۳۲۰۰ سال قبل از میلاد پایه‌گذاری شده و مردم بین سال‌های ۳۲۰۰ تا ۱۸۰۰ قبل از میلاد در آن زندگی می‌کردند. باستان‌شناسان اعتقاد دارند که این شهر به دلیل حملهٔ قبیله‌های دیگر دو بار به آتش کشیده شده است و آثار سوختگی در قسمت‌های مختلف آن دیده می‌شود. به همین دلیل این شهر به نام «شهر سوخته» معروف شده است.

برگ آن می‌خورد. باستان‌شناسان با نمایش سریع این تصاویر موفق شدند یک انیمیشن ۲۰ ثانیه‌ای بسازند. دکتر سجادی دربارهٔ **خاص** بودن این تصاویر در دنیای باستانی گفت: «تاکنون در سفال‌های دوران باستان چنین تصاویری دیده نشده. در بسیاری از ظروف، یک تصویر



بدون تغییر تکرار شده و حرکتی در آن‌ها دیده نمی‌شود.

تحقیقات ما نشان می‌دهد که این نقش، قدیمی‌ترین ایده مردمان باستان برای نمایش «تصاویر متحرک» بوده است.»



مغز جمع می‌شود که در ۴۸۰۰ سال پیش، پزشکان «شهر سوخته» برای درمان او بخشی از استخوان جمجمه را برداشته و مغز او را جراحی کردند. باستان‌شناسان معتقدند که این جراحی در زمان کودکی دخترک انجام شده و او مدت‌ها بعد از عمل جراحی زنده مانده است.



نخستین انیمیشن جهان در شهر سوخته

باستان‌شناسان هنگام کاوش در شهر سوخته، جامی را پیدا کردند که نقش یک بز همراه با یک درخت روی آن کشیده شده بود. آن‌ها پس از بررسی جام دریافتند هنرمندی که این جام را نقاشی کرده، توانسته است در پنج تصویر، بز را طراحی کند که به سمت درخت حرکت می‌کند و از



نخستین چشم مصنوعی جهان

در شهر سوخته یک چشم مصنوعی متعلق به ۴۸۰۰ سال پیش کشف شد. این چشم **متعلق به** زنی ۲۵ تا ۳۰ ساله بوده که در یکی از قبرهای شهر سوخته دفن شده است. جالب این جاست که با وجود گذشت نزدیک به ۴۸۰۰ سال از ساخت آن، چشم هنوز سالم است. سرپرست گروه باستان‌شناسی می‌گوید: «این برای نخستین بار است که در شهری باستانی یک چشم مصنوعی پیدا می‌شود». جنس و ماده‌ای که چشم با آن ساخته شده هنوز مشخص نیست و تشخیص آن به آزمایش‌های بعدی **موکول شده** است.

جراحی مغز در شهر سوخته

یکی از شگفت‌انگیزترین یافته‌های شهر سوخته، کشف نشانه‌های قدیمی‌ترین جراحی مغز در دنیا است. این جمجمه متعلق به یک دختر دوازده یا سیزده ساله است که **به بیماری** «هیدروسفالی» مبتلا بوده. در این بیماری مایعی در

اطلاعات زیر درباره شهر سوخته کاملاً نادرست هستند. دلیل نادرست بودن آن را در متن بیابید.

۱	مردم حدود ۳۲۰۰ سال در این شهر زندگی می‌کردند.
۲	به دلیل قدمت زیاد باستان‌شناسان نام این شهر را شهر سوخته گذاشته‌اند.
۳	چشم مصنوعی شهر سوخته از شیشه ساخته شده بود.
۴	عمل جراحی مغز زمانی انجام شده بود که دخترک چهارده‌ساله بود.
۵	تصویر بز بر روی جام سفالی بدون تغییر پنج بار تکرار شده است.



حروف ربط

حرف ربط یا حرف پیوند کلمه‌ای است که دو کلمه یا دو جمله را به هم ربط می‌دهد. حروف ربط دو دسته هستند:

حروف ربط ساده

و	یا	که	پس
اگر	چون	چه	تا
اما	نه	ولی	...

مثال:

حامد و علی به خانه رفتند.
من خواب بودم که علی آمد.

حروف ربط مرکب

چون که	تا این که	زیرا که
چرا که	اگرچه	همین که
وقتی که	...	

مثال:

علی زود به دانشگاه آمد، چون که امتحان داشت.
او بسیار تلاش می‌کند، اگرچه بیمار است.

نکته: ترتیب دو جمله‌ای را که به کمک حروف ربط به هم مرتبط شده‌اند، می‌توان تغییر داد.

مثال: اگرچه بیمار است، او بسیار تلاش می‌کند.

تمرین 

متن زیر را بخوانید و جاهای خالی را با حروف ربط ساده کامل کنید. (الف)

دیروز من، حسین مسعود به پارک رفتیم. به پارک رسیدیم، مسعود گفت: من به مغازه می‌روم
برای شما بستنی بخرم. من برای خودم کیک می‌خرم. گلوی من درد می‌کند. نمی‌توانم بستنی بخورم.

با استفاده از حروف ربط زیر جمله بسازید. (ب)

حرف ربط جمله

مثال: اگرچه	من غذا نخوردم؛ اگرچه گرسنه بودم.	جمله
۱	تا این که
۲	همین که
۳	زیرا که
۴	اگر
۵	چون که
۶	که
۷	وقتی که
۸	نه
۹	پس
۱۰	تا

متن درس را با دقت بخوانید و دور حروف ربط خط بکشید. (ج)

درس را مطالعه کنید و خلاصه‌ای از آن بنویسید.

خلاصه نویسی

۱۵

درس پانزدهم

تفاوت‌های فرهنگی

■ اهداف درس

انتظار می‌رود زبان‌آموز با خواندن این درس:

۱. با بعضی از فرهنگ‌های ایرانی‌ها آشنا شود.
۲. برخی از تفاوت‌های فرهنگی کشورهای مختلف را بداند.
۳. آداب و رسوم دفن مرده در برخی از کشورها را بشناسد.
۴. بتواند درباره آداب و رسوم کشور خودش صحبت کند.
۵. فعل ناگذر و گذرا را بشناسد و تفاوت آن‌ها را بداند.
۶. بتواند فعل‌های ناگذر را به گذرا تبدیل کند.

■ واژه‌ها و

اصطلاح‌های جدید

روبوسی کردن،
قابلی ندارد، برکت،
خام، عین هم بودن،
به مشکل برخوردن،
تدفین، فاتحه خواندن،
خیرات، حلوا،
در آغوش گرفتن،
داماد، ماه عسل،
پخش کردن، کلیسا،
مشکل‌ساز، منجر شدن،
خطوط قرمز،
کفن، به چشم خوردن،
تبعیت کردن، گناه،
هم جنس، زیورآلات،
گره زدن، تراشیدن مو،
آیین.

واژه



دست دادن و روبوسی کردن



این نکته که در ایران زن و مرد نامحرم به یکدیگر دست نمی‌دهند، نکته‌ی جدیدی نیست و بسیاری این موضوع را می‌دانند؛ اما بد نیست بدانید که ایرانی‌ها هم برای سلام کردن و هم برای خداحافظی کردن باهم دست می‌دهند؛ از این گذشته، در ایران مردها گاهی در زمان سلام کردن و روبوسی سه بار گونه‌هایشان را به هم می‌چسبانند.

اول شما بفرمایید!

در ایران هنگام ورود به جایی چندان مؤدبانه نیست که اول شما وارد شوید. قبل از عبور از «در» همیشه از جمله: «اول شما بفرمایید» استفاده کنید. فراموش نکنید، هنگام ورود و خروج این افراد مقدم هستند:

۱. میهمان
۲. بزرگ‌ترها
۳. خانم‌ها



کله پاچه



کله پاچه یک صبحانه بسیار چرب است؛ اما این غذا بسیار خوشمزه و البته گران است. فقط کافی است یک بار این غذا را امتحان کنید تا خودتان متوجه شوید که چرا بعضی از مردم این قدر کله پاچه را دوست دارند!

قابلی ندارد!

بسیاری از فروشنده‌های ایرانی قبل از این که پول را از شما بگیرند می‌گویند: «قابلی ندارد». در ایران خیلی مؤدبانه نیست که فروشنده سریع پول را از شما بگیرد؛ به همین دلیل، هنگام پرداخت پول به فروشنده این جمله‌ها را زیاد می‌شنوید:

خریدار: بفرمایید!
فروشنده: قابلی ندارد.
خریدار: ممنون، خواهش می‌کنم!
فروشنده: خدا برکت بدهد!



پیراهن مشکی!



مردم ایران در مراسم عزاداری پیراهن مشکی می‌پوشند. امام حسین علیه السلام امام سوم شیعیان است. ایشان در روز دهم محرم در صحرای کربلا به شهادت رسیدند و مردم ایران، شیعیان و دوستداران ایشان در همه جای جهان به مناسبت این روز در ماه محرم پیراهن مشکی می‌پوشند.

تمرین



۱. کدام یک از نکات فرهنگی بالا برای شما جدید بود؟
۲. آیا این نکات فرهنگی در کشور شما وجود دارد؟ کدام نکته فرهنگی در کشور شما نیست؟
۳. آیا می‌توانید درباره چند نکته فرهنگی جالب در کشور خود صحبت کنید؟

شنیدن



الف) به گفتگوهای زیر گوش دهید و جدول زیر را کامل کنید.

رفتار مردم	غذا	قوانین رانندگی
متفاوت <input type="checkbox"/> مشابه <input type="checkbox"/>	متفاوت <input type="checkbox"/> مشابه <input type="checkbox"/>	متفاوت <input type="checkbox"/> مشابه <input type="checkbox"/>
متفاوت <input type="checkbox"/> مشابه <input type="checkbox"/>	متفاوت <input type="checkbox"/> مشابه <input type="checkbox"/>	متفاوت <input type="checkbox"/> مشابه <input type="checkbox"/>

ب) یک بار دیگر به متن گوش دهید و سپس مشخص کنید کدام جمله صحیح و کدام جمله نادرست است. درست نادرست

ترکیه	ژاپن
۱. علی غذای کشورهای مختلف را نمی‌تواند بخورد.	
۲. علی تا پایان سفر هر روز به رستوران می‌رفت.	
۳. علی می‌خواهد دفعه بعد با اتومبیل شخصی خودش به ترکیه برود.	
۴. علی گواهی‌نامه رانندگی بین‌المللی دارد.	
	۱. هتل خیلی دور بود؛ به همین دلیل آن خانم ژاپنی خیلی سخت فهمید آدرس هتل کجاست؟
	۲. ژاپنی‌ها اعتقاد دارند خوردن ماهی خام برای سلامتی انسان مفید است.
	۳. به دلیل این‌که هزینه تاکسی او زیاد می‌شد، مجبور شد یک ماشین کرایه کند.
	۴. بعد از چند روز تمرین، او به سادگی توانست در خیابان‌های ژاپن رانندگی کند.

ج) جاهای خالی را با واژه‌های مناسب کامل کنید. سپس یک بار دیگر متن شنیداری را بشنوید و پاسخ‌های خود را بررسی کنید.

ژاپن

ترکیه

موقعی که پیاده شدم، راننده گفت: این خانم فکر کرد شما پول ندارید برای همین را هم + آره. آن‌ها می‌گویند اگر ماهی را بپزی یا سرخ کنی + منم اول فکر می‌کردم دارند بام شوخی می‌کنن؛ ولی وقتی دیدم همه دارند ماهی خام می‌خورند، فهمیدم در مجموع بد نبود؛ ولی + ژاپنی‌ها از سمت چپ رانندگی می‌کنند؛ چون ما از سمت راست رانندگی کنیم، اونجا رانندگی کردن خیلی سخت است. من خودم تصادف کنم.	+ مردم ترکیه واقعاً مهمون‌نواز و مهربونند. - حُب پس از این خیلی ما ایرانی‌ها هستند. بعضی وقت‌ها مهربون بودند که آدم نمی‌دونست چطوری ازشون تشکر کنه. وقتی فهمید من غذا با خودم از ایران آوردم، خیلی ناراحت شد و گفت ترکیه غذا که این قدر کنسرو با خودت آوردی. این کنسروها را آوردم. خلاصه جات خالی، من که خوردم. + بین، ایران و ترکیه با هم دارند. چون قوانین رانندگی توی ترکیه و ایران فکر کنم یک ماه برای گرفتن گواهی‌نامه بین‌المللی کنم.
---	---

کار گروهی



۱. آیا تا به حال به یک کشور دیگر سفر کرده‌اید؟
 ۲. از نظر فرهنگی بین فرهنگ شما و فرهنگ آن‌جا چه تفاوت‌هایی وجود داشت؟

رفتار مردم	غذا	نوع لباس	قوانین رانندگی
فرهنگ خرید	ساعت کاری فروشگاه‌ها	حمل و نقل عمومی	سایر:

بزرگ‌ترین تفاوت فرهنگی که در این کشور احساس کردید، چه بود؟ آیا این تفاوت را دوست داشتید یا خیر؟



چند نکته فرهنگی برای مراسم تدفین ایرانی:

- به مراسمی که برای دفن متوفی (کسی که فوت کرده) برگزار می‌شود، در اصطلاح **مراسم ختم** می‌گویند. در ایران به جز مراسم ختم، **مراسم سوم**، **هفتم**، **چهلیم** و **سالگرد** نیز برای مردگان برگزار می‌شود.
- دوستان و خانواده متوفی برای آرامش روح او به قبرستان می‌روند و یک بار سوره حمد و یک یا سه بار سوره توحید را آرام می‌خوانند. به این عمل اصطلاحاً **فاتحه خواندن** می‌گویند. سوره حمد و توحید دو سوره بسیار کوتاه از قرآن کریم هستند.
- به خوراکی‌ها و غذاهایی که در مراسم عزا بین مردم و اقوام «مرده» پخش می‌شود، در اصطلاح **خیرات** می‌گویند. این خوراکی‌ها بیشتر حلو و خرما هستند. مردم بعد از گرفتن خیرات می‌گویند: «خدا رحمتش کند!» خیرات را می‌خورند و برای متوفی فاتحه می‌خوانند.

گفتگو



- سلام آقا رسول. کم پیدایی؟
- سلام حامد. خوبی؟ یک ماه رفته بودم مأموریت فیلیپین.
- فیلیپین؟! خوش گذشت؟
- بیشتر سفر کاری بود؛ ولی خیلی خوش گذشت. نمی‌دانی چقدر کشور قشنگی بود. مردمش هم فرهنگ خیلی جالبی داشتند.
- مگر فرهنگ فیلیپینی‌ها با ما خیلی متفاوت است؟
- خیلی! مثلاً یک فرهنگ خیلی جالبی که دارند این است که برای آدرس دادن یا اشاره کردن از انگشت استفاده نمی‌کنند.
- منظور چیست؟
- توی فرهنگ آن‌ها اشاره با انگشت بی ادبی است. به خاطر همین هیچ وقت با انگشت به چیزی اشاره نمی‌کنند.
- جدی؟ پس وقتی نیاز داری به چیزی اشاره کنی باید چه کار کنی؟
- باید برای اشاره کردن از لب‌ها استفاده کنی.
- چقدر جالب! ولی سخت نیست؟
- اولش سخت است، ولی بعد عادی می‌شود.

- مراسم ختم را در قبرستان/ کلیسا/ مسجد/ معبد می‌گیرند.
- فرهنگ دفن مردگان در هند چگونه است؟
- فرهنگ مردم آلمان در رانندگی چگونه است؟
- فرهنگ احترام به یکدیگر در ژاپن چگونه است؟
- فرهنگ مسلمان‌ها در رمضان چگونه است؟
- فرهنگ احوالپرسی در برزیل چگونه است؟

- برای اشاره کردن از لب‌ها/ انگشت/ دست استفاده می‌کنند.
- مردگان را می‌سوزانند/ دفن می‌کنند/ به رودخانه می‌اندازند.
- بعد از عروسی به خانه داماد می‌روند/ به ماه عسل می‌روند.
- برای خیرات، شیرینی/ خرما/ غذا پخش می‌کنند.

- در این کشور مردم برای سلام دادن یکدیگر را در آغوش می‌گیرند/ یکدیگر را می‌بوسند/ با هم دست می‌دهند.
- مردم برای احترام در هنگام سلام کردن کمی خم می‌شوند/ دست را بر روی سینه می‌گذارند.
- برای رانندگی از سمت راست/ از سمت چپ حرکت می‌کنند.

بحث آزاد



من چند باری با ایشان ملاقات کرده‌ام. به نظرم این خانم برای ازدواج با بنده مناسب هستند. فقط یک مشکل کوچک وجود دارد؛ این خانم همشهری من نیست. مادرم با این ازدواج موافق است؛ اما پدرم می‌گوید: «بین شما دو نفر اختلافات فرهنگی زیادی وجود دارد. شما در دو فرهنگ متفاوت بزرگ شدید و همین موضوع مشکلات زیادی را برای شما به وجود می‌آورد». نظر شما چیست؟ لطفاً من را راهنمایی کنید.



سلام. اسم من فرزاد سعیدی است. ۳۱ سال دارم و فارغ‌التحصیل رشته زبان و ادبیات فارسی هستم. بنده در یک خانواده مذهبی زندگی می‌کنم؛ اما متأسفانه به دلیل مشکلات شخصی هنوز نتوانسته‌ام ازدواج کنم. چند وقت پیش یکی از دوستانم خانمی را برای ازدواج به من و خانواده‌ام معرفی کرد. این خانم ۲۵ سال دارند و در رشته زبان و ادبیات فارسی تحصیل می‌کنند.

از این ازدواج نگران نباشید؛ البته پدرتان درست می‌گویند. اختلافات فرهنگی می‌تواند برای شما مشکل‌ساز شود و حتی خدای نکرده، ممکن است این اختلافات منجر به طلاق شود. برای همین باید بیشتر تحقیق کنید. از این گذشته سعی کنید با خانواده ایشان هم آشنا شوید. اگر احساس کردید مشکلی وجود ندارد با توکل به خدا ازدواج کنید.



محمد

به نظر من به هیچ وجه این کار را نکن. ازدواج با کسی که در یک فرهنگ دیگر بزرگ شده خیلی سخت است. برادر من چند سال پیش با یک خانم از شهر دیگر ازدواج کرد که متأسفانه امسال جدا شدند. همسر برادر من واقعاً زن خوبی بود؛ اما متأسفانه به دلیل اختلافات فرهنگی نتوانست با برادرم زندگی کند و طلاق گرفت.



کریم

به نظر من این دختر خیلی برای ازدواج با شما مناسب است. چون هر دوی شما در دانشگاه در یک رشته تحصیل کرده‌اید. این نشان می‌دهد شما دو نفر تا چه اندازه به یکدیگر شباهت دارید. به نظر من اصلاً نترسید و حتماً ازدواج کنید.



محمد رضا

سلام. به نظرم جلسات بیشتری با این خانم و خانواده‌اش داشته باشید. درباره خیلی از مسائل همین الان صحبت کنید؛ مثلاً در آینده کجا زندگی کنید؟ شفاف و جدی صحبت کنید. خطوط قرمز زندگی‌ات را با ایشان در میان بگذار و سعی کن خطوط قرمز ایشان را هم بررسی و متوجه بشوی. خلاصه اینکه احساسی تصمیم نگیر و خوب فکر کن.



اشکان

اگر می‌توانی خودت به شهر او مسافرت کن و از نزدیک فرهنگشان را ببین. خیلی به حرف‌های دیگران توجه نکن؛ چون کسی نمی‌تواند به تو کمک کند. من با مشورت کردن موافق هستم؛ اما در این باره افراد تجربه زیادی ندارند.



فرید

نظر شما چیست؟



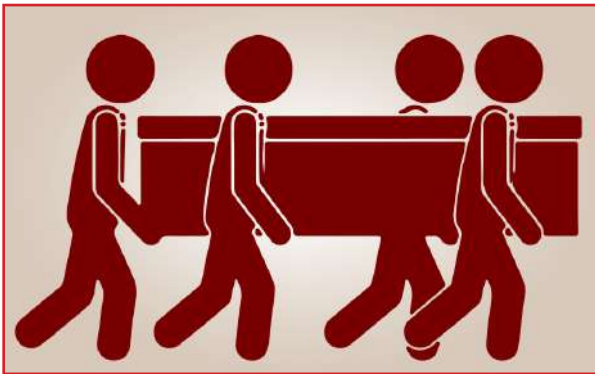
خواندن



پیش خواندن

مراسم «خاک سپاری» در فرهنگ شما چگونه است؟

فرهنگ خاک سپاری



مرگ یک حقیقت است. در تمام جوامع بشری برای خاک سپاری مردگان آداب و رسومی وجود دارد که در بسیاری از موارد با یکدیگر کاملاً متفاوت هستند. گاهی اعتقادات عجیبی هم در برخی فرهنگ‌ها دیده می‌شود. بعضی‌ها اعتقاد دارند که اگر از این رسوم پیروی نکنند، گناهان فردی که از دنیا رفته است، بخشیده نمی‌شود.

آیین هندو، سوزاندن متاهل‌ها، دفن مجردها!

در تمام دنیا جالب‌ترین و متفاوت‌ترین مراسم را در هند می‌بینیم. در فرهنگ هندوستان به مرگ افراد اهمیت زیادی داده می‌شود؛ آن قدر که مراسم آن‌ها برای مردگان، چیزی کامل‌تر از یک مراسم عروسی است. وقتی مرده، چه مرد، چه زن، از دنیا می‌رود، اگر ازدواج کرده باشد، بدن او را کنار رودخانه می‌سوزانند؛ اما اگر این فرد ازدواج نکرده باشد، او را به خاک می‌سپارند. آن‌ها تا سیزده روز پس از مرگ متوفی غذاهای شیرین نمی‌خورند و لباس جدید نمی‌پوشند. عزاداری در آیین هندو تا ۱۳ روز برای همه و تا یک سال برای نزدیکان مرده ادامه دارد. بعد از یک سال افراد دوباره دورهم جمع می‌شوند و غذاهای مورد علاقه فرد از دنیا رفته را می‌پزند. آن‌ها قبل از این مراسم، ابتدا حمام می‌کنند، بعد با پودر زردچوبه و آب آرایش می‌کنند، لباس نو می‌پوشند و بعد آن را با گلاب، خوشبو و معطر می‌کنند.

آفریقای جنوبی، رد کردن مرده از سوراخ دیوار!

بعضی از آفریقایی‌ها مرگ را پایان زندگی نمی‌دانند. وقتی کسی می‌میرد، اطرافیان برای احترام به او مراسم دفن می‌گیرند. وقتی فردی از دنیا می‌رود، بدن او را از سوراخ بزرگی که در دیوار ایجاد کرده‌اند، عبور می‌دهند و بعد، آن سوراخ را پر می‌کنند. آن‌ها اعتقاد دارند، نباید مرده را از در خارج کنند برای این که می‌خواهند او راه برگشت به خانه را پیدا نکند و وقتی که بخواهد از سوراخ برگردد، آن را بسته ببیند و زندگی کردن را فراموش کند! مراسم عزاداری حداقل تا یک هفته بعد از مرگ ادامه دارد. معمولاً یک روز بعد از مرگ، عزاداران لباس مشکی می‌پوشند یا به لباس‌هایشان پارچه مشکی گره می‌زنند. خود را در خانه حبس می‌کنند و موهای سروصورت خود را می‌تراشند.

کره جنوبی، پول و برنج در دهان مرده!

در کره جنوبی فقط هم جنس‌های متوفی حق حضور در مراسم دفن را دارند؛ یعنی اگر انسان مرده، مرد باشد، مرده‌ها به مراسم می‌آیند و اگر زن باشد، زن‌ها این کار را می‌کنند؛ البته خانم‌ها در مراسم ختم از زیورآلات استفاده نمی‌کنند. آن‌ها لباس‌های ساده می‌پوشند و موهایشان را نیز شانه نمی‌کنند. کره‌ای‌ها مرده را نمی‌سوزانند. در طول مراسم یک نفر لباس متوفی را روی پشت بام می‌برد و نام او را سه بار صدا می‌زند. سپس لباس را بالای سر مرده می‌برند و دفن می‌کنند. دلیل این کار این است که آن‌ها فکر می‌کنند روح مرده در دنیای دیگر بدون لباس نماند. پیش از مراسم، مرده را می‌شویند، ناخن‌هایش را کوتاه می‌کنند و موهایش را شانه می‌کنند؛ سپس او را در کیسه‌ای قرار می‌دهند و در تابوت می‌گذارند. آن‌ها دهان مرده را با مقداری پول و سه قاشق برنج پر می‌کنند تا سفر آسان‌تری داشته باشد. بعد از اجرای مراسم، نزدیکان متوفی چند بار به او تعظیم می‌کنند و تا سه روز برای او غذا می‌برند.

تمرین 

الف) با توجه به متن سه مورد فرهنگی در هر کشور را در زیر بنویسید.

هندوستان	آفریقای جنوبی	کره جنوبی
۱	۱	۱
۲	۲	۲
۳	۳	۳

ب) آیا شباهتی میان آداب و رسوم این کشورها و کشور شما وجود دارد؟ در این باره در کلاس صحبت کنید.

بیاموزیم



افعل ناگذر (لازم) و فعل گذرا (متعدی)

فعل گذرا (متعدی)

فعلی که به جز نهاد، به جزء دیگری نیاز دارد تا معنایش کامل شود.

مثال

فعل گذرا (متعدی)	جزء دیگر (مفعول)	نهاد
می‌شوید.	بچه‌اش را	مادر
خواندیم.	کتاب‌ها را	ما

در این جمله‌ها هر کدام از فعل‌ها نیاز به جزء دیگری دارند که به این جزء «مفعول» می‌گویند.

فعل ناگذر (لازم)

فعلی که همراه با نهاد، معنایی کامل را می‌رساند و به جزء دیگری احتیاج ندارد.

مثال

فعل ناگذر (لازم)	نهاد
رفتم	من
می‌آید	علی

گاهی به سادگی می‌توان با استفاده از ساخت زیر بعضی از فعل‌های «ناگذر» را به «گذرا» تبدیل کرد.



گذرا: بن مضارع + اند / انید

گذرا: بن مضارع + ان



ماضی

مضارع

بعضی فعل‌های ناگذر

ساخت ۱: برای فعل‌های ماضی: خندیدن (ناگذر) ← خند + اند / انید = خندانند / خندانید (گذرا)
 مسعود خندید. ← علی، مسعود را خندانند / خندانید.

ساخت ۲: برای فعل‌های مضارع: خندیدن (ناگذر) ← خند + ان + شناسه = می‌خندانم (گذرا)
 علی خندید. ← من، علی را می‌خندانم.

تمرین 

الف

کدام یک از جمله‌های زیر گذرا و کدام یک ناگذرا هستند؟

گذرا	ناگذر	
		۱. آن‌ها در روز عید فطر غذاهای بسیار خوشمزه‌ای می‌خورند.
		۲. هندوها مرده‌های خود را می‌سوزانند.
		۳. مردم کره جنوبی در دهان مرده برنج می‌ریزند.
		۴. ایرانی‌ها در عید نوروز به دیدن بزرگ‌ترها می‌روند.
		۵. پس از مراسم آن‌ها یک داروی تلخ را به بچه‌ها می‌خورانند.

ب

با توجه به دو ساخت (۱) و (۲) که خواندید، جدول زیر را با فعل گذرا (متعدی) و ناگذرا (لازم) کامل کنید.

مصدر	بن مضارع	جمله با فعل ناگذرا (لازم)	جمله با فعل گذرا (متعدی)
خندیدن	خند	حامد خندید.	ماضی: من حامد را خنداندم. مضارع: من حامد را می‌خندانم.
۱. رسیدن			
۲. دویدن			
۳. خوابیدن			
۴. خوردن			
۵. نوشیدن			
۶. نشستن			
۷. پوشیدن			

درس را مطالعه کنید و خلاصه‌ای از آن بنویسید.

۱۶

درس شانزدهم

اخبار

■ اهداف درس

انتظار می‌رود زبان‌آموز با خواندن این درس:

۱. انواع خبر را بشناسد.
۲. با اصطلاحات مربوط به اخبار آشنا شود.
۳. نام برخی از سایت‌های خبری معروف را بداند.
۴. بتواند اخبار جدید را در اختیار دیگران قرار دهد.
۵. تفاوت فعل معلوم و مجهول را بداند.
۶. به خوبی از جمله‌های مجهول استفاده کند.

■ واژه‌ها و

اصطلاح‌های جدید

سرمقاله، مقاله،
تیتر (عنوان)،
سرگرمی، پسته،
دنبال کردن اخبار،
گونه خبری، پرفروش،
میزبان، شکستن رکورد،
از مرز گذشتن، رقابت،
نظر کسی را جلب کردن،
مفصل، منتشر شدن،
پر مخاطب، بیزار بودن،
کشتار، پرترفدار،
اشتراک، کاربر،
راه اندازی، به روز،
به خود اختصاص دادن.

واژه



آیا شما روزنامه می‌خوانید؟ مطلب موردعلاقه شما در کدام صفحه روزنامه است؟

<input type="checkbox"/> ۱. سرمقاله	<input type="checkbox"/> ۲. صفحه سیاسی	<input type="checkbox"/> ۳. صفحه اقتصادی	<input type="checkbox"/> ۴. صفحه فرهنگی هنری
<input type="checkbox"/> ۵. صفحه اجتماعی	<input type="checkbox"/> ۶. صفحه حوادث	<input type="checkbox"/> ۷. صفحه علمی	<input type="checkbox"/> ۸. صفحه ورزشی
<input type="checkbox"/> ۹. صفحه آب‌وهوا	<input type="checkbox"/> ۱۰. جدول و سرگرمی		

در زمان روزنامه خواندن

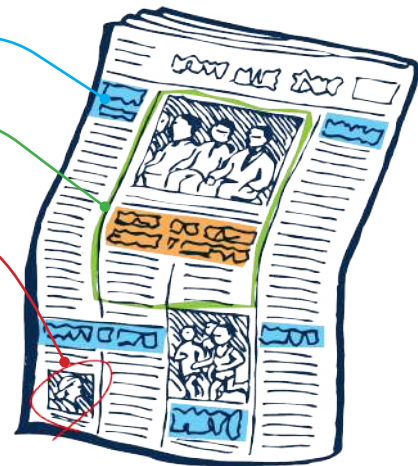
فقط تیترهای اصلی را می‌خوانم.

فقط سرمقاله را می‌خوانم.

مقالات موردعلاقه‌ام را می‌خوانم.

تیتر: جمله یا عبارتی که در بالای مقالات نوشته می‌شود و مهم‌ترین بخش خبر را بیان می‌کند.

تیتر اصلی روزنامه: به چکیده/خلاصه مهم‌ترین بخش خبر روزنامه که با خط درشت روی صفحه اول روزنامه نوشته می‌شود، تیتر اصلی می‌گویند.



تمرین

با توجه به شغل و علایق افراد زیر هر یک به کدام یک از بخش‌های روزنامه بیشتر علاقه دارند؟ با دوستان خود گفتگو کنید.

امیر - ۴۳ ساله - راننده کامیون

من یک کامیون بزرگ دارم که با آن به کشورهای مختلف سفر می‌کنم. من از مزارع پسته در کرمان پسته می‌خرم، آن‌ها را با کامیون به کشورهای اروپایی می‌برم و در آن‌جا به شرکت‌های تولید مواد غذایی می‌فروشم. من عاشق فوتبال هستم؛ البته چون همیشه در حال رانندگی هستم، نمی‌توانم فوتبال بازی کنم؛ به همین دلیل گزارش مسابقه‌های فوتبال را همیشه از رادیوی ماشین گوش می‌کنم.



طاهره - ۴۹ ساله - استاد دانشگاه

من عاشق اخبار پزشکی هستم. اگر اوقات فراغتی داشته باشم، خبر پزشکی می‌خوانم. همیشه دوست دارم بدانم در پزشکی چه چیزهای جدیدی کشف شده. خیلی‌ها فکر می‌کنند رشته تحصیلی من پزشکی است؛ اما جالب است بدانید من در دانشگاه علوم سیاسی درس می‌دهم. من به رشته خودم خیلی علاقه دارم؛ اما دوست ندارم در اوقات فراغت به سیاست و موضوعات اجتماعی فکر کنم؛ برای همین در اوقات فراغت اخبار پزشکی را دنبال می‌کنم.



سعید - ۱۷ ساله - دانش‌آموز

من عاشق سینما هستم؛ برای همین می‌خواهم در آینده کارگردان شوم. من تقریباً تمام فیلم‌هایی را که هر سال در ایران ساخته می‌شود، می‌بینم. مخصوصاً فیلم‌های هیجانی و اکشن. من عاشق قصه‌های پرهیجان هستم؛ مثلاً قصه‌هایی که درباره آدم‌هایی است که پلیس آن‌ها را دستگیر می‌کند. دزدها، قاتل‌ها. خیلی‌ها از این داستان‌ها خوششان نمی‌آید؛ اما من این‌طور نیستم.



مهدی - ۳۵ ساله - ورزشکار

ورزش موردعلاقه من کاراته است. من عضو تیم ملی کاراته ایران هستم و تا به امروز مدال‌های زیادی را به دست آورده‌ام. امسال قهرمان آسیا شدم؛ اما احساس می‌کنم دیگر نمی‌توانم مثل گذشته‌ها ورزش کنم. احساس می‌کنم دارم پیر می‌شوم. برای همین تصمیم گرفته‌ام دیگر به مسابقات نروم. به جای آن می‌خواهم یک باشگاه ورزشی تأسیس کنم و به بچه‌ها کاراته آموزش دهم.



شنیدن



(الف) به گفتگوی رادیویی زیر گوش دهید. در این برنامه چهار خبر بررسی می‌شوند. گونه خبری هر خبر را مشخص نمایید.

سیاسی فرهنگی - هنری اجتماعی ورزشی اقتصادی حوادث علمی محیط زیست



(ب) با توجه به برنامه رادیویی، گزینه مناسب را برای هر سؤال انتخاب نمایید.

فيلم «محمد رسول الله»	فيلم «محمد رسول الله»	تيم ملي كشتي ايران	تيم ملي كشتي ايران
الف) پرفروش‌ترین فیلم در جشنواره اسکار شده است.	الف) پرفروش‌ترین فیلم در جشنواره اسکار شده است.	الف) برای سومین بار قهرمان جهان شده است.	الف) برای سومین بار قهرمان جهان شده است.
ب) بینندگان غیر ایرانی زیادی برای دیدن این فیلم به سینما رفته‌اند.	ب) بینندگان غیر ایرانی زیادی برای دیدن این فیلم به سینما رفته‌اند.	ب) در بازی فینال مسابقات، کشور میزبان را شکست داد.	ب) در بازی فینال مسابقات، کشور میزبان را شکست داد.
ج) قدری کمتر از ۱۴ میلیارد برای این فیلم بلیت فروخته شده.	ج) قدری کمتر از ۱۴ میلیارد برای این فیلم بلیت فروخته شده.	ج) نتوانسته بود در دوره قبل این مسابقات قهرمان شود.	ج) نتوانسته بود در دوره قبل این مسابقات قهرمان شود.
گرم شدن هوا	گرم شدن هوا	سرعت اینترنت	سرعت اینترنت
الف) انسان نمی‌تواند این مشکل طبیعی را حل کند.	الف) انسان نمی‌تواند این مشکل طبیعی را حل کند.	الف) سه کشور برتر در زمینه سرعت اینترنت آسیایی هستند.	الف) سه کشور برتر در زمینه سرعت اینترنت آسیایی هستند.
ب) برای حل این مشکل یک راه‌حل مناسب پیدا شده است.	ب) برای حل این مشکل یک راه‌حل مناسب پیدا شده است.	ب) ده کشور برتر در زمینه سرعت اینترنت آسیایی هستند.	ب) ده کشور برتر در زمینه سرعت اینترنت آسیایی هستند.
ج) اگر زمین گرم‌تر شود، حیوانات زیادی کشته می‌شوند.	ج) اگر زمین گرم‌تر شود، حیوانات زیادی کشته می‌شوند.	ج) ژاپن پرسرعت‌ترین اینترنت را در دنیا دارد.	ج) ژاپن پرسرعت‌ترین اینترنت را در دنیا دارد.

(ج) جاهای خالی را با واژه‌های مناسب کامل کنید. سپس یک بار دیگر متن شنیداری را بشنوید و پاسخ‌های خود را بررسی کنید.

آقای محمدی اگر با روزنامه جام جم شروع کنیم. مثل این‌که دیروز ۱۴ میلیارد تومان این‌طور که من شنیدم «محمد رسول‌الله» در خارج از ایران هم فروش داشته. به نظر می‌رسد این فیلم توانسته هم بینندگان داخلی را هم نظر بینندگان بین‌المللی را.	آقای محمدی اگر با روزنامه جام جم شروع کنیم. مثل این‌که دیروز ۱۴ میلیارد تومان این‌طور که من شنیدم «محمد رسول‌الله» در خارج از ایران هم فروش داشته. به نظر می‌رسد این فیلم توانسته هم بینندگان داخلی را هم نظر بینندگان بین‌المللی را.
تیم ملی کشورمان در بازی فینال توانست آمریکا با نتیجه ۵ بر ۳؛ و یک بار دیگر قهرمانی جهان این بچه‌ها همیشه ما را خوشحال می‌کنند.	تیم ملی کشورمان در بازی فینال توانست آمریکا با نتیجه ۵ بر ۳؛ و یک بار دیگر قهرمانی جهان این بچه‌ها همیشه ما را خوشحال می‌کنند.
در این روزنامه توی یک مقاله سرعت اینترنت توی کشورهای مختلف جهان را این روزنامه توی این گزارش ده کشور برتر سرعت اینترنت مقاله سرعت اینترنت توی کشورهای مختلف جهان را این روزنامه توی این گزارش ده کشور برتر سرعت اینترنت	در این روزنامه توی یک مقاله سرعت اینترنت توی کشورهای مختلف جهان را این روزنامه توی این گزارش ده کشور برتر سرعت اینترنت مقاله سرعت اینترنت توی کشورهای مختلف جهان را این روزنامه توی این گزارش ده کشور برتر سرعت اینترنت

کارگروهی



- (?)
۱. آیا خبرگزاری‌های ایرانی را می‌شناسید؟
 ۲. مهم‌ترین خبرگزاری‌های کشور شما کدامند؟
 ۳. به کدام یک از منابع خبری زیر اعتماد ندارید؟ چرا؟



اخبار ایرانی

- تا سال ۲۰۱۵، حدود ۷۳ هزار پایگاه خبری اینترنتی در ایران فعالیت داشته‌اند.
- درآمد این پایگاه‌ها، از راه گرفتن تبلیغات از شرکت‌های خصوصی است.
- روزنامه‌ها در ایران در روزهای تعطیل، منتشر نمی‌شوند؛ اما پایگاه اینترنتی در هر لحظه از شبانه‌روز، خبرهایشان را به روز می‌کنند.
- معمولاً بعضی سایت‌ها، متن خبری‌شان شبیه به هم است؛ چون خبر را از یک سایت یا روزنامه دیگر می‌گیرند.
- خبرگزاری فارس، روزنامه جام جم و شبکه خبر از پرمخاطب‌ترین رسانه‌های خبری در ایران هستند.



گفتگو

- دیروز یک مطلب خیلی جالب توی روزنامه خواندم.
- درباره چه موضوعی؟
- درباره خطرات پشت میز نشستن.
- مگر پشت میز نشستن خطر دارد؟
- بله! توی خبر نوشته بود که نشستن پشت میز برای مدت طولانی باعث چاقی می‌شود. تازه به گردن و ستون فقرات هم آسیب می‌زند.
- حُب برای جلوگیری از این آسیب‌ها باید چه کار کرد؟
- بهترین کار این است که هر پانزده دقیقه کمی قدم بزنیم و حرکات ورزشی انجام بدهیم.
- چقدر خوب! تو همیشه اخبار پزشکی می‌خوانی؟
- بله. مگر تو نمی‌خوانی؟
- نه. من فقط اخبار اقتصادی را می‌خوانم.
- خیلی به اخبار پزشکی علاقه ندارم.

- خبرهای ورزشی/سیاسی/اقتصادی/حوادث را می‌خوانید؟
- چقدر اخبار روز را دنبال می‌کنید؟
- چقدر از سایت‌های خبری استفاده می‌کنید؟
- به خواندن/دنبال کردن اخبار ورزشی/سیاسی/اقتصادی/حوادث علاقه دارید؟

- من از خواندن خبرهای ورزشی/سیاسی/اقتصادی/حوادث بیزارم.
- من خبرهایی که درباره ورزش/سیاست/اقتصاد/حوادث سلامت است را زیاد می‌خوانم.
- به خواندن خبرهای ورزشی/سیاسی/اقتصادی/حوادث علاقه چندانی ندارم.

- من خواندن خبرهای ورزشی/سیاسی/اقتصادی/حوادث را خیلی دوست دارم.
- من به خواندن خبرهای ورزشی/سیاسی/اقتصادی/حوادث خیلی علاقه دارم.
- هیچ علاقه‌ای به دنبال کردن خبرهای ورزشی/سیاسی/اقتصادی/حوادث ندارم.

بحث آزاد



سلام. من مریم قلی پور هستم، معلم ریاضی. چند ماه پیش به دلیل فشارهای زیاد کاری به شدت بیمار شدم و مجبور شدم چند هفته ای را در خانه استراحت کنم. در طول این چند هفته فقط جلوی تلویزیون دراز می کشیدم و اخبار تلویزیون را تماشا می کردم. بعد از این چند هفته وضع بیماری من بدتر شد. دکترها به من گفتند که مشکل من فشارهای کاری مدرسه نیست؛ بلکه دیدن اخبار باعث می شود تا دچار استرس و نگرانی شوم. آن ها از من خواستند تا دیگر اخبار را دنبال نکنم. تماشای اخبار تنها کاری است که من در اوقات فراغت انجام می دهم. به نظر شما می شود بدون اخبار زندگی کرد؟



سپیده

۱. تماشای اخبار بسیار مهم است و نمی توان بدون تماشای خبر زندگی کرد. به نظر من لازم نیست همه اخبار شبکه های مختلف را جزء به جزء نگاه کنید؛ بلکه می شود انتخابی عمل کنید؛ مثلاً فقط تیتر اصلی خبرها را بخوانید و یا این که به خلاصه اخبار گوش دهید. روزی ده دقیقه گوش کردن به اخبار کافی است. با این کار هم به اخبار گوش داده اید و هم به حرف دکترا تن.

۱. اوقات فراغت زمانی است برای استراحت و لذت بردن از زندگی. به نظر من تماشای اخبار، روش خوبی برای پر کردن اوقات فراغت نیست. این روزها اخبار پر است از اتفاقات بد. سیل، زلزله، کشتار. به نظر من این فرصت خوبی برای شما است تا اوقات فراغتان را به شیوه دیگری پر کنید. اخبار را فراموش کنید و بیشتر کتاب بخوانید و برنامه های شاد تلویزیونی را تماشا کنید.



فریبا

۲. اما بهتر است از اخبار اطلاع داشته باشیم. اگر هدف ما این است که در همه دنیا صلح و آرامش به وجود آوریم، باید بدانیم در این دنیا چه خبر است.

۲. من نمی فهمم اطلاع از اخبار چه فایده ای دارد؛ چون این روزها جز خبرهای ناراحت کننده، چیز دیگری نمی شنویم. این که بدانم مثلاً چند نفر در دنیا به دست تروریست ها کشته شده اند به من چه ارتباطی دارد؟ من که نمی توانم به آن ها کمک کنم. پس این که بدانم در دنیا انسانی کشته شده یا نه، چه کمکی به من می کند؟



فوزان

۳. خوب فاطمه جان، دنیا خیلی بزرگ است و ما نمی توانیم صبح تا شب فقط به اخبار گوش کنیم و بفهمیم در همه جای دنیا چه خبر است؟ از این گذشته، بسیاری از شبکه ها و سایت های خبری برای این که مخاطبان خود را افزایش دهند، دروغ می گویند و ما مجبوریم بعد از شنیدن خبر باز تحقیق کنیم تا متوجه شویم خبر درست است یا نه؟ با این کار از صبح تا شب فقط باید خبر خواند و شبکه های خبری مختلف را دید. من که هیچ وقت به اخبار گوش نمی دهم.

۳. من با شما کاملاً مخالفم. همه ما بخشی از یک جامعه هستیم و باید بدانیم مردم به چه چیزهایی نیاز دارند؟ شاید بتوانیم به آن ها کمک کنیم؛ مثلاً سال ها پیش، وقتی در بوسنی جنگ شد، مردم ایران برای آوارگان این کشور مقدار زیادی غذا، لباس و دارو فرستادند؛ اگر آن ها نمی دانستند در بوسنی جنگ شده و مردم به کمک نیاز دارند، چطور می توانستند به آن ها کمک کنند؟



فاطمه



ملیحه



زیبا

۴. شما با نظر کدام یک از افراد بالا بیشتر موافقید؟ چرا؟

۵. با کدام نظر کاملاً مخالفید؟ چرا؟

۶. نظر شما چیست؟ آیا دنبال کردن اخبار جهان مهم است؟ چرا؟



خواندن



پیش خواندن

۱. شما در طول روز از چه سایت‌هایی بیشتر استفاده می‌کنید؟
۲. آیا تا به حال تحقیق کرده‌اید که پرطرفدارترین سایت‌های کشور شما کدام هستند؟
۳. اگر شما بخواهید به سایت‌های پرطرفدار کشور خودتان امتیاز بدهید، چه امتیازی می‌دهید؟ چرا؟

پرطرفدارترین وبسایت‌ها در ایران و در دنیا



سایت می‌ماند. همین موضوع باعث شده این سایت سیصدوپنجمین سایت پربیننده دنیا باشد. این رتبه برای یک سایت ورزشی که بیشتر کاربران آن ایرانی هستند، رتبه بسیار عجیبی است. به خصوص سایتی که حدود ۹۰٪ از کاربران آن آقایان می‌باشند.

علت محبوبیت این سایت در ایران بسیار ساده است. درست است که این پایگاه اخبار و اطلاعات به روز و مفیدی را در اختیار کاربران قرار می‌دهد؛ اما مهم‌ترین دلیل محبوبیت این سایت، محبوبیت ورزش فوتبال در ایران است. فوتبال ورزشی است که تقریباً همه مردم ایران آن را دوست دارند و بازی می‌کنند؛ به همین دلیل در میان تمام سایت‌های خبری، آموزشی و سرگرمی، چندان عجیب نیست که یک سایت ورزشی لقب پربیننده‌ترین سایت ایران را به خود اختصاص دهد؛ البته رتبه سایت‌ها همیشه دچار تغییر می‌شود.

آدرس سایت:

www.varzesh3.com

در دنیای امروز و در عصر ارتباطات، «وبسایت‌ها» وسیله مناسبی برای اشتراک فایل‌ها و ارتباط با سایر کاربران است. در ایران وبسایت‌ها مهم‌ترین رسانه بعد از تلویزیون هستند که در سال‌های اخیر برای بسیاری از مردم جهان به رسانه اول تبدیل شده‌اند؛ برای مثال بسیاری از مردم ایران دیگر روزنامه نمی‌خرند و از طریق وبسایت‌ها، خبرها را مطالعه می‌کنند. بسیاری از خریدها از طریق وبسایت‌ها انجام می‌شود. مردم کتاب‌های موردعلاقه را از طریق وبسایت‌ها تهیه و مطالعه می‌کنند. تعداد سایت‌های اینترنتی در سراسر ایران با سرعت در حال افزایش هستند. افراد و شرکت‌های تجاری سعی می‌کنند با راه‌اندازی پایگاه‌های اینترنتی، مخاطبان بیشتری جذب کنند؛ اما به نظر شما، پرطرفدارترین سایت‌ها در ایران، چه سایت‌هایی هستند؟

احتمالاً رتبه اول را می‌توان حدس زد. درست است، «سایت گوگل». کمتر کسی را می‌توان پیدا کرد که نام این شرکت بزرگ را نشنیده باشد. بیشترین بازدید این سایت به سبب موتور جستجوی قدرتمند آن است. «سایت یاهو» نیز در رتبه دوم قرار دارد. بازدیدهای آن در ایران، به سبب سرویس ایمیل این سایت است. در رتبه سوم «سایت بلاگفا» است. این سایت در زمینه ارائه وبلاگ به کاربران فعالیت می‌کند و ساختاری ساده دارد؛ و این بازدید بالا به سبب

کاربرانی است که در این سایت وبلاگ نویسی می‌کنند؛ اما رتبه چهارم متعلق به سایت خبری بسیار ساده به نام «ورزش سه» است.

سایت «ورزش سه» در واقع یک پایگاه خبر ورزشی برای فارسی‌زبانان است که اخبار ورزشی، نتایج بازی‌ها و جدول لیگ‌های ورزشی را در دسترس کاربران قرار می‌دهد. بیشتر کاربران «ورزش سه» ثابت بوده و به طور مرتب از این سایت بازدید می‌کنند؛ علاوه بر این هر کاربر به طور متوسط حدود ۱۱ دقیقه در

تمرین



چهار سایت پربیننده در ایران چیست؟ دلیل بازدید بالای این سایت‌ها را با توجه به متن بنویسید.



رتبه	نام سایت	علت محبوبیت
اول		
دوم		
سوم		
چهارم		

تمرین

الف

با توجه به متن خواندن چند ویژگی مهم سایت «ورزش سه» را بیان کنید.

ب

درباره معنای واژه‌های رنگی متن خواندن در کلاس بحث کنید.

بیاموزیم



فعل مجهول

فعل مجهول فعلی است که نهاد آن مشخص نیست و آن را به مفعول نسبت می‌دهیم.

مثال: ۱. علی نامه را فرستاد. ۲. نامه فرستاده شد.

در مثال بالا، در جمله ۲ شخصی که نامه را فرستاده است، مشخص نیست.

موارد کاربرد فعل مجهول

۱- وقتی که

فاعل معلوم نباشد.

مثال:

پدر او در جنگ کشته شد.

۲- وقتی که

فاعل اهمیتی ندارد.

مثال:

خیابان کنده شده است.

۳- گوینده از روی قصد

نام فاعل را نمی‌آورد.

مثال:

متأسفانه غذای شما خورده شده است.

روش ساختن جمله مجهول از جمله معلوم

مثال (جمله معلوم): مادر بچه‌ها را به خانه آورد.

بچه‌ها را به خانه آورد.	۱. نهاد را حذف می‌کنیم.
بچه‌ها به خانه آورد.	۲. مفعول جمله را نهاد قرار می‌دهیم و نشانه مفعولی را حذف می‌کنیم.
بچه‌ها به خانه آورده شد.	۳. فعل جمله را به صفت مفعولی تبدیل کرده و از مصدر «شدن» فعلی در همان «زمان» می‌آوریم.
بچه‌ها به خانه آورده شدند.	۴. شناسه را با نهاد جدید مطابقت می‌دهیم.

مثال: مجهول فعل «آوردن» در زمان‌های مختلف



زمان	فعل مجهول	فعل معلوم
گذشته نقلی	آورده شده است	آورده است
حال اخباری	آورده می‌شود	می‌آورد
حال التزامی	آورده بشود	بیاورد
آینده	آورده خواهد شد	خواهد آمد

زمان	فعل مجهول	فعل معلوم
گذشته ساده	آورده شد	آورد
گذشته بعید	آورده شده بود	آورده بود
گذشته التزامی	آورده شده باشد	آورده باشد
گذشته استمراری	آورده می‌شد	می‌آورد

تمرین 

الف) جمله‌های معلوم را به مجهول تبدیل کنید.

مثال: حمید خانه‌اش را فروخت.	خانه فروخته شد.
۱ آن‌ها غذایشان را خوردند.
۲ پدرم از رستوران غذا خرید.
۳ دانشجویان کتاب‌ها را خواندند.
۴ پسرم شیشه را شکست.
۵ مادرم از بازار چادر زیبایی می‌خرد.

ب) جدول زیر را کامل کنید.

فعل معلوم	زمان	فعل مجهول	جمله با فعل مجهول
مثال: دید	گذشته ساده	دیده شد.	دوستش دیده شد.
دیده بود	گذشته بعید		
دیده باشد	گذشته التزامی		
می‌دید	گذشته استمراری		
دیده است	گذشته نقلی		
می‌بینم	مضارع اخباری		
ببین	مضارع التزامی		
خواهد دید	آینده		

درس را مطالعه کنید و خلاصه‌ای از آن بنویسید.

خلاصه نویسی

۱۷

درس هفدهم

فن آوری و اختراعات

■ اهداف درس

انتظار می‌رود زبان آموز با خواندن این درس:

۱. با برخی از اختراعات مهم آشنا شود.
۲. بتواند درباره‌ی علت اهمیت برخی از اختراعات صحبت کند.
۳. مزایا و معایب اختراعات درس را بداند.
۴. چند اختراع جالب و عجیب را بشناسد.
۵. بتواند متمم را در جمله‌ها تشخیص دهد.

■ واژه‌ها و

اصطلاح‌های جدید

واکسن، اولویت،
بنده، مناسبت،
محاسبه، جان،
تحمل، فاسد شدن،
ابداع، بهبود بخشیدن،
بی‌محتوا، سرگرم‌کننده،
رو در رو، سلاح گرم،
امنیت، مزیت، فواید،
واکنش شیمیایی،
سازگار، افزودن،
تمام و کمال،
با این حساب،
مضطرب، ضربان،
تکان خوردن،
شارژ کردن (شدن)
هزینه، خودرو،
قابل حمل، اعلام کردن،
کابل، زیرلیوانی.

واژه

فن آوری و اختراعات



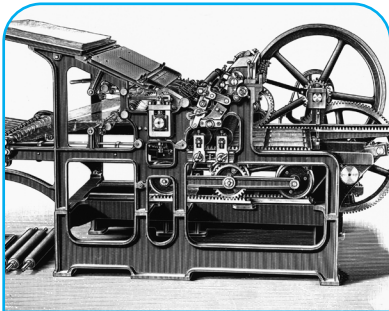
اگرچه هواپیما اختراع بزرگی بود؛ اما زمانی که موتورهای جت طراحی شدند، سفرهای هوایی بسیار سریعتر و ارزانتر شد.



پیش از کشف واکسن هر سال میلیون‌ها نفر در سرتاسر دنیا در اثر بیماری‌هایی مثل آبله می‌مردند؛ اما امروزه می‌توان با یک واکسن ساده مردم زیادی را از ابتلا به بیماری‌های خطرناک نجات داد.



اختراع کامیون‌هایی که با سوخت‌های فسیلی کار می‌کردند، در اوایل قرن بیستم باعث شد تا هر سال میلیون‌ها تون کالا در دنیا جابه‌جا شود.



اختراع صنعت چاپ باعث شد در زمانی کوتاه، تعداد زیادی کتاب با قیمت مناسب‌تر تهیه شود.



حدود دوپست سال پیش مسافرت میان دو شهری که فقط ۵۰ کیلومتر فاصله داشتند حدود یک روز طول می‌کشید؛ اما امروزه می‌توان این مسافت را با کمک خودرو در کمتر از نیم ساعت طی کرد.



در اوایل قرن بیستم مهندسان متوجه شدند که می‌توانند با استفاده از امواج رادیویی تصویر را هم انتقال دهند. از آن به بعد تلویزیون به یکی از مهم‌ترین وسایل مورد استفاده در خانه‌ها تبدیل شد.

تمرین

به نظر شما از میان اختراعات بالا کدام یک از اهمیت بیشتری برخوردار است؟ جدول زیر را به ترتیب اولویت خود شماره بزنید و دلیل پاسخ خود را بیان نمایید.

موتور جت

واکسن

کامیون

صنعت چاپ

ماشین

تلویزیون

آیا می‌توانید اختراع دیگری را نام ببرید که از نظر شما از اختراعات بالا مهم‌تر باشد؟

شنیدن



(الف) از نظر گوینده متن چهار اختراع و اکتشاف مهم قرن بیستم چیست؟ جدول زیر را کامل کنید.

.....

(ب) یک بار دیگر به متن گوش دهید. از نظر تاریخی ترتیب این چهار اختراع و اکتشاف مهم چه بوده است؟



				نام اختراع یا کشف
				سال اختراع یا کشف

(ج) یک بار دیگر به متن گوش دهید و درباره پاسخ سوالات زیر با یکدیگر گفتگو نمایید.

۱. زمان پخش این برنامه چه روزی است؟

.....

۲. اولین کامپیوتر چگونه بوده است؟

.....

۳. تفاوت تلفن ثابت و تلفن همراه چیست؟

.....

۴. آیا برادران رایت اولین انسان‌هایی بودند که توانستند پرواز کنند؟ چرا؟

.....

۵. چرا کشف آنتی‌بیوتیک برای انسان مهم است؟

.....

(د) جاهای خالی را با واژه‌های مناسب پر کنید. سپس یک بار دیگر متن شنیداری را بشنوید و پاسخ‌های خود را بررسی کنید.

..... را تغییر داد.	• امروز ۱۰ اسفند، روز جهانی اختراعات است.
• من بگویم تلفن همراه دومین اختراع خواستم امروز درباره اختراعات مهم
.....	قرن بیستم با هم صحبت کنیم.
• الان برای استفاده از اینترنت حتماً	• البته انتخابشان از بین اختراع مهم
از لپ‌تاپ و کامپیوتر استفاده کنیم.
• می‌شود گفت برادران رایت اولین	• می‌توانیم بگویم اولین کامپیوتر
انسان‌هایی بودند که پرواز کردند. توسط پرفسور «ایکن» طراحی شده.
• به نظر بنده باید را به آنتی‌بیوتیک‌ها	• فقط می‌دانم برای از لامپ استفاده می‌کرده.
.....	این لامپ‌ها هم خیلی و هم گرمای
• در آن زمان همیشه مرگ	زیادی
و متأسفانه مردم با کوچک‌ترین بیماری جان خودشان را	• البته کامپیوتر اختراع اینترنت هم
.....	خیلی مهم بوده، چون واقعاً اینترنت

کار گروهی



(؟) ۱. آیا می‌توانید اختراعاتی را نام ببرید که برای انسان ضرر داشته است؟

۲. چگونه می‌توان جلوی ضررهای این اختراع را گرفت؟



مزیت‌های فن‌آوری

۱. اگر هواپیما اختراع نشده بود، سفرها طولانی و خسته‌کننده می‌شد.
۲. اگر کامپیوتر طراحی نشده بود، انجام کارها و محاسبات ریاضی خیلی دشوار و سخت می‌شد.
۳. اگر اینترنت اختراع نشده بود، به سختی از اخبار همه دنیا باخبر می‌شدیم.
۴. اگر اشعه ایکس (X) کشف نشده بود، تشخیص شکستگی‌های استخوان برای پزشکان خیلی سخت می‌شد.
۵. اگر تلویزیون اختراع نشده بود، نمی‌توانستیم در اوقات فراغت برنامه‌های موردعلاقه‌مان را ببینیم.



گفتگو



- تا حالا فکر کرده‌ای اگر ماشین لباسشویی اختراع نشده بود چه اتفاقی می‌افتاد؟
- نه! حتی فکر کردن به آن هم من را می‌ترساند. من سه تا پسر دارم که هرروز کلی لباس، کثیف می‌کنند.
- می‌دانی اگر ماشین لباسشویی اختراع نشده بود، هر روز چند ساعت باید لباس می‌شستی؟
- احتمالاً تمام طول روز را. تازه کلی آب هم اسراف می‌شد. می‌دانی، ماشین لباسشویی ۸۰ درصد مصرف آب را کاهش می‌دهد.
- از این گذشته، اگر ماشین لباسشویی اختراع نشده بود، به بچه‌هایت اجازه نمی‌دادی این قدر با خیال راحت بازی کنند و لباس‌هایشان را کثیف کنند.
- راست می‌گویی. اگر هم کثیف می‌شد، چون دیربه‌دیر لباس‌ها شسته می‌شدند، احتمال داشت بچه‌ها بیشتر مریض شوند.
- واقعاً دست آن‌کسی که ماشین لباسشویی را اختراع کرده درد نکند!



- قبل از اختراع اینترنت دوستانی که از هم دور بودند، خیلی دیر همدیگر را می‌دیدند.
- قبل از اختراع تلفن، ارتباطات مردم خیلی کم بود.
- قبل از اختراع رادیو و ضبط صوت افراد برای یادگرفتن مطالب باید کتاب‌ها، روزنامه‌ها و... را تهیه می‌کردند و اطلاعات به راحتی در دسترس نبود.
- قبل از طراحی دانشگاه‌های مجازی دانشجویان برای تحصیل علم باید به سفر می‌رفتند.

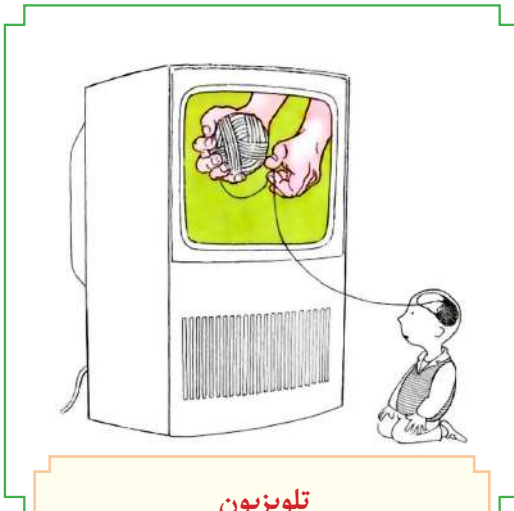
- قبل از ابداع خرید اینترنتی، مردم برای خرید کالاهایی را که در محل زندگی‌شان پیدا نمی‌شد، باید به سفر می‌رفتند.
- قبل از اختراع ایمیل پستی‌ها خیلی فعال بودند.
- قبل از اختراع تلویزیون افراد بیشتر ورزش و تفریح می‌کردند.
- قبل از به وجود آمدن شبکه‌های اجتماعی مردم بیشتر با هم حرف می‌زدند.

- یخچال به مردم کمک می‌کند تا مواد غذایی را بدون فاسد شدن برای مدت طولانی نگهداری کنند.
- ماکروویو به مردم کمک می‌کند تا در زمانی کوتاه غذای خود را گرم کنند.
- تلفن همراه این امکان را می‌دهد که در هر لحظه و در هر مکان، دیگران با شما در ارتباط باشند.
- صنعت چاپ، تحصیل در دانشگاه‌ها را بسیار ساده کرد.
- کشف واکسن، جان بسیاری از افراد را نجات داده است.

بحث آزاد



هرسال دانشمندان بسیاری در جهان به دنبال این هستند تا با اختراع وسایل جدید، زندگی انسان را ساده‌تر کنند. هدف از تولید هر وسیله جدیدی که ساخته می‌شود این است که شرایط زندگی انسان بهتر شود. اما آیا این تصور درست است؟ آیا فن‌آوری‌ها شرایط زندگی انسان را بهبود بخشیده‌اند؟ به مثال‌های زیر توجه کنید.

**تلویزیون**

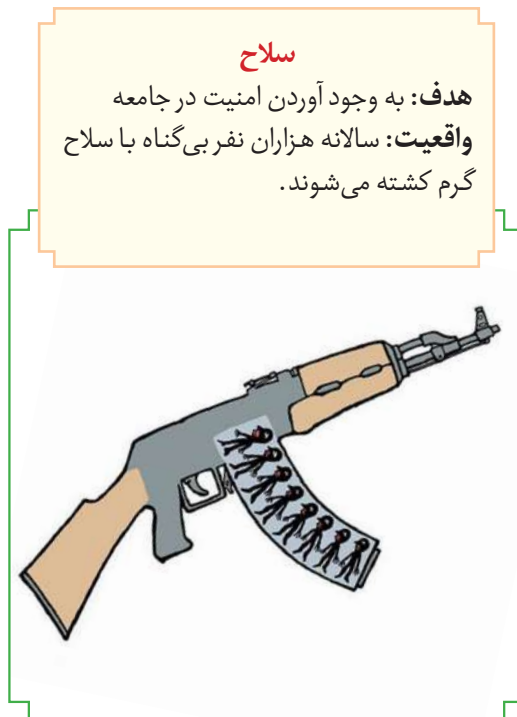
هدف: بالا بردن اطلاعات و دانش انسان
واقعیت: هرروز مردم بخشی از وقت خود را صرف تماشای برنامه‌های بی‌محتوا و سرگرم‌کننده می‌کنند.

**شبکه‌های اجتماعی**

هدف: نزدیک کردن افراد به هم
واقعیت: اعضای خانواده بیشتر زمان خود را در شبکه‌های اجتماعی می‌گذرانند و دیگر کمتر رودررو با هم صحبت می‌کنند.

**خودرو**

هدف: بالا بردن سرعت انجام کارها و آسان کردن حمل‌ونقل شهری.
واقعیت: مردم برخی از شهرها روزانه بیش از ۲۰ میلیون ساعت در ترافیک می‌مانند.

**سلاح**

هدف: به وجود آوردن امنیت در جامعه
واقعیت: سالانه هزاران نفر بی‌گناه با سلاح گرم کشته می‌شوند.

۱. نظر شما چیست؟

۲. آیا پیشرفت‌های علمی به بهتر شدن زندگی انسان کمک می‌کند؟

خواندن



پیش خواندن

آیا تا به حال با اختراعی برخورد کرده‌اید که از نظر شما هیچ مزیتی نداشته باشد؟



اختراع جالب، اختراع خنده‌دار

لباس کهنه بیار، بنزین بیر!

سه سال قبل، سه محقق ایرانی در دانشگاه «بوروس» سوئد اعلام کردند که روش جدیدی برای تولید سوخت، اختراع کرده‌اند که کاملاً ارزان و عملی است. آن‌ها ۴ کیلوگرم پارچه را در آزمایشگاه به یک لیتر سوخت خودرو تبدیل می‌کنند. دکتر «کیخسرو کریمی» استاد شیمی دانشگاه صنعتی اصفهان که در این تحقیقات با دکتر «محمد طاهرزاده» و «اعظم جیحانی پور» همکاری می‌کرد، می‌گوید: «در این فرایند پنبه پارچه که **با محیط زیست سازگار است**، جدا شده و بعد از چند واکنش شیمیایی به سوخت خودرو تبدیل می‌شود. وی افزود با سوختی که به این روش از یک شلوار به دست می‌آید، می‌توان ۸ کیلومتر رانندگی کرد».

بنابراین، شاید **در آینده نه چندان دور**، مردم بعد از خرید لباس و استفاده از آن، دیگر آن را دور نیندازند. آن‌ها می‌توانند با تحویل لباس‌های کهنه، یک بطری سوخت دریافت کنند یا حتی پول آن را **تمام و کمال** بگیرند؛ چون فروشنده می‌تواند با فروش لباس‌ها به تولیدکنندگان سوخت، پول خوبی به دست بیاورد. برای همین، اگر اختراع این محققان ایرانی به نتیجه برسد؛ دیگر هیچ لباس کهنه‌ای دور ریخته نخواهد شد.

شارژر موبایل با چای

تابه حال شده در اداره باشید و شارژر موبایلتان تمام شود؟ خب از این به بعد دیگر نیازی نیست نگران شوید و دنبال شارژر بگردید. می‌توانید بنشینید و چای داغ بنوشید و گوشی‌تان را با همین چای داغ شارژ کنید! مخترعان دستگاهی را طراحی کرده‌اند که انرژی حرارتی را به برق تبدیل می‌کند. کافی است لیوان چای داغ را روی آن بگذارید و کابل گوشی را به دستگاه متصل کنید. زیر لیوانی شما گوشی‌تان را شارژ خواهد کرد. این شارژر جالب، بسیار سبک، کوچک و **قابل حمل** است و حتی می‌تواند با آب و شربت سرد هم گوشی شما را شارژ کند! طراحان این وسیله جالب **اعلام کرده‌اند** که این شارژر برای همه وسیله‌هایی که با USB شارژ می‌شود، مناسب است.



اختراع خودرو چهارچرخ بدون نیاز به بنزین

هاجر باقری متولد سال ۱۳۶۱ است. او استاد دانشگاه و یک مخترع ایرانی است. خانم باقری ماشینی اختراع کرد که بدون بنزین روشن می‌شود و حرکت می‌کند. او این ماشین را کمتر از شش ماه با **هزینه پنج میلیون** ساخته است. سرعت این ماشین ۸۰ کیلومتر در ساعت است.

منابع انرژی این **خودرو**، برق شهری، آب، باد و خورشید است که با یک بار شارژ کردن، ماشین حرکت می‌کند. اگر خورشید در آسمان باشد، ماشین ۱۲ تا ۱۴ ساعت **شارژ می‌شود** و اگر خورشید نباشد، این ماشین با باد حرکت می‌کند.

تمرین 

الف) به نظر شما این اختراعات می‌تواند چه تأییراتی را به همراه داشته باشد؟ آیا این اختراعات مفید هستند؟ در این باره در کلاس بحث کنید.

ب) معنای اصطلاحات زیر را با توجه به متن حدس بزنید.

.....	با محیط‌زیست سازگار بودن	۱
.....	در آینده نه‌چندان دور	۲
.....	تمام و کمال	۳
.....	با استقبال مواجه نشدن	۴
.....	به‌طور خودکار	۵
.....	شده تا به حال ...	۶

بیاموزیم



متمم

متمم اسمی است که بعد از **حروف اضافه** واقع می‌شود.

حروف اضافه: از، به، با، برای، در و ...

مثال:

خواهرش از گربه می‌ترسید.

مادرشان هر شب برای آنها غذا می‌پزد.

من با فریدون رفتم.

فریده ایمیل را برای خواهرش ارسال کرد.

متمم

مفعول

پدرم ساعت را روی دیوار نصب کرد.

تمرین 

الف) در جمله‌های زیر متمم‌ها را مشخص کنید.

۱. فناوری نقش مهمی در زندگی انسان‌ها دارد.
۲. من برای صحبت کردن از فناوری اینترنت استفاده می‌کنم.
۳. حامد برای شرکت دوستش چند ایمیل ارسال کرد.
۴. سارا در دانشگاه مجازی درس می‌خواند.
۵. برادرم با تلفن همراه صحبت می‌کند.
۶. او از مدرسه به دلیل مشکلات تحصیلی اخراج شد.
۷. او توانست با تلاش زیاد مشکلاتش را حل کند.

ب) با واژه‌های زیر جمله بنویسید.

مثال: دانشگاه / من	من به دانشگاه می‌روم.
۱	می‌خورند / در
۲	حامد و رسول / به
۳	رستوران / می‌رویم
۴	مسافرت / با
۵	حسن و علی / کتابخانه

ج) متن درس را با دقت بخوانید و دور متمم‌های آن خط بکشید. آیا در متن جمله‌ای هست که به جز مفعول به متمم نیز نیاز داشته باشد؟

درس را مطالعه کنید و خلاصه‌ای از آن بنویسید.

۱۸

درس هجدهم

حش‌ن‌ها و عیدها

■ اهداف درس

انتظار می‌رود زبان‌آموز با خواندن این درس:

۱. بعضی از عیدها و جشن‌های معروف کشورهای جهان آشنا بشود.
۲. با آداب و رسوم برخی از مراسم آشنا شود.
۳. خرافات را بشناسد.
۴. بتواند دربارهٔ آداب و رسوم و خرافات کشور خود صحبت کند.
۵. با مراسم ازدواج در ایران آشنا شود.
۶. با پیشوند و پسوندهای فارسی آشنا شود و بتواند با آنها واژه‌سازی کند.

■ واژه‌ها و

اصطلاح‌های جدید

- برگزاری، فانوس،
- خاص، تزیین،
- شرکت کردن،
- عروسک‌گردان،
- خوش‌یمن، اعم از،
- فرارسیدن، سرزنده،
- پاشیدن، خدمت رسیدن،
- خرافات، نحس،
- حنا، جهیزیه،
- ولیمه، حنابندان،
- گرداندن، جهازبران،
- پاتختی، دفترخانه،
- خواستگاری، بله‌برون،
- عاقده، عقد کردن،
- مهریه، وعده.



آداب و رسوم در برگزاری جشن‌ها



دعوت کردن از میهمان، به میهمانی رفتن و دیدوبازدید



روشن کردن آتش، شمع یا فانوس



پختن یک غذا یا شیرینی خاص در این روز



جشن تکلیف دختران



دعا، نمازخواندن و مراسم مذهبی در عیدها



عیادت از بیماران

تمرین

۱. مهم‌ترین جشنی که هر سال در کشور شما برگزار می‌شود، چیست؟
۲. دلیل برگزاری این جشن چیست؟
۳. آیا برای این جشن غذای خاصی تهیه می‌شود؟ در صورت مثبت بودن پاسخ درباره این غذا توضیح دهید.
۴. آیا برای این جشن لباس خاصی می‌پوشید؟ در صورت مثبت بودن پاسخ درباره لباس مخصوص این جشن توضیح دهید. مردم در این جشن چه می‌کنند؟

شنیدن



(الف) درباره جشن فانوس‌ها، جشن رنگ‌ها و جشن روز مردگان چه می‌دانید؟ با توجه به متن شنیداری درباره موارد زیر با یکدیگر گفتگو کنید.

۱	جشن فانوس‌ها در کشور	غذای این جشن: مراسم « شیر »: هدیه‌ها:
۲	جشن رنگ‌ها در کشور	دلیل برگزاری: آداب تبریک گفتن: آداب احترام به بزرگ‌ترها:
۳	جشن روز مردگان در کشور	مکان برگزاری: روز دوم و سوم جشن: قدمت:

(ب) یک بار دیگر به متن شنیداری گوش دهید و بگویید جمله‌های زیر مربوط به کدام جشن‌هاست. (هر جمله ممکن است بیش از یک پاسخ داشته باشد)

جشن فانوس‌ها جشن رنگ‌ها جشن مردگان

۱.	این جشن در فصل بهار برگزار می‌شود.
۲.	برای برگزاری این جشن نوعی رقص خاص انجام می‌دهند.
۳.	در این جشن مردم به هم عیدی می‌دهند.
۴.	شرکت‌کنندگان در این جشن برای دوستان و آشنایانشان دعا می‌کنند.
۵.	این جشن بیش از یک روز طول می‌کشد.
۶.	رنگ قرمز در این جشن کاربرد خاصی دارد.
۷.	خوراکی‌ها در این جشن به شکل خاصی تزیین می‌شوند.
۸.	برای برگزاری این جشن، آتش یا شمع روشن می‌کنند.
۹.	مردم در این جشن لباس‌های رنگی زیبایی می‌پوشند.

(ج) جاهای خالی را با واژه‌های مناسب پر کنید. سپس یک بار دیگر متن شنیداری را بشنوید و پاسخ‌های خود را بررسی کنید.

جشن مردگان

جشن رنگ‌ها

جشن فانوس‌ها

در این روز، چینی‌ها لباس‌های قرمز می‌پوشند و بزرگ‌ترهای فامیل سال‌های سال است که خانواده‌های چینی برای بیرون کردن از خانه‌هایشان این را در این مراسم آن‌ها یک شیر عروسکی را که توسط چند کنترل می‌شود به خانه دعوت می‌کنند.	- آن‌ها این جشن، زمان خوبی برای از رنگ‌های بهار و خداحافظی با زمستان است. - در این جشن شاد، همه افراد از زن و مرد و پیر و جوان - در غروب مردم شیرینی و همدیگر را در آغوش می‌گیرند.	در این سه روز همه بانک‌ها و تعطیل هستند. - آن‌ها برای مردگانشان دعا می‌خوانند و آن‌ها را - در این روزها همه چیز مرگ را به زنده‌ها - تزیینات و خوراکی‌ها همه به شکل هستند. - و روز دوازدهم نیز جشن مرده‌های است.
--	--	---

کارگروهی



(۱) شما دوست دارید در کدام یک از این جشن‌ها شرکت کنید؟ چرا؟

جشن فانوس‌ها جشن رنگ‌ها جشن مردگان

۲. در کدام یک دوست ندارید شرکت کنید؟ دلیل آن چیست؟



۱. در عید نوروز مردم به عید دیدنی می‌روند و شیرینی و آجیل می‌خورند.
۲. در جشن فانوس‌ها همه مردم لباس‌های قرمز رنگ می‌پوشند.
۳. در روز جشن رنگ‌ها همه مردم به سر و صورت یکدیگر رنگ می‌پاشند.
۴. در جشن هالووین مردم لباس‌های وحشتناک می‌پوشند.
۵. در جشن شب یلدا همه در خانه پدر بزرگ و مادر بزرگ‌ها جمع می‌شوند و هندوانه می‌خورند.
۶. در روز عید فطر مردم به مساجد می‌روند و نماز عید فطر را می‌خوانند.



گفتگو

- برنامه‌ات برای روز اول عید نوروز چیست؟
- من هر سال اول می‌روم دیدن پدر و مادرم.
- آفرین! لباس نو چه خریده‌ای؟
- یک دست کت و شلوار خریده‌ام. خیلی خوشگل است؛ باید آن را ببینی. راستی، کلی هم میوه و آجیل خریده‌ام. نکند امسال عید دیدنی خانه ما نیایی!
- نه حتماً خدمت می‌رسم.
- تو چطور؟ برنامه‌ات چیست؟
- دو روز اول را خانه هستیم و عید دیدنی می‌رویم؛ اما روز سوم می‌رویم سفر. امسال می‌خواهیم برویم آبادان. می‌گویند آبادان نوروز خیلی قشنگ است.
- بله من ۳ سال پیش نوروز رفتم آبادان. خیلی خوش گذشت.

- برنامه‌ات برای نوروز امسال چیست؟
- از کدام یک از جشن‌های کشورت بیشتر خوشش می‌آید؟
- در روز جشن فانوس‌ها/ عید غدیر/ عید فطر چکار می‌کنی؟
- در نوروز به دیدن بزرگ‌ترها می‌روند.
- جشن مردگان در مکزیک برگزار می‌شود.
- جشن فانوس‌ها در چین برگزار می‌شود.
- به عقیده چینی‌ها رقص شیرها باعث خوش‌یمنی می‌شود.
- به عقیده ایرانی‌ها رفتن به عید دیدنی عمر را طولانی می‌کند.
- عید فطر به مناسبت پایان ماه مبارک رمضان برگزار می‌شود.
- عید نوروز به مناسبت روز اول بهار برگزار می‌شود.
- در جشن فانوس‌ها مردم گوشت نمی‌خورند.
- در عید نوروز مردم لباس نو می‌پوشند.
- در شب یلدا مردم هندوانه می‌خورند.
- در جشن مردگان مردم برای مردگان گل، غذا و هدیه می‌برند.
- در جشن رنگ‌ها مردم به یکدیگر رنگ می‌پاشند.

بحث آزاد



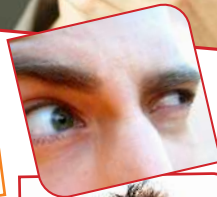
خرافات چیست؟



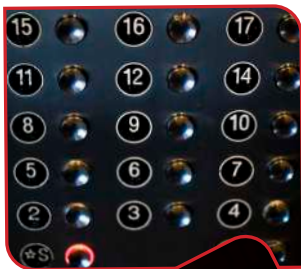
خرافات، باورهایی است که هیچ دلیل درست و عاقلانه‌ای ندارد. در طول تاریخ همواره عالمان دینی و دانشمندان تلاش کرده‌اند تا با افکار و عقاید خرافی مبارزه کنند؛ اما با این حال هنوز در بسیاری از کشورها خرافات دیده می‌شود.

- در انگلستان و برخی کشورهای اروپایی مردم معتقدند، اگر کسی سکسکه کند، یک نفر دارد به او فکر می‌کند!

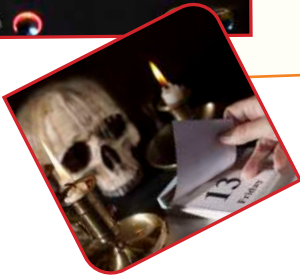
- در یونان معتقدند، سکسکه علامت آن است که فردی در همان لحظه دارد پیش دیگران از شما بدگویی می‌کند و اگر شما بتوانید نام کسی را که پشت سرتان غیبت می‌کند، حدس بزنید سکسکه متوقف می‌شود.



- در بعضی کشورهای اروپایی مردم معتقدند، اگر بینی کسی بخارد، علامت آن است که او با کسی دعوا خواهد کرد.
- در اسکاتلند مردم معتقدند، اگر بینی کسی شروع به خاریدن کند، نشانه آن است که کسی عاشق او است.
- در کانادا نیز مردم معتقدند، اگر بینی کسی بخارد، غریبه‌ای را ملاقات می‌کند.



در بین بعضی از اروپایی‌ها و آمریکایی‌ها عدد ۱۳ یک عدد نحس است؛ مثلاً در بسیاری از هواپیماهای اروپایی صندلی شماره ۱۳ و در بعضی از ساختمان‌ها طبقه ۱۳ وجود ندارد.



دلیل برخی از جشن‌های امروزی یک عقیده خرافی قدیمی است؛ مثلاً دلیل اصلی جشن هالووین یک عقیده قدیمی اروپایی است. در قدیم مردم اروپا معتقد بودند در زمان برداشت محصول کشاورزی مُرده‌ها می‌توانند به زمین بیایند و مردم را اذیت کنند. آن‌ها هم برای ترساندن مُرده‌ها لباس‌های عجیب و غریب و ترسناک می‌پوشیدند تا مُرده‌ها بترسند و آن‌ها را اذیت نکنند. این جشن هنوز هر سال در آمریکا برگزار می‌شود. در روز ۳۱ اکتبر مردم آمریکا با لباس‌های ترسناک به خیابان‌ها می‌آیند و هالووین را جشن می‌گیرند. مردم آمریکا در این روز حدود شش میلیارد دلار شکلات و لباس ترسناک می‌خرند.

۱. نظر شما درباره برگزاری این گونه جشن‌ها چیست؟



۲. نظر شما درباره سکسکه، عطسه و عدد ۱۳ چیست؟

خوازن



پیش خواندن



۱. جشن ازدواج در کشور شما چگونه است؟
۲. مهم‌ترین مراسم در این جشن چیست؟

الف) متن زیر را بخوانید و با توجه به آن، معنای واژه‌ها را حدس بزنید.

ولیمه	جهیزیه	عقد کردن	عاقده	مهریه	عروس	داماد	حنا
----------------	-----------------	-------------------	----------------	----------------	---------------	----------------	--------------

مراسم ازدواج در ایران

پاتختی

«پاتختی» مجلسی است که فردای عروسی برگزار می‌شود و اقوام عروس و داماد به دیدنشان می‌آیند. در این مراسم عروس را بر تخت یا «صندلی» می‌نشانند و اقوام و دوستان عروس و داماد به آن‌ها هدیه می‌دهند.

جهازبران

در ایران وظیفه تهیه وسایل و اسباب خانه با خانواده عروس است. به وسایلی که خانواده عروس برای دخترشان تهیه می‌کنند در اصطلاح «جهیزیه» می‌گویند. مراسم «جهازبران» چند روز پیش از مراسم عروسی برگزار می‌شود و در آن جهاز عروس را به خانه‌ای که داماد اجاره کرده یا خریده است، می‌برند.

حنابندان

«حنا» گیاهی است که برای رنگ کردن مویا پوست بدن از آن استفاده می‌شود. جشن «حنابندان» مراسم خداحافظی عروس از خانه پدرش است و در آخرین شب اقامت او در آن جا برگزار می‌شود. در شب حنابندان ظرفی پر از حنا دورتادور مراسم گردانده می‌شود و زنان دست‌هایشان را با آن رنگ می‌کنند. این آیین امروزه بیشتر در روستاها و شهرهای کوچک ایران دیده می‌شود.

جشن عروسی

عروسی مراسمی سنتی است که در آن آغاز زندگی مشترک یک زوج جشن گرفته می‌شود. این جشن در ایران از بخش قانونی ازدواج جدا است. این مراسم در واقع اصلی‌ترین جشن در مراسم ازدواج است و پس از آن عروس و داماد زندگی مشترک خود را آغاز می‌کنند. در این مراسم همه شرکت‌کنندگان یک وعده (معمولاً شام) میهمان داماد هستند که به این وعده اصطلاحاً «ولیمه عروسی» می‌گویند.

خواستگاری و بله‌برون

مراسم ازدواج و عروسی در ایران با خواستگاری آغاز می‌شود. در این مراسم خانواده داماد با گل و شیرینی به خانه عروس می‌روند و از عروس خواستگاری می‌کنند. در صورتی که پاسخ عروس و خانواده‌اش مثبت باشد مراسم «بله برون» برگزار می‌شود. در این مراسم بزرگ‌ترهای فامیل جمع می‌شوند و درباره مهریه، شروط ازدواج و تاریخ مراسم عقد صحبت می‌کنند.

مراسم عقد

این مراسم بیشتر جنبه دینی و قانونی دارد. در این مراسم که معمولاً چند ماه پیش از عروسی برگزار می‌شود عروس و داماد به همراه خانواده به دفترخانه ازدواج می‌روند و به صورت قانونی زن و شوهر می‌شوند؛ البته در بسیاری از مواقع برای زیباتر شدن این مراسم، پدر عروس دوستان و آشنایان را دعوت و جشنی کوچک برگزار می‌کنند. عاقد یا همان فردی که به صورت قانونی و مذهبی عروس و داماد را عقد می‌کند به محل برگزاری جشن می‌رود و کارهای قانونی عقد را انجام می‌دهد.

ب) یک بار دیگر متن را بخوانید و مشخص کنید ترتیب برگزاری این مراسم‌ها چگونه است؟

۱. حنابندان	۲. خواستگاری	۳. بله برون	۴. پاتختی	۵. مراسم عقد	۶. جهازبران	۷. جشن عروسی
مراسم اول	مراسم دوم	مراسم سوم	مراسم چهارم	مراسم پنجم	مراسم ششم	مراسم هفتم

بیاموزیم



پیشوندها و پسوندها

پیشوند: ون‌دی است که در ابتدای برخی از واژه‌ها می‌آید.

به عنوان نمونه به جدول زیر نگاه کنید.

پیشوند	معنا	مثال
با	کاربرد این پیشوند در رساندن مفهوم «دارندگی» چیزی است.	باخرد، بادب
بی	کاربرد این پیشوند در رساندن مفهوم «نداشتن» چیزی است.	بی‌خرد، بی‌ادب
نا	این پیشوند «منفی‌ساز» است.	ناجواغمرد، ناآرام
باز	این پیشوند معنی «دوباره» می‌دهد.	بازآمدن، بازگفتن

پسوند: ون‌دی است که در انتهای برخی از واژه‌ها می‌آید.

به عنوان نمونه به جدول زیر نگاه کنید.

پسوند	اسم و صفت‌ساز	مثال
نده	به بن مضارع می‌چسبد و اسم‌ساز است.	راننده، گوینده
بان	در معنای «محافظت و نگهداری»	باغبان، جنگلبان
چه	«تصغیر و کوچک‌سازی»	باغچه، دفترچه
دان	مکان‌ساز	نمکدان، گلدان
ستان	مکان‌ساز	گلستان، دبیرستان
ان	صفت فاعلی‌ساز	نالان، گریان
ناک	صفت‌ساز در معنای «دارندگی»	خشمناک، دردناک

نکته: جدول بالا تنها، نمونه‌ای از پسوندهای فارسی است و تعداد آن‌ها بسیار بیشتر است.



تمرین 

الف) جمله‌های زیر را بخوانید و جدول را کامل کنید.

معنای پیشوند	واژه‌پیشونددار	جمله	
باز = دوباره	بازآمد	مثال: او به خانه‌اش بازآمد.	
		۱ دانشجویان این دانشگاه بسیار باهوش هستند.	
		۲ انسان بی‌ادب نمی‌تواند خوب زندگی کند.	
		۳ ظلم، کاری ناپسند است.	
		۴ وحید پسر باادبی است.	

ب) در جمله‌های زیر واژه‌های پسونددار را مشخص کنید و نوع پسوندها (اسم‌ساز، صفت‌ساز، قیدساز) را بنویسید.

خطرناک = صفت‌ساز	مثال: این کار بسیار خطرناک است.	
	۱ برادرم سحرگاه روز شنبه به دنیا آمد.	
	۲ پدر حسین باغبان است.	
	۳ ما همیشه در سفره نمکدان می‌گذاریم.	
	۴ خداوند دانا و شنوا است.	
	۵ عمویم راننده است.	

ج) ده واژه از متن انتخاب کنید و معنای پیشوندها و پسوندهای آن را حدس بزنید.

مثال: خواستگاری = خواست + گار + ی ← بن ماضی خواستن + گار (صفت فاعلی‌ساز) + ی (اسم‌ساز)

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

درس را مطالعه کنید و خلاصه‌ای از آن بنویسید.

خلاصه‌نویسی

۱۹

درس نوزدهم

جاذبه‌های گردشگری

■ اهداف درس

- انتظار می‌رود زبان‌آموز با خواندن این درس:
۱. برخی از جاذبه‌های دیدنی ایران را بشناسد.
 ۲. تفریح‌هایی را که می‌توان در سفر انجام داد، بداند.
 ۳. با اهمیت حفظ آثار باستانی آشنا شود.
 ۴. بتواند دربارهٔ تجربه‌های سفر خود صحبت کند.
 ۵. جمله‌های ساده و مرکب را بشناسد.
 ۶. بتواند به خوبی از جمله‌های مرکب استفاده نماید.

■ واژه‌ها و

اصطلاح‌های جدید

- تونل، چادر زدن، ارتفاع، امام‌زاده، به‌خصوص، چرا(بله)، انگار، کف دریا، غواصی، مُفَصَّل، داغ، یادگاری، بریده، بارندگی، سد، تخریب، بشر، رکاب زدن، دلتنگی، غربت، کنار آمدن، میزبان، استادکار، افطار، پاک شدن، بنا شدن، غریبه، گرم گرفتن.



مهم‌ترین جاذبه‌های زیارتی و گردشگری در ایران

← جاذبه‌های گردشگری

شاه چراغ شیراز



حرم احمد ابن موسی برادر امام رضا علیه السلام در شهر شیراز قرار دارد. مردم ایران به حرم ایشان «شاه چراغ» می‌گویند.

حرم مطهر حضرت معصومه علیه السلام قم



حرم حضرت معصومه علیه السلام، خواهر امام رضا علیه السلام، در شهر قم است.

حرم مطهر امام رضا علیه السلام مشهد



حرم مطهر امام هشتم شیعیان در مشهد قرار دارد. که هر ساله میلیون‌ها نفر برای زیارت به آنجا می‌روند.

کویر مرنجاب



کویر مرنجاب در شمال استان اصفهان قرار دارد. هر سال هزاران نفر برای دیدن ستاره‌ها، شب‌ها در کویر چادر می‌زنند.

دریاچه گهر



دریاچه گهر یک دریاچه زیبا در غرب ایران است که در کوهستان واقع شده است. این دریاچه در استان لرستان و ۲۳۵۰ متر بالاتر از سطح دریا است.

پارک جنگلی گیسوم



یکی از نقاط دیدنی استان گیلان و شهرستان تالش پارک جنگلی گیسوم است. مسیری زیبا و دیدنی با درختان بلند که یک تونل جنگلی زیبا ایجاد کرده است.

قلعه رودخان



یک قلعه بسیار زیبا و بزرگ در استان گیلان که در بالای یک کوه بلند است.

مسجد وکیل



مسجد وکیل در استان فارس و در شهر شیراز بنا شده است.

بیستون



بیستون یکی از جاذبه‌های گردشگری کرمانشاه است که در دل کوه قرار دارد.

آکواریوم کیش



آکواریومی بزرگ و زیبا با انواع ماهی‌های زیبا که در جزیره کیش قرار دارد.

سرزمین موج‌های آبی



یک پارک آبی بسیار زیبا در شهر مشهد. هر ساله هزاران نفر برای تفریح به این پارک می‌روند.

پل طبیعت



پل طبیعت، یک پل زیبا در ارتفاع ۴۰ متری در شهر تهران است که برای پیاده‌روی بر روی اتوبان ساخته شده است.

۱. از دیدگاه شیعیان، پس از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله دوازده نفر از نسل ایشان وظیفه رهبری جامعه را بر عهده داشتند. مسلمانان در اصطلاح به این دوازده نفر «امام» می‌گویند؛ به این معنا که امامان معصوم، مانند خود پیامبر منصوب شده از طرف خداوند هستند.

شنیدن



(الف) درباره جزیره کیش و شهر سرعین اردبیل چه می‌دانید؟
به گفتگوهای زیر گوش دهید در هر گفتگو افراد از کدام نوع جاذبه‌های گردشگری بازدید کرده‌اند؟

جاذبه تاریخی	جاذبه طبیعی	جاذبه تفریحی	جاذبه زیارتی	بهترین بخش سفر
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	گفتگوی اول
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	گفتگوی دوم

(ب) یک بار دیگر به گفتگوها گوش دهید و به سؤالات زیر پاسخ دهید.

۱	چه فصل‌هایی برای سفر به کیش مناسب‌تر است؟ چرا؟	گفتگوی اول
۲	چطور می‌توان در سواحل جزیره کیش غواصی کرد؟	
۳	در آکواریوم جزیره کیش چه حیواناتی وجود دارد؟	
۴	چرا همسرش با او به این سفر نرفته است؟	گفتگوی دوم
۵	چرا شهر کوچک سرعین معروف است؟	
۶	امامزاده را توصیف کنید.	

(ج) جاهای خالی را با واژه‌های مناسب کامل کنید. سپس یک بار دیگر متن شنیداری را بشنوید و پاسخ‌های خود را بررسی کنید.

گفتگوی دوم

گفتگوی اول

- راستش چرا خیلی سخت بود. وسط راه بود.	- چون هوا گرم است، واقعاً شنا توی دریا به خصوص
- وقتی رسیدیم بالای کوه سبلان که این همه راه را آمده‌ام.	که آب دریا خیلی است. می‌شود ماهی‌های
- آب چشمه گرم است برای همین کسانی که یا	کف دریا را دید.
دارند یکی، دو ساعت توی اون آب می‌شینن تا	- فکر نمی‌کردم ورزش
- رفتیم توی امامزاده کردیم، نماز و نشستیم.	- توی کیش کنار ساحل چند تا مربی هست. اول یک کمی
همه ساکت بودن. بعد همان مربی با خودش غواصی.
- هرچی گشتیم دیگه امامزاده رو پیدا نکردیم. انگار و	- این است که به جز ماهی، مار و پرنده‌های
رفته بود	دارد. حتی می‌توانی به تمساح‌ها و دلفین‌ها

کار گروهی



- (؟) ۱. تا به حال به کدام شهرهای ایران سفر کرده‌اید؟
۲. تاکنون از کدام یک از جاذبه‌های توریستی ایران دیدن کرده‌اید؟
۳. اگر بخواهید به یکی از شهرهای ایران سفر کنید، از کدام یک از جاذبه‌های گردشگری حتماً دیدن خواهید کرد؟

جاذبه‌های دیدنی شهر من:

- اگر همدان رفتید حتماً «غار علی صدر» و «گنج‌نامه» را ببینید. ■ حتماً به شهر «ماسوله» بروید چون آب‌وهوای خیلی خیلی خوبی من تابه‌حال دو بار به «باغ‌فین» کاشان رفته‌ام. آن‌جا دارد.
- جاهای دیدنی زیادی دارد. ■ یادتان نرود کنار میدان آزادی تهران عکس بگیرید، میدان آزادی واقعاً زیباست.
- من یک بار به شهر باستانی و زیرزمینی «نوش‌آباد» رفته‌ام، چون از دیگران تعریف آن را خیلی شنیده بودم.
- من به شما «بادگیر باغ دولت‌آباد» یزد را پیشنهاد می‌کنم. ■ بخريد.
- خیلی زیبا است. یکی از بلندترین بادگیرهای جهان است. ■ در حرم امام رضا علیه‌السلام یاد ما هم باشید. التماس دعا!

گفتگو

- پیمان! فردا می‌خواهیم با بچه‌ها برویم لرستان؛ ولی جاهای گردش‌اش را بلد نیستیم. شما که چند سال در آنجا زندگی کرده‌ای می‌توانی چند جا را به ما پیشنهاد بدهی؟
- حتماً لرستان جاهای طبیعی و تاریخی زیادی دارد. من به شما «آبشار بیشه» را پیشنهاد می‌کنم.
- آبشار بیشه! کجاست؟
- از خرم‌آباد ۶۵ کیلومتر فاصله دارد. فقط موقع رانندگی احتیاط کنید؛ چون جاده‌اش خیلی باریک و خطرناک است، ولی منظره‌هایش فوق‌العاده است.
- به جز آبشار جای دیدنی دیگری هم دارد؟
- بله! می‌توانید به «قلعه فلک‌الافلاک» هم بروید. یک بنای تاریخی مربوط به قرن سوم میلادی است که بالای یک تپه در مرکز شهر خرم‌آباد قرار دارد.
- روی تپه؟ رفتن به قلعه سخت نیست؟ چون پدر و مادرم همراه ما هستند.
- خُب. بالا رفتن کمی سخت است؛ چون خیلی پله دارد؛ ولی پدر و مادرت می‌توانند در پایین قلعه در میدان اصلی شهر یک‌کمی بگردند تا شما قلعه را ببینید.
- ممنون از راهنمایی شما.
- قربانت. سفر خوش بگذرد.

- حتماً غار علی‌صدر/ گنج‌نامه/ بیستون/ مسجد امام/ سی‌وسه‌پل را ببینید.
- من تابه‌حال دو بار به باغ‌فین کاشان/ سعدیه شیراز/ بازار کهنه قم رفته‌ام. آن‌جا جاهای دیدنی زیادی دارد.
- من یک بار به کیش/ شیراز/ تبریز/ ایل‌گلی رفته‌ام، چون از دیگران تعریف آن را خیلی شنیده بودم.
- من به شما بادگیر باغ دولت‌آباد/ حمام وکیل/ بازار وکیل را پیشنهاد می‌کنم. خیلی زیبا است.
- حتماً به شهر ماسوله/ اردبیل/ کرمانشاه/ کردستان/ انزلی بروید؛ چون آب‌وهوای خیلی خوبی دارد.

- اگر قم/ اصفهان/ رشت/ رفتید سوغاتی فراموشتان نشود.
- در اصفهان/ کرمان/ قم/ یزد سوغاتی، شیرینی بخريد.
- صنایع‌دستی سیستان/ تبریز/ یزد/ اصفهان زیباست. حتماً از این شهرها یادگاری بخريد.
- یادتان نرود در میدان آزادی/ کوه‌سنگی/ میدان حسن‌آباد تهران عکس بگیرید، واقعاً زیباست.
- در حرم امام رضا علیه‌السلام / حضرت معصومه علیه‌السلام / مسجد جمکران/ شاه‌چراغ یاد ما هم باشید. التماس دعا!

- پدر و مادرت می‌توانند در میدان اصلی شهر یک‌کمی بگردند.
- این بنای تاریخی مربوط به قرن سوم میلادی/ قرن پنجم هجری قمری/ قرن چهارم هجری شمسی است.
- این بنای تاریخی در مرکز شهر/ بالای کوه/ کنار دریا/ وسط جنگل است.
- جاذبه تاریخی
- جاذبه طبیعی
- جاذبه تفریحی
- جاذبه زیارتی
- سفر خوش بگذرد!
- سفر بی‌خطر!
- زیارت قبول!

بحث آزاد



چند سال پیش به دلیل کاهش بارندگی‌ها و نیاز بیش از پیش مردم آذربایجان شرقی، در این استان چندین سد ساخته شد. در میان این چند سد، ساخت سد «سیلوه» با مشکلات بسیاری روبه‌رو شد. از یک سو نیاز مردم این منطقه به آب برای کشاورزی مسئولین را مجبور می‌کرد تا این سد را بسازند و از طرف دیگر گروه‌ها و سازمان‌های فرهنگی این استان با ساخت این سد مخالف بودند.

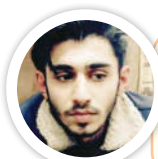
مخالفت این گروه‌ها به این دلیل است که ساخت این سد به برخی آثار باستانی این استان آسیب می‌زند. حال مردم این شهر باید بین آب و آثار باستانی شهرشان یکی را انتخاب کنند ...

محافظة از آثار باستانی خیلی مهم است؛ اما مهم‌تر از آن شرایط زندگی مردم است. پدر من کشاورز است و هر سال به دلیل بزرگ شدن مزرعه‌های اطراف مزرعه ما، به آب بیشتری نیاز داریم. اگر این سد ساخته نشود، معلوم نیست چه اتفاقی برای مزرعه ما می‌افتد.



احمد

آثار باستانی یک شهر فقط متعلق به همان شهر نیست؛ مثلاً دولت مصر نمی‌تواند برای ساختن اتوبان، اهرام مصر را تخریب کند. درست است که مردم این شهر به آب نیاز دارند؛ اما حق ندارند قسمتی از فرهنگ بشر را از بین ببرند.



امیر حسین

این حرف درستی است، آثار باستانی برای همه مردم دنیا است؛ اما چرا همه مردم دنیا کمک نمی‌کنند تا مشکل آب شهر ما حل شود. مردم این شهر به آب نیاز دارند. ما نمی‌توانیم برای محافظت از چند ساختمان قدیمی بیکار شویم.



فرید

حق با فرید است. من دو سال پیش مجبور شدم مزرعه‌ام را به دلیل کم‌آبی بفروشم و یک رستوران بازکنم. سود رستوران خوب است؛ اما از دویست سال پیش تا به امروز پدر من در این مزرعه کار می‌کردند. اصلاً دوست ندارم کشاورزان بیشتری مجبور شوند تا مزرعه‌هایشان را بفروشند.



محمد رضا

آقا محمد رضا شما امروز ناراحت هستید که چرا مزرعه پدریتان را فروخته‌اید. فکر نمی‌کنید در آینده ممکن است فرزندان شما به شما بگویند: «چرا اجازه دادید این سد ساخته شود و آثار هنری پدر بزرگان ما خراب شود؟». به نظرم نباید فقط مشکلات امروز را دید.



مجید

به نظر شما حق با چه کسی است؟ آیا باید این سد ساخته شود یا خیر؟ آیا راه‌هایی وجود دارد که هم بتوان مشکل آب این شهر را حل کرد و هم از آثار باستانی آن‌ها محافظت کرد؟



تصور کنید شما یکی از کشاورزان این شهر هستید. اگر مجبور باشید از بین آب و آثار باستانی شهرتان یکی را انتخاب کنید، کدام را انتخاب می‌کنید؟

خواندن



پیش خواندن

مصاحبه‌ای که می‌خوانید، مصاحبه‌ای با یک دوچرخه‌سوار ایرلندی است که مدتی پیش با دوچرخه از ترکیه وارد ایران شد.

الف) لطفاً برای پاسخ‌های او سؤال بنویسید.

مصاحبه‌ای با یک دوچرخه‌سوار ایرلندی



بهترین غذای ایرانی که من خورده‌ام؛ جوجه کباب است. اما عجیب‌ترین غذایی که در طول عمرم دیدم و امتحان کردم کله‌پاچه است، غذای محبوب ایرانیان. اولین بار که این خوراکی را در زنجان خوردم واقعا تعجب کردم؛ اما امتحان آن ضرری نداشت!

.....؟

اگرچه تهران پایتخت ایران است و شاید امکانات زیادی برای جذب گردشگران دارد؛ اما تبریز بهترین شهری است که تاکنون دیده‌ام. البته من هنوز در طول سفرم شهرهای زیادی از ایران را ندیده‌ام و شاید نظرم تغییر کند؛ اما تا این لحظه تبریز بهترین است. من درباره اصفهان هم مطالب زیادی شنیده‌ام. جایی خواندم که برخی گردشگران بین‌المللی می‌گویند اگر این شهر را نبینیم مثل این است که ایران را ندیده‌ایم.

.....؟

ایران، سرزمینی گرم و زیباست. مردم این کشور بسیار مهمان‌نواز هستند. وقتی از کشاورزان اجازه می‌خواستم تا در زمینشان چادر بزنم، آن‌ها با مهربانی من را به منزلشان دعوت می‌کردند و از من پذیرایی می‌کردند. این مهمان‌نوازی را در شهرهای بزرگ‌تر هم دیده‌ام.

بسیاری با توجه به خارجی بودنم به من کمک می‌کردند تا غذا تهیه کنم؛ ولی باز هم اگر می‌خواستم چیزی بخورم در چادرم این کار را انجام می‌دادم تا به فرهنگ مردم ایران احترام گذاشته باشم.



.....؟

وقتی به شهر زنجان رسیدم، برای خرید به مغازه‌ای رفتم. چند جوان که در کارگاه آهن‌گری نزدیک این مغازه کار می‌کردند از من خواستند عکس یادگاری بگیرند. همه این جوانان همراه استادکارشان با لبخندی جالب کنار دوچرخه من ایستادند و عکس گرفتیم. این جوانان من را برای صرف افطار دعوت کردند. اوقات خوبی را با هم داشتیم که هرگز از ذهن من پاک نخواهد شد. نکته جالب برایم این بود که ایرانیان چقدر به راحتی با غریبه‌ها گرم می‌گیرند.

.....؟

خوشمزه‌ترین قسمت سفرم در ایران مربوط به خوردن غذاهای ایرانی است.

در سال‌های اخیر بسیاری از علاقه‌مندان به سفر، با دوچرخه یا موتورسیکلت جهانگردی می‌کنند. یکی از این ماجراجویان که مدتی پیش وارد ایران شد «هنری تیندال»، جوان ۲۷ ساله ایرلندی است. او برنامه‌نویس کامپیوتر است و قصد دارد از ایرلند تا استرالیا را رکاب بزند.

.....؟

هنگامی که هنوز در اروپا بودم زیاد احساس دل‌تنگی یا غربت نداشتم، چون فرهنگ تمام کشورهای اروپایی شبیه هم است؛ اما وقتی وارد خاک ترکیه شدم، همه چیز تغییر کرد. آن زمان بود که تازه متوجه شدم در قاره آسیا هستم. اگرچه این تغییر ابتدا باعث نگرانی من شد؛ اما به سرعت توانستم با این تغییر کنار بیایم.

.....؟

اولین قانون گردشگری، احترام به قوانین و فرهنگ کشور میزبان است. من درباره ماه رمضان اطلاعاتی داشتم. برای من خیلی جالب بود که از طلوع تا غروب خورشید همه رستوران‌ها بسته بودند و مردم هیچ چیزی نمی‌خوردند. البته ایرانیان با لبخندی گرم به من اجازه می‌دادند به دور از چشم مردم، در رمضان بخورم و بیاشامم و حتی

درباره معنای بخش‌های رنگی در متن با یکدیگر بحث کنید.





جمله

واژه یا مجموعه‌ی واژه‌هایی است که در کنار هم، پیامی را به شنونده منتقل می‌کنند. جمله‌ها از نظر ساختمان (تعداد فعل) به دو بخش «ساده و مرکب» تقسیم می‌شوند:

جمله مرکب

جمله‌ای است که برای کامل شدن نیاز به **پیش از یک فعل** دارد.

مثال:

- وقتی که ناراحت می‌شوم، به پارک می‌روم.
- اگر خوبی کنید، خداوند پاداش خوبی شما را می‌دهد.

جمله ساده

جمله‌ای است که فقط یک فعل دارد و معنای جمله با همان **یک فعل** کامل است.

مثال:

- آن‌ها دانشجویان خوبی هستند.
- سعید پدر مهربانی است.
- چرا به دانشگاه رفتی؟

در جمله‌های مرکب به‌طور معمول واژه‌هایی مانند اگر، تا، هنگامی که، وقتی که، زمانی که و... استفاده می‌شود. این واژه‌ها، دو جمله را از نظر معنایی به هم پیوند می‌دهند.

مثال:

- اگر وقت داشتی، به منزل ما هم بیا.
- هنگامی که من آمدم، تو رفته بودی.

تمرین 

الف) هفت جمله ساده بنویسید.

- ۱.
- ۲.
- ۳.
- ۴.
- ۵.
- ۶.
- ۷.

ب) با استفاده از حروفی چون «اگر، تا، هنگامی که، وقتی که و ...» جمله‌های ساده بالا را به جمله‌های مرکب تبدیل کنید.

- ۱.
- ۲.
- ۳.
- ۴.
- ۵.
- ۶.
- ۷.

ج) متن درس را با دقت بخوانید و پنج جمله مرکب را از آن انتخاب کنید. این جمله‌های با استفاده از چه حروفی مرکب شده‌اند؟

درس را مطالعه کنید و خلاصه‌ای از آن بنویسید.

خلاصه‌نویسی

۲

درس بیستم

ادب فارسی

■ اهداف درس

انتظار می‌رود زبان‌آموز با خواندن این درس:

۱. با برخی از شاعران ایرانی و شعرهای آن‌ها آشنا شوند.
۲. تفاوت مصراع و بیت را بدانند.
۳. قافیه و ردیف را بشناسند.
۴. فواید آشنایی با یک زبان جدید را بشناسند.
۵. بدانند که هر فعل با چه حرف اضافه‌ای استفاده می‌شود.
۶. بتواند تشخیص دهد که هر فعل به چند حرف اضافه نیاز دارد.

■ واژه‌ها و

اصطلاح‌های جدید

خرد، کسب، اثر،
پهلوان، آمیزد،
غرقه، آویختن،
خیزد، دیده،
درود، پارسا، خلوتگه،
پارسایی، دیوان، الهام،
کارگه، دوش، گویا،
خموش، ناگاه، خروش،
برآورد، کوزه‌گر،
رصد، سرشار، موجود
افسانه‌ای،
نبرد، قهرمان،
در نهایت، شکست،
پاداش، ظاهر شدن،
اسیر، بیداد،
آسوده، تخصص داشتن،
تور، سفارت‌خانه، پژوهش،
سرمایه‌گذاری، بقال،
سوداگر، خواجه،
بزرگوار، بیم، ندامت،
درویش، جولقی،
صاحب دلق، خوش‌نوا،
گویا، فارغ،
گل، روزکی، حیران،
طاس، طشت،
بانگ، نیشن.

واژه



خیام

حکیم ابوالفتح مشهور به «خیام» در سال ۴۳۹ هجری قمری در نیشابور به دنیا آمد. او یکی از دانشمندان بزرگ جهان است. خیام در علوم مانند فلسفه، ریاضیات و طب بسیار معروف بود. او شاعر هم بود و به دو زبان فارسی و عربی شعر می‌گفت. خیام منجم نیز بوده است و تقویم امروز ایرانی، حاصل محاسباتی است که او انجام داده. از جمله آثار او «ترتیب رصد ملکشاهی» و تألیف کتاب‌های فراوان علمی است. وی در سال ۵۲۶ هجری قمری از دنیا رفت. آرامگاه او در شهر نیشابور قرار دارد.

در کارگه کوزه‌گری رفته دوش
دیدم دو هزار کوزه‌گویا و خموش
ناگاه یکی کوزه برآورد خروش
کوکوزه‌گر و کوزه‌خر و کوزه‌فروش



فردوسی

«ابوالقاسم فردوسی» در سال ۳۱۹ هجری قمری در یکی از روستاهایی طوس به نام «باژ» به دنیا آمد. او از همان کودکی به کسب علم و دانش پرداخت. وی به خواندن داستان، مخصوصاً به داستان‌های تاریخی ایران، علاقه بسیاری داشت. همین علاقه باعث شد که نزدیک به ۳۰ سال از بهترین روزهای زندگی خود را وقف نوشتن «شاهنامه» کند. شاهنامه معروف‌ترین اثر فردوسی و یکی از بزرگ‌ترین کتاب‌های ادبیات فارسی است. این کتاب حدوداً ۶۰ هزار بیت شعر دارد که در تمام این کتاب پهلوانانی همچون «فریدون»، «سیاوش» و «رستم» تلاش می‌کنند تا مردم ایران را از ظلم افرادی همچون «ضحاک» و «سلم» و «تور» نجات دهند.

به نام خداوند جان و خرد
کز این برتر اندیشه برنگذرد



سعدی

«مشرّف الدین مصلح بن عبدالله شیرازی» شاعر و نویسنده بزرگ قرن هفتم هجری قمری معروف به «سعدی» است. وی احتمالاً بین سال‌های ۶۰۰ تا ۶۱۵ هجری قمری زاده شده است. در جوانی به مدرسه نظامیه بغداد رفت و به تحصیل ادبیات و تفسیر قرآن پرداخت. سپس به شام و مراکش و حبشه و حجاز سفر کرد و پس از بازگشت به شیراز، در سال ۶۵۵ کتاب «بوستان» و در سال بعد کتاب «گلستان» را تألیف کرد. سعدی بین سال‌های ۶۹۰ تا ۶۹۴ هجری در شیراز درگذشت و در همان جا به خاک سپرده شد.

نادان همه‌جا با همه‌کس آمیزد
چون غرقه به هر چه دید دست آویزد



حافظ

خواجه شمس‌الدین محمد شیرازی مشهور به «حافظ»، شاعر بزرگ فارسی‌زبان است. وی در سال ۷۲۶ هجری قمری در شیراز متولد شد. او علوم اسلامی را در کلاس درس استادان زمانش فراگرفت و حافظ کل قرآن شد. «گوته» دانشمند بزرگ و شاعر و مشهور آلمانی «دیوان شرقی» خود را به نام او و با الهام از افکار حافظ نوشت. وی در سال ۷۹۲ هجری قمری در شیراز درگذشت. آرامگاه او در حافظیه شیراز است.

سلامی چو بوی خوش آشنایی
بدان مردم دیده‌روشنایی
درودی چو نور دل پارسایان
بدان شمع خلوتگه پارسایی

تمرین



۱. آیا به ادبیات علاقه دارید؟
۲. معروف‌ترین شاعر کشور شما کیست؟ آیا می‌توانید یکی از اشعار او را به زبان خودتان بخوانید؟
۳. شعری که به زبان خودتان خواندید را به فارسی ترجمه کنید. این شعر به کدام زبان زیباتر است؟ به زبان خودتان یا ترجمه فارسی آن؟ چرا؟
۴. آیا تا به حال شعری از یک شاعر ایرانی به زبان فارسی خوانده‌اید؟

تمرین: متن زیر را بخوانید و معنای واژه‌هایی را که رنگی شده‌اند، حدس بزنید.

شاهنامه یکی از کتاب‌های مهم در ادبیات زبان فارسی است. این کتاب سرشار از داستان‌های زیبا درباره زندگی پادشاهان و پهلوانان ایرانی است؛ البته در کنار قصه‌های تاریخی، موجودات افسانه‌ای هم در این کتاب وجود دارند؛ موجوداتی مانند دیو، سیمرغ و اژدها. بیشتر داستان‌های شاهنامه درباره نبرد میان خوبی و بدی است و همواره قهرمانان و ضد قهرمانان در حال نبرد با یکدیگر هستند.

شنیدن



الف) نام‌های زیر نام شخصیت‌های یکی از قصه‌های زیبای شاهنامه به نام ضحاک و کاوه آهنگر است. با توجه به متن شنیداری، این افراد قهرمان داستان هستند یا ضدقهرمان؟

ضدقهرمان	قهرمان	ضدقهرمان	قهرمان	ضدقهرمان	قهرمان
<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	ضحاک	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	شیطان
<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	کاوه	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	مرداس
<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	فریدون	<input type="radio"/>	<input type="radio"/>	

ب) با توجه به داستان به سؤالات زیر پاسخ دهید.

۱. در این داستان شیطان چند بار ضحاک را فریب می‌دهد؟

.....

۲. دلیل دشمنی فریدون با ضحاک چه بود؟

.....

۳. دلیل دشمنی کاوه با ضحاک چه بود؟

.....

۴. فریدون چگونه توانست ضحاک را شکست دهد؟

.....

۵. پایان کار ضحاک چه شد؟

.....

ج) جاهای خالی را با واژه‌های مناسب از متن پر کنید.

مرداس پادشاهی قدرتمند و مهربان بود. همه مردم ایران او را دوست داشتند و او را به‌عنوان پادشاهی عادل می‌شناختند؛ اما مرداس پسری داشت به نام ضحاک. روزی شیطان ضحاک را؛ و به او گفت: «پدرت مرداس او را بکش و خودت پادشاه ایران شو.» ضحاک شیطان را؛ و پدرش را کشت. [...]

این بار شیطان پزشک؛ و به ضحاک گفت: «برای نجات از دست مارهایی که بر روی شانه‌هایت درآمده‌اند باید هرروز دو انسان را بکشی و مغزشان را به مارهایت بدهی تا آن‌ها آرام شوند و به تو آسیبی نرسانند.» [...]

یکی از کسانی را که ضحاک کشت و مارهایش مغز او را خوردند، پدر کودکی به نام «فریدون» بود. یک روز، زمانی که فریدون شانزده سال داشت از مادرش پرسید: «مادر پدر من چه کسی بود؟» مادرش پاسخ داد: «پدر تو مردی شجاع بود که ضحاک او را کشتند تا مغزش را به مارها بدهند.» فریدون با شنیدن داستان ضحاک تصمیم گرفت به جنگ او برود. نام پهلوان دیگری که در جنگ ضحاک به فریدون کمک کرد، کاوه بود. کاوه بود. [...]

بر طبق افسانه‌های ایرانی یک‌شب، از سوی خداوند به شکل جوانی زیبا فریدون آمد و به او یاد داد چگونه می‌تواند ضحاک را در این شکست دهد. درنهایت فریدون با خداوند ضحاک را؛ و او را کرد.



مصرع: هر بیت از دو قسمت تشکیل شده است که به هر یک از آنها، یک «مصرع» می‌گویند.

بیت: به کمترین مقدار شعر که از دو مصرع تشکیل شده است، یک «بیت» می‌گویند.

قافیه: به کلمات آخر هر مصرع یا بیت که حروف آخر آن به هم شبیه باشند، «قافیه» می‌گویند.

ردیف: به کلمات آخر هر مصرع یا بیت که کاملاً یکسان باشند، «ردیف» می‌گویند.

گفتگو



■ شاعر مورد علاقه تو کیست؟

□ سعدی.

■ می‌توانی چند بیت شعر از سعدی برایم بخوانی؟

□ بله.

بنی آدم اعضای یک پیکرند

که در آفرینش ز یک گوهرند

چو عضوی به درد آورد روزگار

دگر عضوها را نماند قرار

تو کز محنت دیگران بی‌غمی

نشاید که نامت نهند آدمی

■ حالا این شعر یعنی چه؟

□ یعنی: انسان‌ها مثل اعضای بدن هستند. اگر

یک عضو از بدن درد بگیرد، همه بدن مریض و

بیمار می‌شود؛ پس کسی که از ناراحتی دیگران

ناراحت نمی‌شود، نمی‌توان او را انسان نامید.

■ احسنت! چقدر زیباست!

- در فراهان به دنیا آمد.
- در نیشابور متولد شد.
- در فلسفه و نجوم مشهور است.
- آرامگاه او در نیشابور است.
- آرامگاه او در همدان است.
- در تفرش به خاک سپرده شد.

- غیر از ادبیات در چه علمی تخصص داشت؟
- آرامگاه او کجاست؟
- در چه سالی از دنیا رفت؟
- نام کتاب‌های او چیست؟
- آیا فعالیت سیاسی داشت؟

- این شاعر در چه سالی به دنیا آمد؟
- در کدام شهر به دنیا آمد؟
- در چه علمی مشهور است؟
- موضوع اشعار او چیست؟

بحث آزاد



آیا می‌توانید بند زیر را بخوانید؟

«زبان فارسی کلمه طیبه‌ای است و اصل ثابتی دارد و انتظار می‌رود که روزبه‌روز پیشرفت کند و جهانیان

بتوانند از این زبان استفاده‌های فراوانی را به عمل آورند».

سخنان مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۳۷۴/۱۰/۱۶.



مدتی پیش تصمیم گرفتید زبان فارسی را یاد بگیرید و اگر معنای بند بالا را می‌دانید؛ پس زبان فارسی را یاد گرفته‌اید. حالا سؤالی که وجود دارد این است که تصمیم شما برای ادامه راه چیست؟ آیا می‌خواهید همچنان به یادگیری زبان فارسی ادامه دهید. آیا می‌خواهید یاد گرفتن زبان دیگری را شروع کنید؟ دوست دارید از زبان فارسی به چه نحوی استفاده کنید؟

به‌عنوان مترجم کتاب‌های ارزشمند زبان فارسی را ترجمه می‌کنم.

ما مسلمان‌ها برای تماشای تلویزیون همیشه مشکل داریم. تلویزیون ایران بهترین انتخاب برای ماست. از زبان فارسی برای تماشای برنامه‌های خوب تلویزیون ایران استفاده می‌کنم.

برای ادامه تحصیل به ایران می‌آیم.

از این زبان برای مطالعه و پژوهش استفاده می‌کنم.



به‌عنوان راهنمای تورهای مسافرتی به ایران، مشغول به کار می‌شوم.

در سفارت‌خانه‌ها و مراکز سیاسی مشغول به کار می‌شوم.

در رشته ادبیات و زبان فارسی ادامه تحصیل می‌دهم.

با شرکت‌های تجاری ایرانی برای صادرات، واردات و سرمایه‌گذاری همکاری می‌کنم.

زبان فارسی را به دیگران آموزش می‌دهم.

سایر فعالیت‌ها:

اگر بخواهید از میان گزینه‌های بالا سه تا را انتخاب کنید، انتخاب‌های شما به ترتیب کدامند؟





واژه‌ها

خواجه = انسان بزرگ	سوداگر = تاجر	دگان = مغازه	بقال = فروشنده، مغازه‌دار
ندامت = پشیمانی	ضرب = ضربه / زدن	گل = کچل، بی‌مو	بیم = ترس
خلق = مردم	قیاس = مقایسه	نطق = گفتار، کلام	درویش = فقیر
جولقی = کسی که لباس پشمی پوشیده (در این‌جا یعنی مرد فقیر)			صاحب دلِق = مرد فقیر

داستان طوطی و بقال



«دست من بشکسته بودی آن زمان
 که زدم من، بر سر آن خوش‌زبان»
 هدیه‌ها می‌داد هر **درویش** را
 تا بیاید **نطق** مرغ خویش را
 بعد سه روز و سه شب حیران و زار
 بر دکان بنشسته بد نومیدوار
جولقی‌ای سر برهنه می‌گذشت
 با سر بی‌مو چو پشت طاس و طشت
 آمد اندر گفت، طوطی آن زمان
 بانگ بر درویش زد چون عاقلان:
 «کز چه ای کل با کلان آمیختی؟
 تو مگر از شیشه روغن ریختی؟»
 از **قیاسش** خنده آمد **خلق** را
 کو چو خود پنداشت، **صاحب دلِق** را
 کار پاکان را قیاس از خود مگیر
 گر چه ماند در نبشتن «شیر و شیر»

بود بقالی و وی را طوطی‌ای
 خوش‌نوایی، سبز و گویا طوطی‌ای
 بر **دکان** بودی نگهبان دکان
 نکته‌گفتی با همه **سوداگران**
خواجه روزی سوی خانه رفته بود
 بر دکان، طوطی نگهبانی نمود
 گربه‌ای برجست ناگه بر دکان
 بهر موشی طوطیک از **بیم** جان
 جست از سوی دکان سوئی گریخت
 شیشه‌های روغن گل را بریخت
 از سوی خانه بیامد خواجه‌اش
 بر دکان بنشست فارغ، خواجه‌وش
 دید پرروغن دکان و جامه چرب
 بر سرش زد، گشت طوطی **گل** ز **ضرب**
 روزکی چندی سخن کوتاه کرد
 مرد بقال از **ندامت** آه کرد:



- با توجه به شعر داستان را مرتب کنید.
- صاحب مغازه طوطی را کتک زد.
- مردم از مقایسه طوطی خوششان آمد و به او خندیدند.
- طوطی کچل شد و دیگر حرف نزد.
- صاحب مغازه به خانه رفت.
- طوطی به مرد فقیر گفت: «چرا کچل شدی؟ تو هم ظرف روغن را ریختی؟»
- طوطی ظرف روغن گل را ریخت.
- گربه‌ای برای گرفتن موش وارد مغازه شد.
- مرد فقیر کچل وارد مغازه شد.



حرف اضافه مخصوص فعل



برخی از فعل‌های مرکب و ساده در زبان فارسی حرف اضافه مخصوص به خود را دارند.

در زیر فهرست برخی از افعال پرکاربردتر در زبان فارسی آمده است.

حرف اضافه	ساخت	مثال
از	۱. از پرسیدن	من معمولاً سؤالاتم را از معلم می‌پرسم.
	۲. از ترسیدن	او از گربه می‌ترسد.
	۳. از یادگرفتن	من از او چیزهای زیادی یاد گرفته‌ام.
	۴. از عصبانی / خوشحال و ... شدن	من از این کار تو خیلی عصبانی شدم.
به	۵. به گفتن	خواهرم تمام ماجرا را به دوستش گفت.
	۶. به اصابت کردن	چند ماه قبل تیر به قلب سعید اصابت کرد.
با	۷. با ازدواج کردن	من چند ماه پیش با همسرم ازدواج کردم.
	۸. با بازی کردن	برادرم در پارک با دوستانش بازی می‌کرد.
	۹. با صحبت کردن / حرف زدن	با دخترم خیلی درباره ازدواج صحبت کردم.
در	۱۰. در ماندن	من چند ماهی در شیراز ماندم.

تمرین 

الف) برخی از افعال در زبان فارسی با بیش از یک حرف اضافه به کار می‌روند که معانی آن با هم متفاوت است. با حرف اضافه‌های مختلف هر فعل یک جمله بسازید و به تفاوت معنای آن توجه کنید.

۱	رفتن	(از)	(به)
۲	پیاپی آمدن	(از)	(با)
۳	درس دادن	(در)	(به)
۴	بردن	(از)	(به)
۵	تلفن زدن	(از)	(به)
۶	درس خواندن	(با)	(در)

ب) متن درس را با دقت بخوانید و حروف اضافه مخصوص هر فعل در مشخص کنید.

درس را مطالعه کنید و خلاصه‌ای از آن بنویسید.

ضمیمه شنیدن

درس اول

۱

- سلام. بچه‌ها. صبح همگی بخیر. خوب هستید؟
- (همه‌ها بچه‌ها) سلام استاد صبح شما هم بخیر.
- ببخشید استاد من می‌تونم یک تقاضایی از شما بکنم؟
- بله. بفرمایید. در خدمتم.
- استاد لطف می‌کنید درس دیروز رو امروز دوباره یک توضیح مختصر بدید؟ من دیروز خوب متوجه نشدم.
- چشم دخترم حتماً تکرار می‌کنم.
- ممنون استاد. لطف می‌کنید.

۲

- سلام حسین. امشب قراره با سجاد و شهاب بریم استخر. تو هم می‌ای؟
- والا چی بگم! فردا امتحان دارم. اگر پیام مادرم ناراحت می‌شه! دوست ندارم مادرم رو ناراحت کنم. شرمنده. من نمی‌تونم پیام.
- ای بابا! اشکالی نداره ان شاءالله به وقت دیگه.

- خیلی شرمنده‌تون شدم. بازم عذر می‌خوام.
- این حرفا چیه؟ احترام مادر واجبیه. خوب، کاری نداری؟
- نه قربانت، خداحافظ.

۳

- چقدر در این قوطی سفته.
- بده من بازش کنم. بیا باز شد.
- وای ممنون دستت درد نکنه.

۴

- سلام خانم منشی. بچه‌ام خیلی حالش بده. مطب هم خیلی شلوغه. می‌شه من زودتر برم پیش آقای دکتر؟
- اگر بچه تون خیلی حالش بده اشکال نداره. مریض که از اتاق دکتر اومد بیرون، شما بروید.
- خیلی لطف کردید. متشکرم.

۵

- به‌به علی جون چطوری عزیزم.
- سلام مرسی خوبم تو چطوری خوبی؟
- قربونت
- والا یک خواهشی داشتم روم نمی‌شه بگم.
- این حرفا چیه؟ بگو داداش! در خدمتم.
- من دارم می‌رم تهران. می‌شه به روز ماشینت رو بهم قرض بدی؟
- چرا که نه. حتماً! بیا عزیز، اینم سوییچ.

• ممنون علی جون خیلی لطف کردی. ایشالا بتونم جبران کنم.

۶

- الو سلام آقا. یک ماشین می‌خواستم. خیلی عجله دارم.
- سلام. ببخشید الان ماشین ندارم. می‌تونید ۲۰ دقیقه صبر کنید؟
- نه خیلی عجله دارم. نمی‌تونم صبر کنم. درهرحال ممنون.
- خواهش می‌کنم. بازم ببخشید.

۷

- سلام اشکان جون. چطوری؟ خوبی؟
- سلام قربانت. تو خوبی؟
- ممنون. می‌گم امروز جلسه ساعت چند؟

۸

- فکر کنم ساعت ۲
- نمی‌شه یکم جلسه رو عقب‌تر بندازید من به مقدار کار دارم.
- باشه. بذار با بچه‌ها هماهنگ کنم اگر اونا مشکلی نداشتن، جلسه رو می‌ذاریم ساعت ۳.
- قربون دستت خیلی لطف می‌کنی.

۹

- سلام استاد جمالی. ببخشید یک سوال درسی داشتم. فرصت دارید الان ازتون بپرسم؟
- سلام. الان باید برم سر کلاس. فرصت ندارم؛ اما دو ساعت دیگه کلاس من تمام می‌شه. تماس بگیرید. هستم در خدمتتون.

- خیلی ممنون از شما، ببخشید وقتتون رو گرفتم. انشالله ساعت ۵ تماس می‌گیرم.

درس دوم

۱

- زهرا یکی از دوستای خوب منه. اون حافظ قرانه و خیلی دختر خوب و مذهبه. زهرا توی درس‌هاش خیلی موفقه و همیشه نمره‌های خوب می‌گیره. اون به اخلاق خوب دیگم داره. همیشه وسایلش رو می‌ذاره سر جای خودش. مثلاً کتاباش رو همیشه می‌ذاره توی قفسه کتابا، لباس‌هاش رو حتماً باید توی کمد آویزون کنه. اون به همه احترام می‌گذاره و خیلی مودبه.

- یک بار من مریض بودم. نمی‌تونستم برم کلاس. زهرا بعد از کلاس دانشگاه می‌ومد پیش من و تمام درس کلاس رو برام توضیح می‌داد. توی اون چند روز من تازه فهمیدم چرا زهرا همیشه شاگرد اوله. این دختر نابغه‌ست. مغزش مثل کامپیوتر کار

می‌کنه. از اون به بعد ما بیشتر وقت‌ها با هم درس می‌خوانیم. احساس می‌کنم وقتی با زهرا درس می‌خونم درس‌ها رو بهتر یاد می‌گیرم. آخه می‌دونید هرکجا رو که متوجه نمی‌شم خوب برام توضیح می‌ده. این دختر فرشته‌ست. من خیلی دوشش دارم.

۲

سعیده توی خوابگاه هم‌اتاقی منه. سعیده دختر خویبه‌ها... چطور بگم... یکنی لجباز است. وقتی می‌خواد به کاری رو انجام بده، هرچی بهش بگی باز کار خودش رو می‌کنه. اصلاً به نظرات دیگران اهمیت نمی‌ده. تازه اگر زیاد باهاش بحث کنی زود از کوره در می‌ره و عصبانی می‌شه. کلاً نمی‌شه زیاد باهاش بحث کرد.

مثلاً سعیده هر شب تا ساعت ۱ و ۲ شب درس می‌خونه. هرچی بهش می‌گیم، بابا، ما می‌خوایم بخوابی، صبح باید بریم دانشگاه، اون لامپ رو خاموش کن، چراغ مطالعه‌ات رو روشن کن! انگار نه انگار! بازم کار خودش رو می‌کنه.

اما گذشته از همه این حرف‌ها سعیده به اخلاق خیلی خیلی خوب داره. اون زیاد حرف می‌زنه؛ اما همیشه حقیقت را می‌گه. حداقل من تا حالا ندیدم به کسی دروغ بگه. به خاطر همین من او را خیلی دوست دارم و با او صمیمی هستم.

۳

اسم هم‌اتاقی من توی خوابگاه دانشگاه محمده. اون هرروز صبح خیلی زود از خواب بیدار می‌شه و برای ورزش کردن به پارک می‌ره. بعد چند تا نون تازه می‌خره و به خوابگاه می‌آد تا با هم صبحونه بخوریم. هیچ وقت پول نون‌ها رو از من نمی‌گیره. کلاً اینجوریه. خیلی دست‌ودل‌بازه. دوست داره برای دیگران خرید کنه یا دعوتشون کنه رستوران. بعضی وقت‌ها هم همه دوستاش رو دعوت می‌کنه اتاق ما و براشون آشپزی می‌کنه. آخه می‌دونید آشپزی محمد عالیه. به غذاهایی درست می‌کنه که انگشت‌هاش باهاش می‌خوری. خیلی خوش‌مزه‌اند.

محمد دوست‌های زیادی داره. دلیلش اینه که خیلی شوخه. همیشه داره جک می‌گه. چند روز پیش یک جک گفت که من به ربع می‌خندیدم. انقدر خندیدم که اشکم دراومد. بذارید الان جکش رو براتون می‌گم... چی بود جکش... یادم رفت... من خیلی کم حافظه‌ام ببخشید.

البته من با محمد خیلی صمیمی نیستم. می‌دونید محمد پسر خویبه‌ها... ولی... یکم دیگه بیش از اندازه خوبه. دوستاش هر شب میان اتاق ما و تا آخر شب می‌گن و می‌خندن. از وقتی با محمد هم‌اتاق شدم شب‌ها خوب نمی‌تونم بخوابم. فکر نکنم سال دیگه باهاش هم‌اتاق بشم.

۴

اسم هم‌اتاقی من توی خوابگاه گلنازه. البته ما گلی صداش می‌کنیم. اون خیلی مهربون و دلسوززه. همیشه نگران دوستاشه. من هر وقت مشکلی دارم می‌دونم که می‌تونم روی کمکش حساب کنم. من هر وقت پول نداشته باشم به گلی می‌گم. اون هم هر قدر که بتونه بهم کمک می‌کنه. بارها پیش اومده که پول نداشتم. وقتی به گلی گفتم هر قدر تونسته بهم قرض داده.

گلی هم خیلی منظمه، راستش رو بخواید اون منظم‌ترین آدمیه که من تو عمرم دیدم. برنامه روزانش کاملاً مشخصه. هرروز صبح بعد از نماز دیگه نمی‌خوابه و درس می‌خوانه. بعد صبحونه می‌خوره و بعدم می‌ره دانشگاه. بعد از ظهر که می‌آد خونه حدود یک ساعت با من حرف می‌زنه و دوباره می‌ره سراغ درس‌هاش. البته به خاطر همین هم هست که من خیلی باهاش صمیمی نیستم. می‌دونید، مثل ساعت زندگی کنم. برای همین هم‌اتاق شدن با گلی خیلی من رو اذیت می‌کنه.

درس سوم

۱

من توی یک خانواده هنرمند به دنیا آمدم. پدرم نقاش بزرگی بود و توی شهرمون همه اون رو می‌شناختند. مادرم هم استاد قالی‌بافی بود و کلی شاگرد داشت. من همیشه دوست داشتم نقاش معروفی بشم و تو شهرها و کشورهای مختلف نمایشگاه بزنم. برای همین بلافاصله بعد از دبیرستان توی کنکور هنر شرکت کردم و وارد دانشگاه شدم. درست همون روزهای اول ترم بود که متوجه شدم من خیلی به درد این رشته نمی‌خورم. هر چی تلاش می‌کردم به نتیجه نمی‌رسیدم. همه استادها از دستم عصبانی بودند و بچه‌ها مسخره‌ام می‌کردند. یک روز وقتی داشتم کار می‌کردم، یکی از بچه‌ها نقاشی‌م رو دید و با خنده گفت: «این نقاشیه یا پارچه پیراهنی. بده باهاش

یک پیراهن بدوزیم.» اینو گفت و با خنده رفت. این شوخی باعث شد تا یک فکر عالی به ذهنم برسه. با خودم گفتم من شاید نقاش خوبی نشم ولی پارچه و لباس که می‌تونم طراحی کنم. همون روز بابت این ایده با پدر و مادرم مشورت کردم. پدرم خیلی تشویقم کرد و یک مقدار پول به من داد تا بتونم یک کارگاه کوچیک بزنم. اوایلش خیلی خوب پیش نمی‌رفت. تا این‌که مدیریک شرکت بزرگ تولید لباس، طراحی‌های من رو دید و گفت می‌خواد با من همکاری کنه. الان چند سالی هست که به‌عنوان طراح پارچه کار می‌کنم و فروش لباس‌های شرکت ما سال‌به‌سال بیشتر می‌شه. البته من خیلی دوست ندارم که توی این شرکت بمونم و می‌خوام یک شرکت برای خودم داشته باشم. البته این کار پول زیادی می‌خواد و من همچنان مجبورم کار کنم و پول‌هام رو پس‌انداز کنم.

وقتی بچه بودم همیشه می‌خواستم دکتر بشوم. آخه می‌دونید من توی مدرسه همیشه شاگرداول بودم و هر وقت ۲۰ می‌گرفتم مادرم بهم می‌گفت: «دخترم آنقدر درس بخون تا وقتی بزرگ شدی دکتر بشی.» منم برای این‌که مادرم رو خوشحال کنم همه تلاشم رو می‌کردم تا برم دانشگاه و دکتر بشم. بعد از دبیرستان توی کنکور شرکت کردم و توی رشته پزشکی قبول شدم؛ اما این تازه اول مشکلاتم بود. شهریه دانشگاه خیلی زیاد بود و من مجبور بودم هم درس بخونم و هم توی یک رستوران کار کنم. راستش رو بخواید من وقتی خیلی کوچیک بودم پدرم رو از دست دادم. برای همین اگر من کار نمی‌کردم مادرم مجبور بود کار کنه و خرج دانشگاه من رو بده. کار توی رستوران خیلی سخت بود؛ اما آخر شب که کارم تموم می‌شد اصلاً احساس خستگی نمی‌کردم. مدیر رستوران خیلی آدم خوبی بود و کم‌کم به خاطر تلاش‌های زیادم به من اعتماد کرد و مدیریت آشپزخانه رستوران رو به من داد. از صبح تا شب توی رستوران بودم تا جایی که ترم اول تو تمام درس‌های دانشگاه مردود شدم. همه درس‌هام رو! وقتی مادرم فهمید، خیلی عصبانی شد. گفت «دختر تو مگه نمی‌خواستی دکتر بشی؟» منم یکم فکر کردم و گفتم نه! دوست دارم رستوران داشته باشم. آره! به همین سادگی.

ترم بعد از دانشگاه انصراف دادم و با یک مقدار پس‌اندازی که داشتم به کمک مادرم یک رستوران کوچیک زدیم. الان اون رستوران کوچیک به پنج‌تا رستوران بزرگ توی تهران رسیده. البته من نمی‌خوام فقط توی تهران کار کنم و می‌خوام کارم رو توسعه بدم. حتی

دوست دارم توی چندتا از کشورهای عربی هم شعبه داشته باشیم.

۳

کلاً معلم‌ها آدمای دوست‌داشتنی هستن واسه همین من از بچگی همیشه دوست داشتم معلم بشم. مخصوصاً معلم ریاضی، آخه من ریاضیم هم خیلی خوب بود. بعد از دانشگاه به یه مدرسه راهنمایی رفتم تا اونجا درس بدم. توی اون مدرسه یک معلم هنر خیلی مهربون بود به اسم ثریا. من و ثریا یواش یواش با هم دوست شدیم. با هم رستوران می‌رفتیم. اون خونه ما می‌اومد، من خونه اونها می‌رفتم. ثریا معلم خیلی خوبی هم بود، بچه‌ها عاشقش بودند. یک روز بهش گفتم دوست دارم فردا پیام تو کلاست تا ببینم چکار می‌کنی که بچه‌ها اینقدر دوست دارند. اونم قبول کرد. فردای اون روز به کلاسش رفتم. کلاسش خیلی جالب بود. اول کلاس، بچه‌ها سطل زباله رو خالی کردند و بعد با آشغال‌های توی سطل کاردستی درست کردند. من از این کار خوشم اومد. اینقدر خوشم اومد که خودم یک بطری برداشتم و باهاش گلدون درست کردم. ثریا از گلدونم خیلی خوشش اومد و کلی تشویقم کرد. از اون روز به بعد هر وقت به خونه ما می‌اومد باهم کاردستی درست می‌کردیم. بعضی از کاردستی‌ها اینقدر قشنگ می‌شد که دوستانمون اونها رو از من می‌خریدند. از این ماجرا چند سالی می‌گذره و من الان در همون مدرسه هم ریاضی درس می‌دم و هم هنر. من و دوستم می‌خوایم یک مغازه کوچیک صنایع دستی باز کنیم و کاردستی‌هامون رو بفروشیم ولی الان چون معلم هستیم وقت این کار رو نداریم. دوستم می‌گه بعد از این‌که بازنشسته شدیم حتماً این کار رو می‌کنیم.

درس چهارم

۱

سلام نرگس جون. امسال عید رفتیم مشهد وای چقد کیف داشت.
 ○ با چی رفتید؟
 ○ با هواپیما.
 ○ واقعا؟ ما امسال با ماشین خودمون رفتیم اهواز.
 ○ چطور بود؟ راحت رفتین؟
 ○ نه بابا چه راحتی، همش توی جاده بودیم، خیلی خسته شدیم، اگه با قطار یا هواپیما می‌رفتیم خیلی بهتر بود.

۲

○ چطوری امین؟ عید مسافرت رفتید؟
 ○ خوبم ممنون. آره رفتیم، ولی کاش نرفته بودیم.
 ○ چرا مگه چی شده؟
 ○ دزد اومد خونمون. به خرده پول داشتیم دزدید

○ ای‌وای. چرا آخه پول را خونه گذاشتی؟
 ○ اره باید می‌داشتیم بانک. خیلی پشیمونم.
 ○ فدای سرت دیگه گذاشته. ناراحت نباش

۳

○ تعطیلات چطور بود؟
 ○ خیلی خوب بود عالی بود. چند روز با بچه‌ها رفتیم مسافرت و خیلی خوش گذروندیم.
 ○ کجا رفتین؟
 ○ جات خالی رفتیم اردبیل. هوا عالی بود. رفتیم کوه سلان چند کیلو عسل خریدم.
 ○ پس انگار همه چیز خوب بوده.
 ○ آره همه چیز خوب بود ولی من بازم پرخوری کردم. کلی کباب و آجیل و شیرینی خوردم. توی این دو هفته چند کیلو چاق شدم.
 ○ پس باید دوباره رژیم بگیری.
 ○ آره! البته دیگه پرخوری نمی‌کنم. این آخرین باره که رژیم می‌گیرم.

۴

○ سلام. سال نو مبارک.
 ○ سلام. سال نو شمام مبارک. ان‌شاءالله سال خوبی داشته باشی.
 ○ همچنین، از عید چه خبر؟ مسافرت جایی رفتید؟
 ○ آره جات خالی چند روز رفتیم شیراز
 ○ به سلامتی. چطور بود؟ کجاها رفتید؟
 ○ روز اول رفتیم توی شیراز گردش کردیم. رفتیم باغ ارم، حافظیه، مقبره سعدی. روز دوم رفتیم سوغاتی خریدیم. در جمع خوش گذشت. بد نبود.
 ○ تخت جمشید هم رفتید؟
 ○ باید می‌رفتیم؛ اما فرصت نشد.
 ○ یعنی شما این‌همه راه تا شیراز رفتین؛ اما تخت جمشید نرفتین؟
 ○ نه دیگه وقت نشد. دو روز بیشتر هتل رزرو نکرده بودیم. فکر می‌کردم توی دو روز همه شیراز رو می‌شه گشت. دفه بعدی حتما چند روز بیشتر هتل رزرو می‌کنم.

۵

○ سلام مریم جان. خوبی؟ شنیدم امسال عید رفته بودی چین. درسته؟
 ○ حتما حسایی خوش گذشته.
 ○ اره سارا جون جای شما خالی، خیلی خوش گذشت. هم هتلمون خوب بود، هم چین جاهای دیدنی زیاد داره. فقط یکم برای غذا اذیت شدیم. وگرنه همه چیز عالی بود.
 ○ اونجا غذای حلال هم خیلی کمه، هم خیلی گرونه. خیلی پول برای غذا دادیم.
 ○ دفه بعدی حتما چند تا کنسرو با خودمون می‌بریم.

۶

○ به‌به آقا سعید. چطوری؟ تعطیلات خوش گذشت؟
 ○ ممنون. راستشو بخوای خیلی خوش

نگذشت.

○ چطور مگه. مشکلی پیش اومده؟
 ○ روز سوم عید با خانومم تصمیم گرفتیم بریم شیراز. چون بلیت هواپیما گرون نبود ما ماشین خودمون رفتیم. بعد از چند ساعت رانندگی من پشت فرمون خواهم برد، متأسفانه تصادف بدی کردیم.
 ○ ای‌وای. خودتون که چیزیتون نشد؟
 ○ من چیزیم نشد اما پای خانومم شکست. تمام تعطیلات توی بیمارستان بودیم.
 ○ ای‌بابا! صدارب بهت گفتم وقتی خوابت گرفت پشت فرمون رانندگی نکن.
 ○ اره نباید رانندگی می‌کردم. باید احتیاط می‌کردم.

درس پنجم

۱

○ خانوم شلوار من کجاست؟
 ○ امروز صبح شستمش. چطور مگه؟
 ○ قبل این‌که بشوریش توی جیبامو نگاه کردی؟ یه فلش مشکلی توی جیبم بود. اونو کجا گذاشتی؟
 ○ وای یادم رفت جیباتو خالی کنم. چیز مهمی توی فلش بود؟
 ○ تکالیف دانشگاهم همه توی فلش بود. باید امروز برای استاد ایمیل می‌کردم.
 ○ مطمئنی توی جیب شلوارت بوده؟
 ○ مطمئن نیستم. خدا کنه فلشمو توی ماشین لباسشویی ننداخته باشی. اگر امروز تکالیفم رو نفرستم استاد پوستم رو می‌کنه.

۲

○ سلام نازنین جون. چرا این قدر پکری؟
 ○ سلام. صبح امتحان ریاضی داشتم، خیلی خراب کردم.
 ○ مگه امتحانش خیلی سخت بود؟
 ○ نه خیلی سخت نبود ولی من هیچی نتونستم درس بخونم.
 ○ چطور مگه؟
 ○ دیروز بعد از ظهر تولد دوستم بود.

○ خوب!

○ ساعت ۱۰ صبح از خواب بیدار شدم و رفتم بازار تا هم یه هدیه برای دوستم بخرم هم یه پیرهن خوشگل برای خودم. ظهر که اومدم خونه خیلی خسته بودم، یکم خوابیدم. بعد که بیدار شدم دیدم ساعت هفته، باید برم مهمونی. با خودم گفتم: «بعد مهمونی تا صبح درس می‌خونم»؛ اما وقتی رسیدم خونه خیلی خسته بودم، خواهم برد. هیچی درس نخوندم. خدا کنه امتحانمو قبول شم.
 ○ خدا کنه؛ اما نازنین خیلی می‌خوابی.

۳

○ الو سلام مریم جان خوبی؟ کجایی؟
 ○ چند بار زنگ زدم خونه، تلفن رو جواب ندادی. خونه نیستی؟
 ○ سلام. نه! ما بیمارستانیم.

• بیمارستان؟ خدا بد نده! چی شده مگه؟
• پدرم دوباره قلبش درد گرفته، آوردمش بیمارستان.
• نگران نباش ان شاءالله چیز مهمی نیست.

• خدا کنه بستریش نکنند. بابا از بیمارستان خوشش نمیداد.
• نگران نباش. اتفاقی نمیفته.

۴

• مجید! مجید! مجید! پاشو چقد می خوابی! لنگ ظهره!
• بابا چی میگی؟ بذار بخواهیم!
• تو مگه صبح کلاس نداری؟
• امروز سه شنبه است. کلاس ساعت ۱۰:۰۰.

• ساعت الان ۹:۳۰. نیم ساعت دیگه کلاست شروع می شه.
• چی! ساعت ۹:۳۰. وای! دیرم شد.
• چی شد خواب موندی؟ دیشب مگه نخوابیدی؟

• نه امروز امتحان دارم. دیشب تا نزدیک های صبح درس می خوندم.
• تا ساعت ۱۰ به دانشگاه می رسی؟
• نمی دونم. اگر ترافیک باشه نه. خدا کنه ترافیک نباشه، به موقع برسیم دانشگاه.
• ساعت ۱۰ امتحان دارم. استادمون خیلی سختگیره. اگر دیر برسیم اجازه نمی ده امتحان بدم.

۵

• اه! چرا ماشین خاموش شد؟ نکنه دوباره خراب شده؟
• نمی دونم چی شد؟ دو روز پیش خراب شده بود بردمش تعمیرگاه.
• نمی دونم چرا باز خراب شد.

• نکنه بنزین تموم کرده.
• ای داد! راست می گی. بنزین تموم کرده. این نزدیکی ها هم پمپ بنزین نیست.

• حالا چکار کنیم؟ چند ساعت دیگه هواپیما پرواز می کنه.
• غصه نخور. الان زنگ می زنه به دوستم تا براون بنزین بیاره.
• خدا کنه پروازمون تاخیر داشته باشه.
• نگران نباش. هنوز خیلی وقت داریم. دیر نمی رسیم.

۶

• وای! سعید بیا.
• چی شده!
• هیس! یواش. بیا!
• چی شده؟
• این پروانه رو ببین. ببین چقدر قشنگه!
• وای! چقدر خوشگله. دوربینت رو بده ازش یک عکس بگیرم.
• بیا بگیرش! فقط یواش عکس بگیر، پرواز نکنه.
• ای بابا. این دوربین که شارژ نداره. باتریش تموم شده.
• حالا چکار کنیم؟ وسط بیابون از کجا

باتری پیدا کنیم؟
• فکر کنم یک باتری اضافه توی کیفم باشه. نگاه کن ببین هست یا نه!

درس ششم

۱

• سلام خسته نباشین
• سلام خیلی ممنون. بفرمایین
• می خواستم این قبضا رو پرداخت کنم.
• قبضاتون رو لطف کنید؟

• بفرمایید.
• میشه ۵۳ هزار تومن.
• خدمت شما. در ضمن می خواستم قسط وام رو هم بدم.
• دفترچه قسطتونو می دین؟
• بفرمایین. خیلی متشکرم.
• خواهش می کنم؛ اما برای این کارها لزومی نداره بیایین بانک. شما می تونید با دستگاه خودپرداز همه این کارها رو انجام بدین.

۲

• سلام صبح بخیر
• سلام صبح شما هم بخیر
• بیخشید من می خواستم یک مشورتی با شما بکنم، می تونم چند دقیقه وقت شما را بگیرم؟
• بفرمائید، در خدمتم.

• راستش من به مقدار وام می خوام. بانک شما چه نوع وام هایی داره؟
• ما وام های مختلفی داریم شما در ماه چقدر می تونید قسط بدید؟

• من راننده اتوبوسم. فعلاً ۴۰ میلیون پول دارم و می خوام ۴۰ میلیون هم وام بگیرم تا چند ماه دیگه به اتوبوسم بخرم و باهاش کارکنم؛ بنابراین وامی که قسط های ماهیانش کم باشه و من بتونم اونها را پرداخت کنم بهتره

• خب عزیزم شما می تونید با این ۴۰ میلیونی که دارید یک حساب قرض الحسنه باز کنید، بانک شش ماه بعد به اندازه همین ۴۰ میلیون بتهون وام می ده. سود این وام ۴ درصده و اقساط ماهیانش زیاد نیست.

• این خیلی خوبه الان می تونم حسابو بازکنم؟
• بله اگه مدارکتون همراهتونه همین الان براتون ترتیبش رو می دم. ۴۰ میلیون رو

همین الان به حساب واریز می کنید؟
• بله. پول توی عابریانکمه. همین الان پولو واریز می کنم.

۳

• خسته نباشید قربان. می خواستم یک میلیون تومان دلار بخرم.
• حتماً. این فرم رو لطفاً پر کنید.
• ممنون.
• بیخشید. من همراه می بینم شما چند بار به بانک ما می آید و پولتون رو به دلار تبدیل می کنید. می شه بیرسم چرا؟
• راستش من تاجریم و به خارج از ایران

زیاد سفر می کنم، به خاطر همین مجبورم چندین بار در ماه برای تبدیل ریال به دلار بیام این جا.

• خوب چرا یک حساب پس انداز ارزی باز نمی کنید؟

• حساب پس انداز ارزی چیه؟
• با این حساب شما می تونید قبل از سفر، به مقدار پول به این حساب واریز کنید و بعد، زمانی که به کشور دیگه سفر کردید از بانک های اون کشور پول رو برداشت کنید

• می شه بیشتر توضیح بدین؟
• ببینید، شما هر مقدار توی این حساب پول واریز کنید، از بانک های خارج از ایران می تونید همین پولو به واحد پول همون کشور برداشت کنید.

• این حساب خیلی به درد من می خوره. چطور می تونم به حساب ارزی بازکنم؟
• اگه مدارکتونو بیارین، همین امروز براتون باز می کنم.

• این حساب کارت عابر بانک هم داره؟
• بله. ولی فقط می تونید باهاش خرید کنید. نمی تونید با این کارت از دستگاه خودپرداز پول بگیرید. برای پول گرفتن حتماً باید برید بانک.

• پس کارت عابر بانکشو هم می خوام.
• حساب اینترنتی رو هم می خواین براتون فعال کنم؟

• نه. فقط همون کارت عابر بانکشو بهم بدین.

۴

• بیخشید آقا من کارت عابریانکمو گم کردم. الان باید چکار کنم؟
• شناسنامتون همراهتون هست؟
• نه همراهم نیست.

• بیخشید شرمندم. بی کارت شناسایی نمی تونم کارتتونو بسوزونم.
• گواهینامه رانندگی همراهم هست. با گواهینامه می شه؟

• آره آره. چرا که نه. گواهینامتونو لطف کنید؟
• بفرمایید.

• خوب ممنون. این جا رو هم امضا کنید.
• این جا رو؟ بفرمایید.

• الان اون کارتتون که گم شده رو می سوزونم. می خواین براتون درخواستی که کارت جدید بدم؟
• بله ممنون.

• پس این فرم رو هم پر کنید تا براتون درخواستی که کارت جدید بدم.
• می خواین حساب اینترنتی رو فعال کنم؟

• حساب اینترنتی؟
• بله. با این حساب می تونید از طریق اینترنت هم موجودیتونو چک کنید، پول به حساب بریزید و کلی کارهای دیگه.

• می تونم باهاش قسط پرداخت کنم؟
• هم می تونید قسطتونو پرداخت کنید و هم قبض آب و برق و گاز رو بدین.
• پس حساب اینترنتی اش رو هم برام

فعال کنید.

درس هفتم

• سلام. یک بار دیگه با برنامه «اقتصاد امروز» در خدمت شما هستیم. موضوع برنامه امروز ما اقتصاد اسلامیه. به همین خاطر از حجه الاسلام و المسلمین مهدوی دعوت کردیم تا درباره اقتصاد در اسلام باهم گفتگو کنیم. آقای مهدوی سلام علیکم.

• بنده هم خدمت شما و همه شنوندگان این برنامه سلام عرض می کنم و امیدوارم بحث امروز ما بحث مفیدی باشه.

• جناب آقای مهدوی برای اولین سوال می شه درباره اقتصاد اسلامی قدری توضیح بدین؟ آیا اسلام درباره اقتصاد صحبت کرده؟

• بله. همان طور که می دونید ما اعتقاد داریم دین اسلام برای همه بخش های زندگی انسان برنامه داره. از اونجایی که اقتصاد یکی از مهم ترین بخش های زندگی ماست پس اسلام حتماً برای اون هم برنامه داره. به برنامه های اسلام درباره اقتصاد اصطلاحاً می گن «اقتصاد اسلامی».

• خوب حالا هدف اقتصاد اسلامی چیه؟

• مهم ترین هدف اقتصاد اسلامی از بین بردن اختلاف طبقاتیه.

• اختلاف طبقاتی؟ می شه بیشتر توضیح بدین؟

• اختلاف طبقاتی یعنی افراد ثروتمند در جامعه خیلی ثروتمند باشند و افراد فقیر خیلی فقیر. مثلاً همین الان در بسیاری از شهرهای بزرگ دنیا بعضی از افراد چندین خونه، باغ، ماشین و چیزهای دیگه دارند. بعضی ها حتی برای خودشون هواپیمای شخصی دارند. درحالی که درست در همون شهر افرادی زندگی می کنند که حتی به شام شیشون هم محتاج اند. هدف اقتصاد اسلامی اینه که این اختلاف طبقاتی رو از بین بیره.

• یعنی اسلام اجازه نمی ده تا کسی زیاد ثروتمند بشه. درسته؟

• نه نه نه! اشتباه نکنید. اسلام به هیچ وجه با ثروت مخالف نیست. اتفاقاً ثروت در اسلام بسیار چیز خوبیه. مثلاً امام صادق (ع) تجارت می کردند. ایشان به دوستانشون هم سفارش می کردند تجارت کنند و پول حلال به دست بیارند. اون چیزی که اسلام باهاش مخالفه فقره و همیشه تلاش می کنه تا فقر رو از بین بیره.

• خوب اقتصاد اسلامی برای از بین بردن فقر چه برنامه ای داره؟

• برنامه های اسلام برای از بین بردن فقر بسیار زیاده؛ مثلاً صدقه. در قرآن و احادیث بارها به ثروتمندان گفته شده که آن ها باید بخشی از ثروتشون رو به فقرا

بدهند؛ و ثروتمندی که به فقرا کمک نکند مسلمان نیست. به جز صدقه، اسلام به ثروتمندان گفته که به فقرا قرض الحسنه بدهند.

○ قرض الحسنه چیه؟

قرض الحسنه یعنی قرض بدون سود. بگذارید براتون یک مثال بزنم. مثلاً من به صد هزار تومان پول احتیاج دارم. شما صد هزار تومان به من پول می‌دی و من چند ماه بعد، این صد هزار تومان رو به شما پس می‌دم. نه هزار تومان کمتر و نه هزار تومان بیشتر. به این می‌گن قرض الحسنه؛ اما در اقتصاد غیر اسلامی وقتی شما به من یک مقدار پول قرض می‌دی، می‌تونی ازم سود بگیری. این سود رو در اسلام بهش می‌گن ربا.

○ می‌شه یک مثال بزنی؟
○ بله. همون مثال صد هزار تومان رو یادتون هست؟ فرض کنید شما به من صد هزار تومان قرض می‌دی؛ اما به من می‌گی: شما باید صدویست هزار تومان به من برگردونی. این بیست هزار تومان می‌شه ربا.

○ پس من وقتی صد هزار تومان به شما قرض می‌دم، اگر صد هزار تومان پس بگیرم می‌شه قرض الحسنه؛ اما اگر صدویست هزار تومان، اون بیست هزار تومان اضافه می‌شه ربا. درسته؟

○ احسنت. حالا جالبه بدانید در اسلام ثواب قرض الحسنه خیلی زیاده. حتی از صدقه هم بیشتره؛ یعنی از مسلمان‌ها خواسته‌اند تا پولی رو که به فقرا می‌دهند چند ماه بعد از آن‌ها پس بگیرند تا اون‌ها تبدیل نشن، کار کنند و پول به دست بیارند. صدقه برای کسانی که نمی‌تونن کار کنند. اگر کسی می‌تونه کار کنه باید به اون قرض الحسنه داد نه صدقه.

○ چه جالب. حالا یک مسلمون در ماه چقدر باید صدقه بده؟

○ ببینید صدقه و قرض الحسنه مثل خمس نیست. برای اون‌ها اندازه و مقداری مشخص نشده. هر کس هر قدر دوست داره می‌تونه صدقه و قرض الحسنه بده. هر چقدر بیشتر، بهتر.

○ ببخشید. گفتید خمس؟ می‌شه یک مقدار هم درباره خمس توضیح بدید؟
○ بله. خمس یک فاکتور بسیار مهم در اقتصاد اسلامی و برای همه است. همه مسلمون‌ها باید خمس بدن. حالا خمس چیه؟ خمس یک واژه عربیه به معنی «یک پنجم»؛ اما در اقتصاد اسلامی خمس یعنی یک پنجم از ثروتی که شما بهش احتیاج ندارید.

○ ببخشید من متوجه نشدم. می‌شه بیشتر توضیح بدید؟

○ بذارید به مثال بزنم؛ مثلاً شما دو تا خونه دارید. در یکی از این دو خونه زندگی می‌کنید؛ اما به اون خونه دوم احتیاجی ندارید و این خونه خالیه. برای همین باید

یک پنجم از قیمت خونه‌ای رو که بهش احتیاج ندارید به حاکم کشور اسلامی بدید تا او تصمیم بگیره که اون رو چطور خرج کنه.

○ آهان الان متوجه شدم.

○ همونطور که می‌بینید هدف اقتصاد اسلامی اینه که به فقرا کمک کنه و تا حد امکان اختلاف طبقاتی رو در جامعه از بین بیره....

درس هشتم

○ خوب نظرت چیه؟ خوب بود؟

– والا محله‌اش که خیلی محله خوبییه. توی مرکز شهره. یکمی صدای ماشین‌ها و ترافیک اذیت می‌کنه؛ اما خوبیش اینه که به مدرسه بچه‌ها نزدیکه.

– همه چیز نزدیکه. سوپرمارکت، نونوایی، پارک، همه چی.

○ آره.

○ نظرت راجع به خود خونه چیه؟

○ آشپزخونه‌اش تقریباً بزرگ بود؛ اما از رنگ کابینت‌هاش خوشم نیومد.

○ اون که مهم نیست. می‌تونیم کابینت‌ها شو رنگ کنیم. به نظرم قهوه‌ای خوبه. خودم رنگشون می‌کنم. اتاق خواب‌هاش چطور بودن؟

○ اتاق خواب‌هاش خوب بود؛ اما پذیرایش یکم کوچیک بود.

○ درسته، پذیرایش یکم کوچیک بود؛ اما نور خوبی داشت. تو پذیرایش هم به نورگیر بزرگ داشت هم به تراس.

○ آره راست می‌گی. من خیلی از خونه خوشم اومد. به نظرم اجاره‌اش کنیم. آره خونه خوبییه. خصوصاً این‌که محله خوبی داره، ولی اجاره و پول پیشش خیلی زیاده.

○ نگران نباش. خدا بزرگه. بیا اجاره‌اش کنیم.

○ خب، نظرتون چیه؟ راضی هستین؟

– نمی‌دونم.

– همونطور که گفتید یک خونه‌ای رو براتون پیدا کردم که نوساز باشه.

– آره از این نظر خوبه، فقط... این مستأجر قبلی دیوارها رو داغون کرده، بچه‌شون همه جای دیوار رو با مازیک نقاشی کرده. باید همه دیوارها دوباره رنگ بشه.

○ نه! نگران نباشید رنگ دیوارها قابل شستشوه. قبل از این‌که شما تشریف بیارید، صاحب خونه همه دیوارها رو می‌شوره. شما نگران رنگ نباشید.

○ چقدر آشپزخونه کوچیکه. نورش هم خیلی کمه. چرا نورگیر نداره؟

○ خوب شما دوست داشتید آپارتمان‌تون طبقه اول باشه. معمولاً نور آپارتمان‌های طبقه اول کمتر از بقیه طبقه‌هاست.

○ آخه من با مادرم زندگی می‌کنم. مادرم از آسانسور خوشش نمیداد. از پله

هم خیلی نمی‌تونه بالا و پایین بره. برای همین ترجیح می‌دم آپارتمان طبقه اول اجاره کنم.

○ پس مجبورید با نور کم آشپزخونه بسازید. البته می‌تونید به صاحب خونه بگید تا براتون چندتا لامپ بیشتر توی آشپزخونه بذاره.

○ این طوری باید هرماه کلی پول قبض برق بدیم. (با خنده) (بنگاهی هم می‌خندد)

○ راستی داشت یادم می‌رفت. کنتور آب و برق خونه‌های این طبقه مشترکه.

○ منظورتون چیه؟ کل طبقه یک کنتور آب و برق داره. آخرماه هرچقدر پول برق بیاد بین همه خونه‌های طبقه به صورت مساوی تقسیم می‌شه.

○ خوب شاید یک خونواده بیشتر آب مصرف کنه و یک خونواده کمتر. چرا باید مساوی تقسیم بشه.

○ نگران نباشید. این جا همه کم آب مصرف می‌کنند.

○ اجاره این جا چقدره؟

○ خیلی ارزونه. ۲ میلیون تومان پول پیش، ماهی ۲۰۰ هزار تومان اجاره.

○ جدی؟ چقدر ارزون. البته خونه خیلی خوبی هم نیست. هم کوچیکه و هم نورش کافی نیست. باید هم اجاره‌اش پایین باشه.

○ اشکالی نداره. اگر از خونه خوشتون نیومده می‌تونم جاهای بیشتری رو بهتون نشون بدم.

○ باشه بریم شاید به جای بهتر پیدا کنیم.

۳

○ جای خونه خیلی خوبه. اصلاً شلوغ نیست و از خیابون دوره. سروصدای ماشین‌ها هیچ اذیتتون نمی‌کنه.

○ البته یکم به مرکز خرید دوره. آره. این مشکل رو داره؛ اما اگر ماشین داشته باشید خیلی اذیت نمی‌شید.

– همین طوره. من ماشین دارم. خیلی مشکلی با این موضوع ندارم.

– البته، به فروشگاه کوچیک، خیابون پشتی هست. از اونجا هم می‌تونید خرید کنید.

○ آه؟! چقدر خوب. حالا تشریف بیارید داخل خونه رو ببینید. بفرمائید. بفرمائید داخل.

○ ممنون. چند خوابه‌اس؟

○ سه خوابه. خونه تمیز و قشنگیه.

○ بفرمائید اتاق خواب‌ها رو ببینید.

○ اتاق خواب‌هاش کوچیکه ولی پذیرایش بزرگه. آشپزخونه‌اش چطوره؟
○ آشپزخونه‌اش هم مثل پذیرایش بزرگه. تشریف بیارید ببینید.

○ بالکن نداره؟

○ نه.

○ نورگیر چطوره؟

○ نه نورگیر هم نداره ولی چون پنجره زیاد داره نور خونه خیلی خوبه.

○ ببینید حیاط رو ببینید. حیاط بزرگ و خوبی داره.

○ بله خیلی باصفا است. چقدر باغچه داره.

○ بله سرویس بهداشتی هم توی حیاط هست و هم توی خونه. این اتاقک کنار دستشویی انباره. انبارش بزرگ و جاداره.

○ می‌شه داخل انباری رو ببینم.

○ بفرمائید. بذارید در رو براتون بازکنم. ببینید به انباری بزرگ و مرتب.

○ چقدر خوبه.

○ خوب نظرتون چیه؟

○ اجاره‌اش چقدره؟

○ ۱۵ میلیون پول پیش ماهی ۴۰۰ هزارتومن.

○ ۱۵ میلیون تومن پول پیش؟! خیلی گرونه!

○ خوب خونه بزرگیه. اجاره‌اش هم بالا است.

○ من تا حدود ۱۰ میلیون تومن پول پیش می‌تونم بدم.

○ فکر نمی‌کنم صاحب خونه قبول کنه.

○ باشه، پس بریم یک جای دیگه رو ببینیم. این مبلغ برای پول پیش خیلی زیاده.

۴

○ خونه نوساز و قشنگیه.

– بله. چه آشپزخونه‌ای داره! کابینت‌هاش خیلی خوشرنگن. البته من از راه‌روش خوشم نیومد. خیلی کوچیک و کم نوره.

○ می‌خواید پذیرایی رو ببینید؟

○ بله. پذیرایش خیلی کوچیکه.

○ آره. یکم پذیرایش کوچیکه اما اتاق خواب‌های بزرگی داره.

○ چند تا اتاق خواب داره؟

○ ۲ تا.

– آره! اتاق خواب‌هاش خیلی تروتمیز و جاداره. حیاط خوبی هم داره، فقط کاش توی حیاطش به باغچه هم داشت.

حیاط بدون باغچه به درد نمی‌خوره.

○ خوب نظرتون چیه؟

○ یک مقدار اجاره‌اش گرونه.

○ ارزشش رو داره. خونه خیلی بزرگیه. محله خیلی خوبی هم داره. درست توی مرکز شهره. هر کجا بخواید برید پیاده می‌تونید برید. پارک، رستوران، مدرسه، مرکز خرید. همه چیز نزدیکتونه.

○ راستش فقط اجاره‌اش نیست. خونه باید رنگ بشه من رنگ پذیرایی رو دوست ندارم. از این گذشته پذیرایی خیلی کوچیکی داره. من کلی وسایل و مبل و صندلی دارم. باید چکارشون کنم؟

○ این خونه یک انباری خیلی بزرگ داره. هر چی وسایل اضافه دارید می‌تونید بذارید توی انباری.

○ ای بابا! من کلی پول مبل و صندلی دادم، حالا بذارمشون توی انباری؟ (با خنده)

○ راست می‌گید. حق با شماست. خوب

(چند روز پیش رفته بودم بازار خرید. وقتی اومدم خونه دیدم از مدرسه بسرم تماس گرفتن. ولی من چون خونه نبودم روی پیامگیر تلفن برام پیام گذاشته بودند. مدیر مدرسه توی پیام گفته بود که من سریع برم مدرسه. خیلی نگران شدم آخه بسرم مرخص بود و تازه از بیمارستان مرخص شده بود. با خودم گفتم نکته توی مدرسه اتفاقی براش افتاده باشه. لباس هام رو باعجله پوشیدم و رفتم مدرسه. توی راه خیلی فکر کردم. گفتم شاید دیشب تکالیفشو کامل ننوشته و معلمش تنبیهش کرده باشه. شاید نمره امتحانشو خوب نگرفته و معلمش می خواد درباره درسش باهام صحبت کنه.)

... وقتی رسیدم مدرسه دیدم بسرم توی دفتر مدرسه نشسته. وقتی دیدم حالش خوبه خیلی خوشحال شدم. نزدیک تر که رفتم دیدم دوستش هم کنارش نشسته و داره از دماغش خون میاد. لباس هاش هم پاره شده. تازه اونجا بود که فهمیدم بسرم چه دستگلی به آب داده! بسرم باز توی مدرسه دعواش شده بود و با هم کلاسیش دعوا کرده بود.

(هفته پیش مادرم چند روزی مرخص بود. برای همین من صبح ها می رفتم خونه اش تا هم ازش مراقبت کنم و هم توی کارهای خونه بهش کمک کنم. خونه ما خیلی به خونه مادرم نزدیکه. به جورایی با هم همسایه ایم. یک شب وقتی کارهای خونه تموم شده بود و داشتم آرام آرام می شدم که برم خونه خودم یک دفعه یکی از همسایه ها زنگ زد و گفت: داره از خونتون سروصدا میاد. انگار یه چیزی هم شکست. زودتر بیا خونه. باعجله اومدم خونه. وقتی رسیدیم. ترسیدم برم تو. یکهو به ذهنم خورد که چرا به پلیس زنگ نمی زنی؟ تلفنم رو برداشتم و به پلیس زنگ زدم. چند دقیقه بعد پلیس اومد. در خونه هنوز قفل بود. مامور پلیس کلید رو از من گرفت و در رو باز کرد. داخل که رفتم خونه به هم ریخته بود. گلدون روی میز هم شکسته بود.)

... من باعجله به سمت کشوی اتاقم رفتم، چون همیشه پس اندازم رو توی اونجا نگه می داشتم؛ اما تا در اتاق رو باز کردم، یکهو یه گریه سیاه از توی اتاق پرید بیرون و از پنجره اتاق فرار کرد.

(دیروز سرکار بودم که خانمم با گریه بهم زنگ زد و گفت: «سریع خودتو برسون خونه.» هر چی گفتم چی شده جواب نداد. گفت: «فقط خیلی سریع خودتو

برسون.» باعجله در مغازه رو بستم و دویدم سمت خونه. آخه می دونید خونه ما از مغازه خیلی دور نیست برای همین من همیشه پیاده می رم خونه. کل مسیر رو دویدم. همش با خودم فکر می کردم چی شده. گفتم شاید بازم حال مادر خانمم بد شده باشه. آخه مادر خانمم ناراحتی قلبی داره. وقتی رسیدم خونه هر چی زنگ زدم کسی درو باز نکرد. گفتم شاید خانمم با برادرش رفته باشه خونه مادرش. درو با کلید باز کردم و اومدم توی خونه. برق خاموش بود. هیچ کس خونه نبود خیلی نگران شدم. تلفن همراهم رو برداشتم تا با خانمم تماس بگیرم.)

... تا شماره اش رو گرفتم یه دفعه برق ها روشن شد همه شروع کردن به جیغ و داد زدن. دیدم همه خواهر برادرارم با بچه هاشون توی خونه مان. همه داد می زدن «تولدت مبارک، تولدت مبارک» من هنوز شوکه بودم و دنبال خانمم می گشتم؛ اما دیدم خانمم و مادر خانمم با یک کیک از آشپزخونه اومدن بیرون. تازه فهمیدم امروز تولدمه و خانمم می خواسته من رو غافلگیر کنه.

(من پرستارم و یه پسر بچه شش ساله دارم. وقتی من می رم سرکار مادرم همیشه میاد خونمون و از بسرم مراقبت می کنه. یه روز از بیمارستان زنگ زدم خونه دیدم که کسی گوشی رو جواب نمی ده. یکمی نگران شدم ولی گفتم شاید صدای تلفن خونه رو نشنیده، چون تلفن خونه ما چند وقتیته خرابه و صدای زنگش خیلی کمه. نیم ساعت بعد دوباره زنگ زد، باز هم کسی جواب نداد. این بار به موبایل مادرم زنگ زدم دیدم اون رو هم کسی جواب نمی ده. دیگه حسابی نگران شدم. سریع مرخصی گرفتم و باعجله اومدم خونه. وارد خونه که شدم دیدم روی میز وسط پذیرایی پر از خونه. یک مقدار خون هم روی فرش ریخته بود. بند دلم پاره شد. از ترس نمی توانستم حرف بزنم. وقتی روی میبل رو نگاه کردم دیدم بسرم روی میبل دراز کشیده و تمام لباسش خونه.)

... باعجله بغلش کردم و داد زدم کامران، کامران. آرام چشم هاش رو باز کرد و گفت: «چی شده مامان؟». گفتم: «چرا لباست خونه؟» گفت: «مامان خون نیست، سس. من خیلی گشنه ام؛ بود؛ اما مامان بزرگ خواب بود. هر چی صداش زدم بیدار نشد. منم همه ماکارونی ها رو با سس خوردم.»

گزارشگر: سلام. یک بار دیگه با برنامه «ایران گردان» مهمون خونه های شما هستیم. امروز در خدمت آقای اشنایدریم. ایشانون اهل آلمان هستند و تازه حال چندین بار به ایران سفر کردند. آقای

اشنایدر سلام.

تویبلاس: (قدری آرام و با فکر صحبت می کند طوری که معلوم است فارسی، زبان اول او نیست) سلام. خیلی خوشحالم که در برنامه شما هستیم.

گ: آقای تویبلاس شما فارسی رو خیلی خوب صحبت می کنید؟ فارسی رو از کجا یاد گرفتید؟

ت: من فارسی رو در دانشگاه مجازی المصطفی یاد گرفتم. پنج سال پیش در سایت این دانشگاه ثبت نام کردم و بعد از چهار سال از این دانشگاه لیسانس ادبیات فارسی گرفتم.

گ: احسنت. شما زیاد به ایران سفر می کنید؟

ت: بله. من ایران رو خیلی دوست دارم. فکر می کنم تا الان بیشتر از بیست بار به ایران سفر کردم. مردم ایران خیلی خونگرم و مهمان نوازند. شما وقتی به ایران می آید خیلی احساس امنیت می کنید. هیچ وقت گم نمی شید. چون همیشه کسی هست که به شما کمک کنه.

گ: پس سفر کردن به ایران خیلی سخت نیست؟

ت: نه اصلاً. خیلی هم راحت. فقط باید به چند تا نکته مهم توجه کنید. گ: مثلاً چه نکاتی؟

ت: مثلاً چون ایران یک کشور اسلامیه، نوع لباس و پوشش شما خیلی مهمه. هم برای خانم ها و هم برای آقایون. آقایون نباید توی خیابون و مکان های عمومی شلوارک یا پیراهن های بدون آستین بپوشند. باید لباسی که می پوشند پوشیده باشه. خانم ها هم باید موهاشون رو بپوشوند و نباید لباس های بدن نما بپوشند. به طور کلی در ایران شما همیشه باید لباس پوشیده بپوشید. مگر وقت هایی که در خانه یا هتل هستید.

گ: این طوری لباس پوشیدن برای شما مشکل نیست؟

ت: برای من نه. چون من هیچ وقت شلوارک نمی پوشم.

گ: برای همسرتون چطور؟

ت: بار اول که به ایران اومدم برای همسرم خیلی سخت بود؛ اما بعد از چند روز بهش عادت کرد. حتی بعد از این که به آلمان برگشتم در روزهای زمستانی روسری سر می کنه و مانتو می پوشه.

گ: به جز پوشش مناسب دیگه باید به چه مواردی توجه کرد؟

ت: همونطور که همه می دانند هر کشوری قوانین مخصوص خودش رو داره. کسانی که به ایران سفر می کنند باید با این قوانین آشنا باشند و به آن ها احترام بگذارند. مثلاً بر اساس قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران، خرید، فروش و مصرف مشروبات الکلی به طور کلی ممنوعه. برای همین زمانی که به ایران می آید

به هیچ عنوان اجازه ندارید با خودتون مشروبات الکلی بیارید.

گ: درسته!

ت: یا به عنوان مثال قمار کردن. در ایران قمار کردن ممنوعه. از این گذشته خرید و فروش آلات قمار هم ممنوعه. پس اگر به ایران سفر می کنید نباید با خودتون پاسور یا چیزهایی که باهاش قمار می کنند بیارید.

گ: به جز این سه مورد، مورد دیگه ای هم هست؟

ت: بله از همه این ها مهم تر مواد مخدره.

گ: خوب مواد مخدر که در همه جای دنیا ممنوعه.

ت: بله. چیزی که باید بهش توجه کنید اینه که مصرف بعضی از داروها در خیلی از کشورها آزاده؛ اما همون دارو در قانون ایران مواد مخدره. برای همین در فرودگاه به شما اجازه نمی دند تا با خودتون اون دارو رو وارد ایران کنید.

گ: پس باید چکار کرد؟

ت: اولاً این که در ایران دارو زیاد هست. پس لازم نیست تا با خودتون مقدار زیادی دارو بیارید. منظورم اینه که مقدار دارویی که همراه شما هست زیاد نباشه؛ اما اگر

مجبورید داروی خاصی رو همیشه مصرف کنید، نسخه پزشکتون رو همراه داشته باشید. اگر پلیس بدونه که استفاده این دارو برای شما لازمه به شما اجازه می ده تا به اندازه نیازتون یک داروی خاص رو به ایران وارد کنید.

گ: نکته دیگری هم اگر هست در پایان بحث بفرمایید.

ت: یک نکته دیگه هست که شاید خوب باشد بگویم. هیچ وقت سعی نکنید به پلیس ایران رشوه بدهید.

گ: (خنده مجری) چطور مگه؟

ت: یک بار یکی از دوستان من وقتی به ایران اومد چند شیشه مشروب توی چمدونش بود. خوب پلیس هم به او گفته بود که بر اساس قوانین ایران شما نمی توانید با خودتون مشروب وارد ایران کنید. متأسفانه وقتی دوست من این رو شنیده بود تصمیم گرفته بود تا به پلیس رشوه بده. پلیس هم به جرم پرداخت رشوه اون رو از ایران اخراج کرد.

گ: جدآ؟ چقدر بد.

ت: بله خیلی بد شد. البته این دوست من آلمانی نیست. ما به پلیس رشوه نمی دیم. (خنده هر دو)

گ: خوب، ممنون آقای اشنایدر از وقتی که در اختیار ما قرار دادید. خوشحالم که انقدر ایران رو دوست داری و از سفر به این جا لذت می بری.

ت: شما توی ایران زندگی می کنید. برای همین هیچ وقت متوجه نمی شید سفر کردن به ایران چقدر شیرینه.

گ: (خنده مجری) نمی دونم، شاید به هر حال ممنون که به برنامه ما اومدی

درس یازدهم

گزارشگر؛ سلام. یک بار دیگه با برنامه «اقتصاد خانواده» در خدمت شما شنوندگان عزیز هستیم. امروز می‌خوایم درباره صرفه‌جویی انرژی در خانه با هم صحبت کنیم. پس اگر شما از اون دسته خانواده‌هایی هستید که همراه کلی پول قبض آب و برق و گاز می‌دید. برنامه امروز ما رو حتماً بشنوید.

(یک موسیقی ۴ تا ۵ ثانیه‌ای)

گ: به نظر شما چطور می‌شه توی خونه در مصرف انرژی صرفه‌جویی کرد؟ برای این‌که به این سؤال جواب بدیم از خانم مهندس میراشرفی عضو شورای آموزش وزارت نیرو دعوت کردیم که امروز به این برنامه بیان و به ما یاد بدن چطور می‌تونیم همراه پول کمتری برای قبض‌های آب و برق و گازمون بپردازیم. خانم مهندس سلام.

مهندس: سلام.

گ: خانم مهندس شما خودتون در مصرف انرژی صرفه‌جویی می‌کنید؟

م: بله! حتماً.

گ: مثلاً چطوری؟

م: خوب هرکسی می‌تونه با چند روش ساده در مصرف انرژی صرفه‌جویی کنه. البته حسن صرفه‌جویی فقط کاهش هزینه‌های ماهیانه‌ی خانه نیست، بلکه با انجام این کارهای ساده هم به حفاظت از محیط‌زیست کمک می‌کنید و هم می‌تونیم منابع انرژی را برای نسل‌های آینده و بچه‌هامون حفظ کنیم.

گ: حق با شما است. حالا چطور می‌تونیم تو مصرف انرژی صرفه‌جویی کنیم؟

م: بستگی داره که بخواهید در مصرف چه چیزی صرفه‌جویی کنید؟

گ: مثلاً برق.

م: برای صرفه‌جویی در مصرف برق در قدم اول هیچ‌وقت هیچ لامپی رو بدون دلیل روشن نکنید. مثلاً بعد از این‌که از اتاق بیرون می‌رید حتماً چراغ رو خاموش کنید. از این گذشته همیشه به اندازه نیاز چراغ‌ها رو روشن کنید. مثلاً برای مطالعه به جای روشن کردن چند تا لامپ از چراغ مطالعه استفاده کنید.

گ: خانم مهندس من برای مطالعه همیشه از چراغ مطالعه استفاده می‌کنم. راه دیگری هست که بیشتر صرفه‌جویی کنیم.

م: بله. شما می‌تونید برای چراغ مطالعه‌تون از لامپ‌های ال ای دی استفاده کنید.

گ: لامپ‌های ال ای دی چی هستن؟

م: لامپ‌های ال ای دی خیلی شبیه لامپ‌های معمولی هستن؛ اما هم نور بیشتری دارن و هم این‌که کم‌مصرف‌ترن.

گ: پس چرا زیاد از لامپ‌های ال ای دی

استفاده نمی‌شه؟

م: این لامپ‌ها یک مقدار گرون هستند، برای همین مردم کمتر از این لامپ‌ها می‌خرن. البته این یک اشتباه خیلی بزرگه. چون استفاده از این لامپ‌ها مصرف برق رو خیلی کم می‌کنه و این باعث می‌شه تا پول قبض برق شما هم کم بشه و هزینه‌های ماهیانه شما کاهش پیدا کنه.

گ: خوب خانم مهندس یکی از شنوندگان ما پشت خط هستند و می‌خوان سوالی را از شما پرسند.

م: در خدمتشون هستیم.

شنونده ۱: خانوم مهندس سلام. می‌تونم یه سوال ازتون بپرسم؟

م: سلام عزیزم بفرمایید.

ش ۱: خانم مهندس همه وسایل آشپزخونه ما کم‌مصرفند ولی هنوز قبض برقمون خیلی زیاد میاد. علتش چیه؟

م: سوال خوبی. بیشترین مصرف انرژی توی خونه مربوط به آشپزخونه است.

ممکنه شما وسایل کم‌مصرف داشته باشید اما از اون‌ها درست استفاده نکنید.

مثلاً هیچ‌وقت برای چند تا دونه ظرف یا لباس، ماشین لباسشویی یا ماشین ظرف‌شویی را روشن نکنید.

همیشه صبر کنید لباس‌ها و ظرف‌های کثیف جمع بشن بعد اون‌ها رو توی ماشین ظرف‌شویی یا لباس‌شویی بشوید.

یا مثلاً درباره یخچال و فریزر. همیشه قبل از این‌که غذا را در یخچال و فریزر بذارین، صبر کنید تا غذا با محیط و دمای اتاق سرد بشه و بعد اون را در یخچال قرار بدید.

هیچ‌وقت غذای گرم رو توی یخچال نذارید. چون هر قدر هم که یخچال شما کم‌مصرف باشه وقتی غذای داغ توش می‌ذارید باید برق بیشتری مصرف کنه تا اون رو سرد کنه.

گ: ببخشید خانم مهندس، گویا یک شنونده دیگه هم پشت خط هستند.

سلام علیکم بفرمایید.

ش ۲: با سلام. می‌خواستم از خانم مهندس بپرسم چطور می‌تونیم با یک مقدار انرژی کم، خونه رو گرم کنیم؟

م: من هم خدمت شما شنونده محترم سلام عرض می‌کنم. این سؤال خیلی سؤال مهمیه و پاسخش هم خیلی ساده است.

ببینید، بیشتر گرمای توی خانه از طریق پنجره‌ها هدر می‌ره پس سعی کنید در اولین قدم، پنجره‌های قدیمی‌تون را با پنجره‌های دوجداره تعویض کنید.

اگر نمی‌تونیم پنجره‌ها را تعویض کنید، می‌تونید جلوی پنجره‌ها از پرده‌های ضخیم استفاده کنید تا هوای گرم داخل خونه از پنجره‌ها خارج نشه. البته لزومی نداره خونه رو خیلی گرم کنید و بعد لباس‌های نازک بپوشید.

شما می‌تونید با پوشیدن لباس‌های گرم‌تر انرژی کمتری برای گرم کردن محیط خونه استفاده

کنید. منظورم اینه که به جای این‌که محیط خونه رو گرم کنید می‌تونید لباس گرم بپوشید.

گ: خوب خانم مهندس وقت برنامه ما یواش یواش داره تموم می‌شه. از این‌که یک روز دیگه به برنامه ما گوش دادید از شما ممنونیم.... (فید)

درس دوازدهم

۱

من زهرا طالب پور هستم، رشته تحصیلی من معماریه؛ اما به گردشگری علاقه زیادی دارم. تا حالا به خیلی از جاهای ایران مسافرت کردم، فکر نمی‌کنم جایی تو ایران مونده باشه که من تا حالا ندیده باشم.

یکی از جاهایی که هر سال سعی می‌کنم حداقل یک بار به اونجا سفر کنم شهر زیبای تالشه. این شهر تو شمال ایران، نزدیک دریای خزره، به همین خاطر توی اون منطقه جنگل‌های زیادی وجود داره که برای محیط‌زیست اون منطقه خیلی مهمه، چون آلودگی هوا رو کاهش می‌ده و اکسیژن کافی رو برای حیوانات و درختای منطقه فراهم می‌کنه.

و باعث می‌شه تا توی شهر تالش هم زیاد سیل نیاد. نزدیک شهر تالش یک کارخانه چوب‌بری که هر سال تعداد زیادی از درخت‌ها رو قطع می‌کنه. البته مشکل اصلی، این کارخونه چوب‌بری نیست. خیلی از مردم به‌طور غیرقانونی و مخفیانه درخت‌های این منطقه رو قطع می‌کنند همین موضوع باعث شد که چند هفته پیش توی این منطقه سیل بیاد و خسارت‌های زیادی رو به وجود بیاره. مردم تالش می‌گن که اگر کارخونه چوب‌بری تالش رو تعطیل بکنند دیگه از این اتفاقات توی این شهر نمی‌افته؛ اما بعضی‌ها می‌گن مقصر اصلی خود مردم‌اند.

اگر مردم بی‌رویه درختای جنگل را قطع نمی‌کردند هیچ‌وقت سیل راه نمی‌افتاد.

۲

من رضا سمیعی هستم، گزارشگر شبکه مستند صداوسیما. به خاطر موقعیت شغلی‌م تا حالا به اکثر نقاط ایران مسافرت کردم، از شمال تا جنوب. من تا حالا آلودگی‌های زیادی رو در طبیعت دیدم. بعضی وقتا وقتی مردم به کوه و جنگل می‌رند، قوطی‌های کنسرو یا ظروف پلاستیکی غذاهاشون رو روی زمین می‌ریزند. این زباله‌ها برای سلامت حیوانات خیلی خطرناکه چون معمولاً اونا هنوز بوی غذا می‌دن و حیوانات به اشتباه اونها رو می‌خورند. این موضوع درباره قوطی‌های کنسرو خطرناکتره. این زباله‌ها چون حیوانات رو تهدید می‌کنند چون باعث می‌شه تا بریدگی‌های عمیقی توی دهان اونها به وجود بیاد که گاهی حتی باعث مرگشون می‌شه. تابستان سال گذشته با دوستانم به سواحل جنوبی ایران

رفتیم. من می‌دونستم اونجا آلوده است اما این آلودگی با چیزهایی که تا امروز دیده بودم متفاوت بود. این سواحل رو زباله‌های مردم آلوده نکرده بود، ساحل پر بود از زباله‌های نفتی که قایق‌ها و کشتی‌ها در آب ریخته بودند. چون موتور این قایق‌ها معمولاً غیر استاندارد، یه مقدار بنزین یا گازوئیلش رو وارد آب دریا می‌کنه. سواحل جنوبی ایران محل زندگی ماهی‌های زیادیه که متأسفانه قایق‌ها و کشتی‌ها با ریختن مواد شیمیایی دارنند خرابش می‌کنند، بدتر از اون این‌که جمع‌کردن این آلودگی‌ها بسیار دشواره!

اگر شرکت‌های باربری دریایی به جای استفاده از کشتی‌های غیر استاندارد از کشتی‌های مدرن و سالم استفاده می‌کردند این قدر آلودگی وجود نداشت.

۳

من و همسرم معلم مدرسه ابتدایی هستیم. ما در طول هفته به مدرسه می‌ریم و آخر هفته‌ها معمولاً تو کوه‌های اطراف خرم‌آباد گردش می‌کنیم. آخه می‌دونیم ما ساکن خرم‌آبادیم. خرم‌آباد یه شهر خیلی خوش آب‌وهوا توی غرب ایران و درست در وسط رشته‌کوه‌های زاگرس قرار گرفته. در اطراف خرم‌آباد جنگل‌های بلوط زیادی هست که کلی حیوان اونجا زندگی می‌کنه. متأسفانه پریشب این جنگل‌ها آتش گرفت. من و چند تا از همکارام برای کمک رفتیم، آتش‌نشانی و مردم خیلی سعی کردند تا آتش رو خاموش کنند اما به خاطر گرمای هوا هنوز آتش خاموش نشده.

اگر این آتش‌سوزی تو پاییز و زمستون بود می‌شد امید داشت که زودتر خاموش بشه اما متأسفانه الان تابستونه و خاموش کردنش بیشتر طول می‌کشه. از این گذشته توی این چند سال بارندگی‌ها توی این مناطق کم بوده و درخت‌ها خشک شده‌اند. همین موضوع خاموش کردن درخت‌ها رو سخت‌تر کرده. هنوز هیچ‌کس نمی‌دونه این آتش‌سوزی از کجا شروع شده. ممکنه یه گردشگر آتشی که روشن کرده رو درست خاموش نکرده باشه یا حتی ممکنه یه کسی ته سیگارش رو انداخته باشه رو زمین و این آتش‌سوزی رو به وجود آورده باشه. البته الان سؤال مهم‌تر اینه که چطور می‌شه کاری کرد که دوباره هم چنین حوادث بدی تکرار نشه.

شاید آموزش گردشگرها مفید باشه، چون اگه گردشگرها کمی دقت کنند می‌تونند از شروع چنین حوادثی جلوگیری کنند.

۴

اسم من نسیم افشاره و ۳۸ سال سن دارم از نوجوانی عاشق طبیعت و محیط‌زیست بودم تا این‌که در رشته محیط‌زیست در دانشگاه تهران قبول شدم. یک بار به ارومیه سفر کردم. خیلی دوست داشتم که دریاچه ارومیه رو از نزدیک ببینم ولی

وقتی به اونجا رسیدیم، دیدم شورترین دریاچه جهان داره خشک می‌شه. انگار دنیا روی سرم خراب شد. این دریاچه برای محیط‌زیست اون منطقه خیلی مهمه. هرسال پرندۀ‌های زیادی به اونجا مهاجرت می‌کنند و در فصل تابستان اونجا زندگی می‌کنند. وقتی علت خشک شدن دریاچه رو از راننده‌ای که منو به اونجا برده بود پرسیدم. گفت به خاطر اینه که روی رودخانه‌هایی که آب آن‌ها به دریاچه می‌ریخت سد ساختند. حدود ۴۰ سد بر روی رودخانه. از آب پشت سدها برای کشاورزی استفاده می‌شه اما وقتی با کشاورزان منطقه هم صحبت می‌کردم خیلی ناراحت بودن چون خشکی دریاچه هم عوارض بسیاری برای محیط‌زیست داشت هم سلامتی ساکنان اطراف دریاچه را به خطر انداخته بود. می‌گفتن ما حاضریم مزرعه هامون رو کوچیک کنیم تا آب کمتری مصرف بشه و دریاچه دوباره زنده بشه.

درس سیزدهم

در جنوب استان سیستان و بلوچستان و در مناطق گرمسیری این استان حیوانی زندگی می‌کنند که مردم محلی به آن «گاندو» می‌گویند. گاندوها حیوانات بزرگی هستند و طول آن‌ها حدود ۳ متر است. باین وجود، این خزنده‌ها پاهای کوتاهی دارند و نمی‌توانند در خشکی به راحتی حرکت کنند. به همین دلیل معمولاً در نزدیکی رودخانه‌ها زندگی می‌کنند. بر روی گردن گاندو یک جفت شاخ کوچک دیده می‌شود. پوست بدن آن‌ها با فلس‌های قهوه‌ای‌رنگ پوشیده شده که به آن‌ها کمک می‌کند به سادگی در گل‌های اطراف رودخانه مخفی شوند. این حیوانات خزنده، از ماهی‌ها، خزنده‌ها و پستانداران تغذیه می‌کنند. پوزه گاندوها زیاد بلند نیست؛ اما درون دهان آن‌ها حدود ۳۴ دندان بسیار خطرناک وجود دارد که به سادگی می‌توانند هر حیوانی را تکه پاره کنند. البته این موجودات آدم خوار نیستند و به انسان‌ها حمله نمی‌کنند. باین حال، متخصصان همواره به روستاییان منطقه سیستان هشدار می‌دهند که زیاد به گاندوها نزدیک نشوند. گاندوها تخم‌گذار هستند. در هر بارداری، حدود ۲۰ تا ۳۵ عدد تخم می‌گذارند که بیشتر آن‌ها را روباه‌ها و سگ‌ها می‌خورند. باین حال سگ‌ها و روباه‌ها خطر بزرگی برای این گاندوها نیستند. در سال‌های اخیر به دلیل کمبود بارندگی، بسیاری از رودخانه‌های منطقه سیستان خشک شد و همین موضوع باعث شد تا گاندوهای بسیاری در اثر کم‌آبی تلف شوند.

۲ «بزکوهی» بیشتر در مناطق کوهستانی و سرد ایران زندگی می‌کند و به همین دلیل بدنشان با موهای زبر و کوتاه پوشیده شده است؛ و موی بدن آن‌ها معمولاً به رنگ خاکستری مایل به قهوه‌ای است. البته موی بدن برخی از آن‌ها سفید است؛ اما تعداد بزهای کوهی سفید چندان زیاد نیست. این حیوان پاهای قوی و سم‌های تقریباً پهنی دارد که به او کمک می‌کند به راحتی از کوه بالا برود. بزهای کوهی در زیرپوشان ریش بلندی دارند که این ریش در زیرپوزه بزهای کوهی ماده دیده نمی‌شود. بزهای کوهی علاوه بر ریش، بر روی سرشان شاخ‌های بلندی دارند که به طرف عقب خم شده‌اند. البته ماده‌ها هم شاخ دارند ولی این شاخ‌ها کوتاه‌ترند و طولشان به ۲۰ سانتیمتر نمی‌رسد. این حیوانات پستاندار و علفخوار هستند و معمولاً از گیاهان کوهی تغذیه می‌کنند. هر بزکوهی نر معمولاً چند جفت دارد. بزکوهی ماده در فصل پاییز باردار می‌شود. دوران بارداری آن بین ۵ تا ۵ ماه و نیم است. آن‌ها اغلب هرسال یک بار باردار می‌شوند که بعضی از بچه‌های آن‌ها دوقلو هستند. بعضی شکارچیان به صورت غیرقانونی بسیاری از این موجودات زیبا را شکار کردند، به همین دلیل تعداد آن‌ها در کوهستان‌های غربی ایران کاهش یافته است. خوشبختانه در طول سال‌های گذشته شکار بزهای کوهی، غیرقانونی اعلام شد تا به افزایش جمعیت آن‌ها کمک کند.

۳

«سیاه‌گوش» نام یکی از انواع گربه‌های ایرانی است که در بیابان‌های مرکزی ایران زندگی می‌کند. این حیوان گوشت‌خوار است و به طور معمول حیوانات کوچکی مثل خرگوش، موش و بچه شترمرغ را شکار می‌کند. دندان‌های آن‌ها آن قدر خطرناک است که می‌توانند حیوانات بزرگ‌تری مثل بزکوهی یا آهو را نیز شکار کنند. آن‌ها حتی می‌توانند با پریدن در هوا یک یا چند پرندۀ را شکار کنند و بخورند. این موجود وحشی چندان بزرگ نیست. وزن بدن آن‌ها بین ۱۶ تا ۲۲ کیلوگرم و طول بدنشان حدود ۵۵ سانتیمتر است. البته نرها کمی بزرگ‌تر هستند. بر روی پوست آن‌ها موهای خاکستری وجود دارد که به آن‌ها کمک می‌کند تا در بیابان به سادگی پنهان شوند. سیاه‌گوش‌های نر معمولاً در تمام طول سال چند جفت دارند. بارداری آن‌ها در فصل خاصی اتفاق نمی‌افتد و تقریباً هر زمان از سال که غذا به اندازه کافی وجود داشته باشد سیاه‌گوش‌ها می‌توانند بچه‌دار شوند. یک سیاه‌گوش ماده در هر بار بارداری می‌تواند ۳ توله به دنیا آورد. چشم‌های توله‌ها تا ۱۰ روز بسته است و آن‌ها نمی‌توانند جایی را

بینند، به همین دلیل سیاه‌گوش مادر در این ۱۰ روز با دقت بسیاری از بچه‌هایش نگهداری می‌کند. توله‌ها اغلب تا ۶ ماه شیر می‌خورند و بعد از شش ماه آرام‌آرام گوشت‌خوار می‌شوند. سال‌ها پیش، نسل سیاه‌گوش‌ها به دلیل شکار بی‌رویه در حال انقراض بود؛ اما خوشبختانه دولت ایران با غیرقانونی اعلام کردن شکار سیاه‌گوش‌ها نسل آن‌ها را از خطر انقراض نجات داد.

درس چهاردهم

۱- ایران باستان

حدود ۵۵۰۰ سال قبل از میلاد مسیح، کوروش، پادشاه ایران، سلسله هخامنشیان را در ایران تأسیس کرد. این تمدن از جمله بزرگ‌ترین تمدن‌های تاریخ انسان بود. هخامنشیان در تمامی آسیای مرکزی، شرق اروپا و شمال آفریقا زندگی می‌کردند. تا قبل از هخامنشیان شغل اصلی مردم کشاورزی بود؛ اما پس از این که آن‌ها توانستند میان شهرهای بزرگ خود جاده بسازند، تجارت، شغل اصلی مردم این تمدن شد. خط زبان فارسی یکی از مهم‌ترین اختراعات دوران هخامنشیان بود. به دلیل این که ظاهر حروف در این خط شبیه میخ بود، باستان‌شناسان به این خط، خط میخی می‌گویند. پادشاهان هخامنشی مطالب خود را با خط میخی بر روی سنگ‌های بزرگ می‌نوشتند تا همه بتوانند آن‌ها را بخوانند. این نوشته‌ها را «کتیبه» می‌گویند. از دوران هخامنشیان کتیبه‌های بسیاری باقی مانده است که بزرگ‌ترین آن «بیستون» در شهر کرمانشاه است. هخامنشیان از نخستین حکومت‌هایی بودند که به حقوق مردم، بسیار احترام می‌گذاشتند. مردم با هر نژاد و مذهبی می‌توانستند آزادانه در این حکومت زندگی کنند. یونانی‌ها حدود ۳۳۰ سال پیش از میلاد مسیح، به حکومت هخامنشیان حمله کردند و حکومت هخامنشیان را شکست دادند. متأسفانه یونانی‌ها در این حمله بسیاری از کتابخانه‌های ایران را آتش زدند و به همین دلیل به جز کتیبه‌ها، آثار دیگری از فیلسوفان و دانشمندان ایرانی باقی نمانده است.

۲- مصر باستان

مصر باستان یکی دیگر از تمدن‌های بزرگ است که حدود ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح، در آفریقا به وجود آمد. قلمرو مصریان اطراف رود نیل بود. زمین‌های حاصلخیز کنار رود نیل، برای کشاورزی و دامداری بسیار مناسب بود. به همین جهت بیشتر مصریان باستان کشاورز و دامدار بودند. مردم به پادشاهان مصر باستان «فرعون» می‌گفتند. فرعون‌ها در کاخ‌های بزرگ زندگی می‌کردند و اعتقاد داشتند هر پادشاهی که قصر بزرگ‌تری دارد قدرتمندتر است. البته

در مصر تنها داشتن کاخ بزرگ نشانه قدرت پادشاه نبود. مردم مصر می‌گفتند هر پادشاهی که مقبره بزرگ‌تری داشته باشد نیز قدرتمند است. پادشاهان مصر برای خود مقبره‌های بزرگی به شکل هرم می‌ساختند. زمانی که یک فرعون از دنیا می‌رفت، او را مومیایی می‌کردند و در هرم‌ها می‌گذاشتند. هر پادشاهی تلاش می‌کرد تا کاخ و هرم بزرگ‌تری بسازد و همین موضوع باعث شد که بسیاری از مردم در کنار کشاورزی، به حرفه معماری نیز مشغول شوند. مصری‌ها در پزشکی بسیار موفق بودند. پزشکان مصری حتی می‌توانستند جراحی‌های پیچیده‌ای مثل جراحی مغز را انجام دهند؛ اما پس از مدتی در کشور مصر جنگ‌های داخلی آغاز شد. فرزندان فرعون‌ها برای به دست آوردن قدرت با یکدیگر می‌جنگیدند. این جنگ‌های داخلی تا ۱۰۰ سال ادامه داشت. این صدسال جنگ آن قدر این تمدن را ضعیف کرد که آرام آرام تمدن قدرتمند مصر از میان رفت.

۳- یونان باستان

در زمان باستان به بخش‌های غربی اروپا و بخش‌های شرقی آسیا، یونان می‌گفتند. مردم یونان حدود ۱۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح به این کشور آمدند. شغل اصلی آن‌ها ماهیگیری بود؛ اما به دلیل این که در نزدیکی سواحل این کشور جزایر بزرگ و کوچک فراوانی وجود داشت، بسیاری از ماهیگیران با قایق به این جزیره‌ها می‌رفتند و در آن‌جا تجارت می‌کردند. رفته‌رفته تجارت و دریانوردی شغل اصلی مردم یونان شد. یونانی‌ها بسیار هنرمند بودند. از آن زمان مجسمه‌های بسیاری به جامانده که هم‌اکنون در موزه‌های بزرگ دنیا از آن‌ها نگهداری می‌شود. از این مجسمه‌ها بیشتر برای تزئین و زیباسازی ساختمان‌ها و معابد استفاده می‌کردند. معمارهای یونانی به زیبایی ساختمان‌ها بسیار اهمیت می‌دادند. ساختمان‌های زیبای بسیاری از آن زمان باقی مانده است. در ابتدا یونانیان اغلب ساختمان‌های خود را از چوب و آجر می‌ساختند؛ اما پس از مدتی برای ساختن بنای معابد و کاخ‌های بزرگ خود از سنگ استفاده کردند. هنوز بسیاری از این ساختمان‌های زیبا در شهر آتن وجود دارند. موسیقی و تئاتر نیز در میان یونانیان رواج داشت تا حدی که بسیاری از کارشناسان اعتقاد دارند اولین نمایش‌های دنیا در شهر آتن اجرا شده است. علاوه بر هنر، یونانیان به علم و فلسفه نیز علاقه زیادی داشتند و ساعت‌ها با یکدیگر درباره موضوعات مختلف علمی گفتگو می‌کردند. ارسطو، افلاطون و سقراط از مهم‌ترین دانشمندان یونان باستان بودند. یونانی‌ها سال‌های سال قوی‌ترین حکومت اروپا بودند تا

• سلام. امروز هم در خدمت شما هستیم با مرور تیتراصلی روزنامه‌های امروز کشور.

• منم سلام و عرض ادب می‌کنم خدمت شما خانم اسماعیلی و همهٔ شنوندگان محترمتون.

• آقای محمدی اگه اجازه بدین با روزنامه جام جم شروع کنیم.

• موافقم. جام جم امروز تو صفحه اول خودش این تیترو آورده که «فیلم محمد رسول‌الله رکورد فروش بلیت در سینماهای ایران را شکست».

• جدی؟ تا الان چقدر بلیت فروخته؟

• مثل این‌که دیروز از مرز ۱۴ میلیارد تومان گذشته.

• این‌طور که من شنیدم «محمد رسول‌الله» در خارج از ایران هم فروش فوق‌العاده‌ای داشته.

• بله نظر می‌رسه این فیلم تونسته هم نظر بینندگان داخلی رو به خودش جلب کنه هم نظر بینندگان بین‌المللی رو. حتی این فیلم رو برای شرکت تو جشنواره اسکار هم معرفی کردند. امیدوارم اونجا رتبهٔ خوبی کسب کنه.

• ما هم مثل شما امیدواریم. خوب آقای محمدی، خبر داغ دیگه چی دارین؟

• حالا می‌رسیم به یک خبر خوب دیگه.

• خوب خدا رو شکر. خبر خوش چیه؟

• تیم ملی کشتی ایران باز هم قهرمان جهان شد.

• به! تبریک می‌گیم به همهٔ مردم ایران.

• بله. خبرگزاری فارس نوشته که چهل و سومین دوره رقابت‌های جام جهانی کشتی آزاد، از صبح شنبه در سالن «فوروم» شهر لس‌آنجلس آمریکا آغاز شد. تیم ملی کشورمان در بازی فینال تونست در مقابل آمریکا با نتیجه ۵ بر ۳ به پیروزی برسه و یک بار دیگه قهرمانی جهان رو به دست بیاره.

• البته تیم ملی ایران در سه دوره قبل هم در مسابقات برنده شده بود.

• بله این چهارمین بار بیایه که ما قهرمان جهان می‌شیم.

• دستشون درد نکنه، این بچه‌ها همیشه ما رو خوشحال می‌کنند.

• راستی، خانم اسماعیلی دقت کردین هوا چقدر گرمه؟

• بله. حالا منظورتون از این حرف چیه؟

• روزنامه اطلاعات مقاله‌ای رو دربارهٔ گزارش سازمان جهانی هواشناسی نوشته. این مقاله به موضوع گرم شدن کره زمین پرداخته و در این باره هشدار داده که اگه کشورهای جهان از گرم شدن بی‌از حد کرهٔ زمین جلوگیری نکنند ممکنه زندگی همهٔ موجودات روی اون به خطر بیافته.

• درسته.

• به گزارش سازمان جهانی هواشناسی، سال ۲۰۱۵ گرم‌ترین سال در تمام عمر کرهٔ زمین بوده و این خیلی خطرناکه.

فکر کرد شما پول همراهنون ندارید برای همین کرایهٔ تاکسی را هم حساب کرد».

• جدی؟ عجب آدم جالبی بوده.

• آره برای منم این کارش خیلی جالب بود.

• اونجا به مشکلی هم برخوردی؟

• خوب مشکل که همیشه هست؛ اما با این وجود خیلی اذیت نشدم.

• چه مشکلاتی مثلاً؟ می‌شه چند تاشو برام بگی؟

• مثلاً بزرگ‌ترین مشکل، مشکل غذا بود، چون ژاپنی‌ها فقط غذای دریایی می‌خورن.

• خوب این‌که خیلی خوبه. تو که عاشق ماهی و میگوئی.

• چرا. ولی ژاپنی‌ها معمولاً ماهی رو خام می‌خورن.

• چی؟ یعنی ماهی نپخته؟

• آره. اونا می‌گن اگر ماهی رو بپزی یا سرخ کنی خواصش رو از دست می‌ده. برای همین بهتره ماهی خام خورده بشه.

• شوخی می‌کنی؟

• منم اول فکر می‌کردم دارن باهام شوخی می‌کنن ولی وقتی دیدم همه دارن ماهی خام می‌خورن فهمیدم شوخی در کار نیست.

• تو هم خوردی؟

• والا یک بار امتحان کردم ولی دیدم اصلاً نمی‌تونم بخورم.

• خوب چکار کردی؟

• یک مقدار نون خشک و کنسرو از ایران با خودم برده بودم. فقط اونها رو می‌خوردم. البته دوستای ژاپنی منو چند بار دعوت کردند و برام غذاهایی درست کردند که بتونم بخورم. مثل پیتزای یا همبرگر یا برنج سفید و یکمی سبزیجات. در مجموع بد نبود ولی هیچ غذایی، غذای ایرانی نمی‌شه.

• به جز غذا مشکل دیگه‌ای هم بود؟

• راستش چون سفر من کاری بود و مجبور بودم هرروز کلی پول تاکسی بدم، روز دوم تصمیم گرفتم یک ماشین اجاره کنم تا هزینه‌های سفرم کمتر بشه. سیستم ترافیک شهری ژاپن خیلی منظمه. هرکسی به راحتی می‌تونه توی خیابون‌های ژاپن رانندگی کنه. اما حداقل برای ما ایرانی‌ها یک مشکل بزرگ وجود داره.

• چه مشکلی؟

• ژاپنی‌ها برعکس ما از سمت چپ رانندگی می‌کنند. چون ما عادت داریم از سمت راست رانندگی کنیم اونجا رانندگی کردن برامون خیلی سخته. من خودم چند بار نزدیک بود تصادف کنم.

• چه جالب؟ خوب مشکل رو چطوری حل کردی؟

• چند روز اول توی خیابون‌های خلوت تمرین می‌کردم. این تمرینا یکم کمک کرد اما من هیچ‌وقت عادت نکردم مثل ژاپنی‌ها از سمت چپ رانندگی کنم.

فکر کن فقط یه بشقاب کوچیک کباب و چندتکه نان کنار بشقاب می‌شد حدود ۷۰، ۸۰ هزار تومن.

• وای چقدر گرون.

• البته کلاً قیمت غذا توی ایران از خیلی کشورهای دیگه ارزونتره؛ اما غذا توی ترکیه واقعاً گرون بود. برای همین بعد از یک هفته شروع کردم به خوردن کنسروهام، چون دیگه پول نداشتم. (هر دو می‌خندند)

• باز هم ترکیه می‌ری؟

• حتماً. اما این بار دیگه با هواپیما نمی‌رم.

• برای چی؟

• ببین، ایران و ترکیه با هم مرز زمینی دارن. تو می‌تونی با اتوبوس تا ارومیه بری بعد که از مرز رد شدی یه ماشین کرایه کنی و تمام مسیر رو خودت رانندگی کنی. می‌دونی ترکیه جاده‌های فوق‌العاده‌ای داره. خیلی دوست دارم همه جاشو خودم بگردم نه این‌که با هواپیما برم تا استانبول و بعدشم تو هتل باشم.

• این جوری سخت نیست؟

• نه فقط کافیه گواهی‌نامه رانندگی بین‌المللی داشته باشی که گرفتن اونم خیلی سخت نیست. چون قوانین رانندگی توی ترکیه و ایران عین همه. فکر کنم یک ماه دیگه برم برای گرفتن گواهی‌نامهٔ بین‌المللی ثبت نام کنم.

• این عکس‌ها رو کجا گرفتی؟

• این جا اوکیناواست. توی ژاپن. خیلی شهرقشنگیه.

• بزرگه؟

• نه خیلی. بیشتر یک شهر توریستیه. من برای کاری رفته بودم اونجا؛ اما با این وجود خیلی بهم خوش گذشت.

• چطور مگه؟

• خوب کلاً ژاپن کشور خیلی جالبیه. مردم این کشور فوق‌العاده مؤدب و مهربون هستند، برای همین ما ایرانی‌ها خیلی اونجا مشکلی نداریم.

• منظورت چیه؟

• ما ایرانی‌ها همیشه دوست داریم با همه دوست بشیم، باهاشون حرف بزنین و شوخی کنیم. ژاپنی‌ها هم از این نظر درست مثل ما ایرانی‌ها هستند. خیلی راحت با غریبه‌ها دوست می‌شن و سعی می‌کنند اگر به مشکلی برخوردی، بهت کمک کنند. مثلاً یادمه وقتی وارد ژاپن شدم نمی‌تونستم آدرس هتل رو پیدا کنم. آدرس هتل رو از یک خانمی که داشت از اونجا رد می‌شد پرسیدم. این خانم فقط ژاپنی بلد بود؛ اما بالاخره با کلی زحمت متوجه شد که من دنبال آدرس هتل می‌گردم. وقتی این رو فهمید خیلی سریع یک تاکسی گرفت و از راننده خواست تا من رو به هتلم برسونه. موقعی که پیاده شدم راننده گفت: «این خانم

این‌که رومی‌ها قدرت را در اروپا به دست آوردند و با شکست یونانی‌ها به قوی‌ترین دولت در اروپا تبدیل شدند.

درس پانزدهم

• خوب علی جان، تعریف کن. خوش گذشت؟

• آره، واقعا جای شما خالی بود.

• چکارا کردید؟ خوش گذشت؟

• عالی بود. عالی! مردم ترکیه واقعاً مهمون‌نواز و مهربونند.

• خوب پس از این لحاظ خیلی شبیه ما ایرانی‌ها هستن.

• آره تا حدودی. من تا به حال مردم به مهمون‌نوازی ترک‌ها ندیده بودم. بعضی وقت‌ها انقدر مهربون بودند که آدم نمی‌دونست چطوری ازشون تشکر کنه.

• جدی؟ پس کلی دوست پیدا کردی؟

• آره. با اولین کسی که دوست شدم یه جوون ترک بود. توی همون روز اول منو دعوت کرد رستوران.

• جدی؟ چطور؟

• خوب من هر وقت به یک کشور دیگه سفر می‌کنم همیشه کلی کنسرو با خودم می‌برم، چون می‌ترسم نتونم غذاهای اونجا رو بخورم. روز اول وقتی از تاکسی پیاده شدم راننده تاکسی چمدون‌هام رو از صندوق عقب بیرون آورد و رفت. چمدون‌هام خیلی سنگین بود و من داشتم با زحمت اونها رو می‌بردم توی هتل. یه جوون داشت از اونجا رد می‌شد اومد تا به من کمک کنه. وقتی چمدون رو برداشت دید خیلی سنگینه. گفت توی این چمدون چیه؟ گفتم چیزی نیست کنسروه. وقتی فهمید من انقدر غذا با خودم از ایران آوردم خیلی ناراحت شد و گفت: «مگه توی ترکیه غذا پیدا نمی‌شه که این قدر کنسرو با خودت آوردی؟»

وقتی دیدم ناراحت شده بهش گفتم: «من می‌دونم توی ترکیه همه جور غذا پیدا می‌شه. این کنسروها رو فقط محض احتیاط آوردم. گفتم شاید نتونم غذای ترکیه رو بخورم». وقتی این رو شنید گفتم: «امروز ناهار مهمون من هستی. باید بریم رستوران ترکی». منم قبول کردم.

• خوب بعدش چی شد؟

• با این دوستم رفتیم رستوران. غذاها عالی بودند. واقعا خوشمزه بودند. مخصوصاً کباب ترکی. خلاصه جات خالی، من که تا جا داشتم، خوردم.

• هههههههههه ناهار و شام رو خودتون درست می‌کردی یا تو رستوران می‌خوردی؟

• روزهای اول فقط توی رستوران غذا می‌خوردم. اما یک مشکلی وجود داشت.

• چه مشکلی؟

• غذای رستوران‌ها هم کم بود، هم گران.

• بله این خطر خیلی جدیه. امیدوارم که هر چه زودتر برای حل این مشکل راه حلی پیدا بشه.

• وقت داریم خبر بعدی رو هم بخونم؟

• بله فکر کنم... بله بفرمایید.

• این خبر رو از یک روزنامه انتخاب کردم. در این روزنامه توی یک مقاله مفصل، سرعت اینترنت توی کشورهای مختلف جهان رو با هم مقایسه کرده.

• چه جالب.

• بله. این روزنامه توی این گزارش ده کشور برتر در زمینه سرعت اینترنت رو معرفی می‌کنه. جالب این جاست که سه کشور برتر از شرق آسیا هستند. رتبه اول برای کره جنوبیه، بعد از اون هنگ کنگ و سوم هم ژاپن.

• جالبه.

• از این گذشته وقتی نگاه می‌کنیم (صدا فید می‌شود) توی این لیست اسمی از کشورهای صنعتی غربی مثل آمریکا، انگلیس، آلمان و... دیده نمی‌شه.

درس هفدهم

• (خانم): با سلام خدمت همه شنوندگان برنامه «صبح و ایران». صبح سرد زمستونیون بخیر

• منم سلام عرض می‌کنم خدمت شما و همه شنوندگان عزیز برنامه

• آقای جعفری امروز برامون چی دارین؟ همه منتظریم تا از مطالب جالبتون لذت ببریم.

• خانم رضایی می‌دونید امروز چه روزیه؟

• ... خوب... امروز ۱۰ اسفنده.

• بله امروز ۱۰ اسفند روز جهانی اختراعاته. به همین مناسبت خواستم امروز درباره اختراعات مهم قرن بیستم با هم صحبت کنیم.

• خوب... چه عالی.

• من دیروز درباره اختراعات مهم قرن بیستم تحقیق کردم. اختراعات زیادی بود که می‌شه درباره شون صحبت کرد ولی به خاطر وقت کم برنامه، تصمیم گرفتم فقط ۴ مورد رو به عنوان اختراع مهم تر معرفی کنم. البته انتخابشون از بین این همه اختراع مهم، اصلاً کار آسونی نبود.

• حالا این چهارتا اختراع مهم چی بودن؟

• شاید اولین و مهم‌ترین اختراع این قرن کامپیوتر باشه. این روزا زندگی بدون کامپیوتر، غیرممکنه.

• بله واقعا همه کارها با کامپیوتر انجام می‌شه. آقای جعفری کامپیوتر اختراع کی بوده؟

• نمی‌تونیم دقیق بگیم که اولین کامپیوتر رو چه کسی و در کجا اختراع کرده، چون از قدیم دانشمندان مختلف ماشین حساب‌های ساده‌ای رو طراحی می‌کنند. ولی می‌تونیم بگیم اولین کامپیوتر به شکل کامپیوترهای امروزی توسط پرفسور «ایکن» طراحی شده.

• چه سالی؟

• سال ۱۹۳۷

• پس کامپیوتر خیلی اختراع جدیدی هم نیست. می‌دونید چطوری کار می‌کرده؟

• والا دقیقاً نه. فقط می‌دونم برای محاسبه از لامپ استفاده می‌کرده. این لامپ‌ها هم خیلی جا می‌گرفتن و هم گرمای زیادی تولید می‌کردند.

• پس حتماً مصرف برقشونم خیلی زیاد بوده.

• بله تقریباً نصف برق شهر رو مصرف می‌کرده.

• چه جالب. البته در کنار کامپیوتر، اختراع اینترنت هم خیلی مهم بوده، چون واقعاً ظهور اینترنت همه چیز رو تغییر داد.

• منم با این حرفتون موافقم. واقعا زندگی بعد از اختراع اینترنت کاملاً متفاوت شد.

• می‌شه گفت اینترنت اختراع مهم دومه؟

• راستش آره ولی من ترجیح می‌دم بگم تلفن همراه دومین اختراع مهمه قرنه.

• بله تلفن هم خیلی مهمه.

• نه تلفن نه. تلفن همراه.

• خوب تلفن و تلفن همراه تقریباً یه چیز دیگه.

• نه تاثیر تلفن ثابت و تلفن همراه یکی نیست. تلفن در واقع دو محل رو به هم وصل می‌کرد؛ اما تلفن همراه باعث شد تا آدم‌ها به هم مرتبط بشن. این خیلی فرق می‌کنه. اختراع تلفن همراه همه چیز رو تغییر داد. حتی استفاده از اینترنت رو هم تغییر داد. الان برای استفاده از اینترنت لزومی نداره حتماً از لپ‌تاپ و کامپیوتر استفاده کنیم. راحت با یک دستگاه تلفن همراه می‌شه این کار رو کرد.

• آره از این گذشته می‌شه باهاش موسیقی گوش داد، فیلم دید، یا حتی تلویزیون دید.

• دوربین عکاسی و فیلم‌برداری هم هست.

• راست می‌گید، تلفن و تلفن همراه خیلی با هم متفاوتن. (خننده) خوب آقای جعفری اختراع سوم چیه؟

• والا اگه اشتباه نکنم هواپیما هم از اختراعات خیلی مهمه قرن بیستمه. آدم‌ها همیشه دوست داشتن وسیله‌ای بسازن که بتونن باهاش پرواز کنن. تا این‌که دوتا برادر به نام‌های «ویلبر و اوریل رایت» با اختراع هواپیما در سال ۱۹۰۳ نشون دادن که بشر هم مثل پرنده‌ها می‌تونه پرواز کنه.

• یه جورایی می‌شه گفت برادران رایت اولین انسان‌هایی بودن که پرواز کردن؟

• نه فکر نمی‌کنم. چون قبل از این‌که اونا هواپیما رو بسازن، بالون‌های هوای داغ ساخته شده بود و از اونها برای پرواز استفاده شده بود. اما می‌شه گفت اونها اولین کسانی بودن که تونستن به تنهایی با هواپیما پرواز کنن.

• کار برادران رایت واقعاً کار بزرگی بوده. فکر کنید اگر هواپیما رو اختراع نکرده بودند هنوز مجبور بودیم با ماشین بریم این طرف و اون طرف دنیا.

• دقیقاً همین‌طوره که شما می‌گید.

• خوب اختراع مهم آخر چیه؟

• به نظر بنده باید رتبه چهارم را به آنتی‌بیوتیک‌ها بدم.

• چقدر جالب. اصلاً فکر نمی‌کردم آنتی‌بیوتیک‌ها این قدر مهم بوده باشه.

• درسته. منم تا دیروز این‌طور فکر نمی‌کردم. البته به خاطر این‌که ما از مشکلات دوران قبل از اختراع آنتی‌بیوتیک خبر نداریم. در اون زمان همیشه احتمال مرگ وجود داشت و متأسفانه مردم با کوچک‌ترین بیماری جون خودشون رو از دست می‌دادند. اما بعد از این‌که «فلمنینگ» در سال ۱۹۲۸ پنی‌سیلین را کشف کرد دیگر سرماخوردگی بیماری خطرناکی نبود.

• الان حس می‌کنم خیلی خوشحالم که فلمنینگ قبل از من به دنیا اومده چون امروز یکم هوا سرد بود، فکر کنم سرماخورده باشم. (خننده) خوب ممنونم آقای جعفری از اطلاعات خوبی که امروز به ما دادید. از شما شنوندگان محترم هم تشکر می‌کنم که ما رو تحمل (فید) کردین و امیدوارم از این برنامه استفاده برده باشین.

درس هجدهم

جشن فانوس، یکی از جشن‌های سنتی مردم چین است که از ۲۰۰۰ سال پیش، هر سال در فصل بهار برگزار می‌شود. در این روز، چینی‌ها لباس‌های قرمز می‌پوشند و به دیدار بزرگ‌ترهای فامیل می‌روند. مراسم آتش‌بازی و روشن کردن فانوس مهم‌ترین بخش این مراسم است. آن‌ها در شب روز جشن در جلوی خانه‌هایشان شمع روشن می‌کنند و با فانوس‌های کاغذی از خانه بیرون می‌آیند. مراسم زیبای دیگری که در این روز برگزار می‌شود «رقص شیر» است. سال‌های سال است که خانواده‌های چینی برای بیرون کردن ارواح شرور از خانه‌هایشان این مراسم را برگزار می‌کنند. در این مراسم آن‌ها یک شیر عروسکی را که توسط چند عروسک‌گردان کنترل می‌شود به خانه دعوت می‌کنند. چینی‌ها اعتقاد دارند رقصیدن این شیر عروسکی در خانه آن‌ها بدی‌ها را از خانه و خانواده‌شان دور می‌کند. نکته جالب دیگر این است که چینی‌ها در این روز گوشت نمی‌خورند. آن‌ها اعتقاد دارند که روشن کردن آتش و استفاده از جاقو در روز جشن فانوس‌ها خوش‌یمن نیست؛ بنابراین معمولاً در این روز غذاهای گیاهی می‌خورند. غذاهایی که همیشه از چند روز قبل

آماده شده است. در این روز معمولاً بزرگ‌ترها به کوچک‌ترها عیدی می‌دهند. آن‌ها عیدی‌ها را در پاکت‌های قرمز رنگ می‌گذارند و به کودکان و یا جوانانی که هنوز ازدواج نکرده‌اند، می‌دهند. رنگ سرخ این پاکت‌ها به معنی آرزوی سلامتی برای جوان‌ترها است.

۲

«هولی» یا «جشن رنگ‌ها» نام مراسمی است که هر ساله، در اردیبهشت‌ماه، هنگام شروع فصل بهار در کشور هندوستان برگزار می‌شود. مردم هند این جشن را، یکی از جشن‌های مذهبی خود می‌دانند. آن‌ها باور دارند این جشن، زمان خوبی برای لذت بردن از رنگ‌های بهار و خداحافظی با زمستان است. در این جشن شاد، همه افراد اعم از زن و مرد و پیر و جوان شرکت می‌کنند. «جشن هولی» دو روز طول می‌کشد؛ در روز اول، هندی‌ها پس از فرارسیدن شب، آتش روشن می‌کنند و سپس به خانه‌هایشان برمی‌گردند. روز دوم صبح زود مردم دسته‌دسته از خانه‌هایشان بیرون آیند و از صبح تا ظهر به سر و روی دوستان و آشنایانشان پودر رنگ می‌ریزند. مردم معمولاً در این جشن از لباس‌های کهنه استفاده می‌کنند تا دیگر نگران کثیف شدن آن‌ها نباشند. جوان‌ترها در این جشن از هر رنگی استفاده می‌کنند؛ اما مسن‌ترها معمولاً فقط پودرهای قرمز را به آرامی روی صورت هم می‌ریزند. در غروب همان روز، مردم به یکدیگر شیرینی تعارف می‌کنند و همدیگر را در آغوش می‌گیرند. همه دوستان معمولاً سه بار همدیگر را در آغوش می‌گیرند و برای هم آرزوی خوشبختی می‌کنند. البته کودکان و نوجوانان، بزرگ‌ترها را بغل نمی‌کنند. آن‌ها برای احترام دست خود را بر روی پای بزرگ‌ترهایشان می‌کشند و برای آن‌ها دعا می‌کنند.

۳

جشن روز مردگان جشنی است که در اواسط پاییز در مکزیک برگزار می‌شود. در تمام مدت این سه روز همه بانک‌ها و ادارات دولتی تعطیل هستند. در این جشن، مردم به قبرستان‌ها می‌روند و قبر دوستان و خانواده خود را تمیز می‌کنند، روی آن‌ها گل‌های زرد رنگ می‌گذارند و شمع روشن می‌کنند. آن‌ها برای مردگانشان دعا می‌خوانند و یاد آن‌ها را زنده می‌کنند. برخی از افراد حتی در کنار قبر مردگان رقص‌های خاصی را انجام می‌دهند تا با این کار روح او را شاد کنند. مکزیک‌ها علاوه بر گل، به مرده‌ها هدیه نیز می‌دهند. آن‌ها غذاهای مختلفی می‌پزند و مردگان را به مهمانی دعوت می‌کنند. در این روزها همه چیز مرگ را به زنده‌ها یادآوری می‌کند. تزئینات و خوراکی‌ها همه به شکل

اسکلت و مجسمه هستند. باین حال این جشن به هیچ وجه مراسم غمگینی نیست. مردم در این روز لباس های رنگی زیبایی می پوشند تا فضای جشن شاد و سرزنده باشد. این جشن سه روز طول می کشد. از دهم تا دوازدهم آبان. روز یازدهم آبان روز جشن کودکان مرده و روز دوازدهم نیز جشن مرده های بالغ است. به اعتقاد پژوهشگران، قدمت این جشن به دوران تمدن های باستانی آمریکای جنوبی می رسد. سال ها پیش از این که اروپایی ها وارد قاره آمریکا شدند.

درس نوزدهم

تعطیلات کجا رفتی؟

• جات خالی با دوستانم رفتیم جزیره کیش.
• به به خوش به حالت. چطور بود؟ خوش گذشت؟
• عالی. کیش توی تابستون برای ورزشای آبی خیلی خوبه. چون هوا گرمه واقعاً شنا توی دریا می چسبه. به خصوص که آب دریا خیلی صافه. قشنگ می شه ماهی های کف دریا رو دید.
• فکر نمی کردم اهل ورزش باشی. حالا چه کارهایی کردی؟
• شنا، جت اسکی، قایق سواری، والیبال ساحلی؛ اما از همه بهتر، غواصی!
• چی؟ غواصی؟ مگه تو غواصی بلدی؟
• نه خیلی. توی کیش کنار ساحل چند تا مربی هست. اول یک کمی آموزش می بینی بعد همون مربی با خودش می بردت غواصی. البته خیلی جلو نمی رن فقط اجازه می دن نزدیک ساحل غواصی کنی. چون با چند ساعت آموزش نمی شه توی دریا غواصی کرد، ولی باین حال تجربه خوبی بود. اصلاً بهترین تجربه زندگی من بود.
• من هنوز باورم نمی شه تو رفتی غواصی زیر دریا. حالا چطوری بود؟
• اصلاً زیر دریا به دنیای دیگه اس. خیلی خوشگله. ماهیا قشنگ از جلوت رد می شن. می تونی بهشون دست بزنی. حتی اگر خوش شانس باشی دلفینم می بینی؟
• تو دیدی؟
• توی دریا نه. ولی توی آکواریوم کیش چرا.
• آکواریوم؟ مگه کیش آکواریوم هم داره؟
• آره. اتفاقاً خیلی هم جالبه. خوبی اش اینه که به جز ماهی، مار و پرنده های کمیاب هم داره. حتی می تونی از نزدیک به تماسحها و دلفین ها دست بزنی.
• به تماسحها؟ خطرناک نبودن؟
• والا نمی دونم. منم اولش می ترسیدم. گفتم نکنه بهم حمله کنن. ولی آروم بود. حمله نکرد.

• چه جالب. جای دیگه ای نرفتی؟
• چرا! کیش جاهای تاریخی هم داره. مثلاً به جایبه به اسم «شهر زیرزمینی کاریز». به شهر باستانی مال دو هزار سال قبل. خیلی جای قشنگیه. حتماً اگر به روزی رفتی کیش، برو اونجا رو بین.
• حتماً. راستی گرما اذیتتون نکرد؟
• چرا، به کم گرم بود. سعی کن اگر می خوای بری کیش تو فصل های سرد سال بری، اون موقع ها هوا برای گردش بهتره.

۲

• (زن و شوهر) سلام سعید جان. خوش اومدی. کوهنوردی خوش گذشت؟
• جات واقعاً خالی بود.
• من که نمی تونم کوهنوردی کنم. مطمئن باش اگر می تونستم باهاش می اومدم. خوب بگو ببینم. چطور بود؟ خوش گذشت؟
• آره! خیلی خوب بود. خیلی خوش گذشت.
• جدی می گی؟ آخه تو که کوهنورد نیستی. سخت نبود؟
• راستش رو بخوای چرا، خیلی سخت بود. وسط راه گریه ام گرفته بود. هم هوا خیلی سرد بود، هم راه خیلی طولانی بود. وقتی رسیدیم بالای کوه سیلان باورم نمی شد که این همه راه رو اومدم.
• اون بالا چطور بود؟
• عالی بود. عالی. خیلی قشنگ بود. خیلی تجربه خوبی بود.
• چند روز توی کوه بودید؟
• توی کوه که فقط یک روز بودیم. بعد از این که از کوه اومدیم پایین همه رفتیم «سرعین» استراحت کنیم.
• سرعین؟ سرعین کجاست؟
• سرعین به شهر نسبتاً کوچیکه ولی توی استان اردبیل خیلی معروفه. چون به چشمه آبگرم داره که آبش برای درمان خیلی بیماری ها خوبه.
• یعنی مردم اگر از آب اون چشمه بخورن مریضی شون خوب می شه؟
• نه بابا! آب چشمه رو که نمی خورن. آب چشمه گرمه برای همین کسانی که مشکل پوستی دارن یا درد مفصلی دارن یکی، دو ساعت توی اون آب می شینن تا مشکلشون برطرف بشه.
• چه جالب. پس باید خیلی شلوغ باشه.
• آره خب. تقریباً از همه دنیا میان اونجا؛ اما خوبیش اینه که این شهر هم هتل های خوبی داره هم استخرای زیادی. برای همین شلوغی شهر خیلی اذیت نمی کنه.
• دمای آب چطور بود. داغ نبود؟
• اولش یکم داغ بود. نمی شد بری توی آب. ولی کم کم عادت کردیم.
• باقی سفر رو چکار کردی؟ جاهای تفریحی نرفتی؟
• نه فقط می رفتیم بیرون از شهر گردش می کردیم.

• کجا بیشتر خوش گذشت؟ چشمه سرعین یا کوه سیلان؟
• والا هر دو خوب بود. ولی به جایی بیشتر از همه جا خوش گذشت.
• کجا؟
• روزهای آخر سفر مثل هر روز رفته بودیم توی دشت و صحرا، همین طور که داشتیم می رفتیم دقیقاً وسط دره به امام زاده بود.
• راست می گی؟ خیلی بزرگ بود؟
• راستش نه! خیلی هم کوچیک بود. به اتاق کوچیک سفید که وسطش به قبر بود و به زیون عربی به چیزایی روش نوشته شده بود. چون سنگ شکسته بود نمی شد درست جمله های عربی رو بخونی.
• ساختمونش قدیمی بود؟
• آره خیلی قدیمی بود. فکر کنم حداقل برای ۳۰۰ یا ۴۰۰ سال پیش بود؛ اما هیچ کسی اونجا نبود. رفتیم توی امامزاده به زیارت کوچیک کردیم، نماز خوندم و نشستیم. همه ساکت بودن. هیچکی حرف نمی زد. به آرامش خاصی داشت. باورت می شه حدود یک ساعت همه نشستیم بودیم و هیچکی حرف نمی زد. فقط صدای باد می اومد و صدای پرنده ها. بعد یک ساعت برگشتیم سرعین. توی راه هیچکی حرف نمی زد. فردای اون روز باهم گفتیم امروز هم می ریم امامزاده؛ اما جالب این جا بود که هرچی گشتیم دیگه امامزاده رو پیدا نکردیم. انگار آب شده بود و رفته بود توی زمین.
• شوخی می کنی؟
• نه! جدی می گم. خیلی عجیب بود. خیلی دوست دارم یک بار دیگه برم اونجا ولی... نمی دونم... شاید دیگه نشه!

درس بیستم

مرداس پادشاهی قدرتمند و مهربان بود. همه مردم ایران او را دوست داشتند و او را به عنوان پادشاهی عادل می شناختند؛ اما مرداس پسری داشت به نام ضحاک. روزی شیطان ضحاک را فریب داد و به او گفت: «پدرت مرداس سزاوار پادشاهی نیست او را بکش و خودت پادشاه ایران شو.» ضحاک فریب شیطان را خورد و پدرش را کشت. پس از پادشاه شدن ضحاک شیطان دوباره به شکل آشپزی هنرمند نزد ضحاک آمد و با پختن غذاهای لذیذ از گوشت به او نزدیک شد. روزی ضحاک از شیطان پرسید: «در مقابل این غذاهای خوشمزه چه پاداشی از من می خواهی؟» شیطان پاسخ داد: «ای پادشاه جهان، آرزو دارم شانه های تو را ببوسم.» ضحاک قبول کرد تا شیطان شانه هایش را ببوسد؛ اما زمانی که شیطان شانه های ضحاک را بوسید، از محل بوسه ها دو مار سیاه بیرون آمدند. پزشکان نمی دانستند با

مارها چکار کنند. حتی پس از کشتن و بریدن آن مارها دوباره مارهای دیگری از شانه های ضحاک بیرون می آمدند. این بار شیطان در لباس پزشک ظاهر شد و به ضحاک گفت: «برای نجات از دست مارهایی که بر روی شانه های درآمده اند باید هر روز دو انسان را بکشی و مغزشان را به مارهایت بدهی تا آن ها آرام شوند و به تو آسیبی نرسانند.» پس از آن ضحاک هر روز دو مرد جوان را دستگیر می کرد، آن ها را می کشت و مغز سر آن ها را به عنوان غذا به مارهای روی شانه اش می داد.
یکی از کسانی را که ضحاک کشت و مارهایش مغز او را خوردند، پدر کودکی به نام «فریدون» بود. یک روز، زمانی که فریدون شانزده سال داشت از مادرش پرسید: «مادر، پدر من چه کسی بود؟» مادرش پاسخ داد: «پدر تو مردی شجاع بود که مأموران ضحاک او را کشتند تا مغزش را به مارها بدهند.» فریدون با شنیدن داستان ستمگری های ضحاک، تصمیم گرفت به جنگ او برود. نام پهلوان دیگری که در جنگ علیه ضحاک به فریدون کمک کرد، کاوه بود. کاوه آهنگر بود. او هجده پسر داشت؛ اما ضحاک ۱۷ نفرشان را کشته بود و مغز آن ها را به مارهایش داده بود. فریدون و کاوه آهنگر سپاهی عظیم از مردم جمع کردند و برای جنگ با ضحاک آماده شدند.
بر طبق افسانه های ایرانی یک شب، فرستاده ای از سوی خداوند به شکل جوانی زیبا نزد فریدون آمد و به او یاد داد چگونه می تواند ضحاک را در این نبرد شکست دهد. در نهایت فریدون با یاری خداوند ضحاک را شکست داد و او را اسیر کرد. پس از پیروزی، فرستاده خداوند باز نزد فریدون آمد و به او گفت: «زمان مرگ ضحاک نرسیده است. او را نکشید. تنها دست و پایش را ببندید و او را در غاری در کوه دماوند زندانی کنید.» و این چنین جهان از ستم و بیداد ضحاک آسوده شد و فریدون پادشاه ایران زمین گردید.

فهرست منابع

۱. برون، داگلاس. (۱۳۸۹). ارزشیابی زبان اصول و عملکردهای کلاسی. ترجمه علیرضا فرح بخش. تهران: رهنما.
۲. ثمره، یدالله. (۱۳۸۵). آواشناسی زبان فارسی. تهران: نشر دانشگاهی.
۳. حق شناس، علی محمد. (۱۳۸۴). آواشناسی. تهران: آگه.
4. Baltova, I. (1994). "The impact of video on the comprehension skills of core French students". Canadian Modern Language Review, 50, 507-531.
5. Brown, Douglas H. (2000). Principles of language learning and teaching. London: Longman.
6. Buck, Gary. (2001). Assessing listening. Cambridge: Cambridge University Press.
7. Carroll, David W. (2008). Psychology of language. Boston: Thomson Wadsworth.
8. Chastain, Kenneth. (1988). Developing second-language skills theory and practice. Orlando: Harcourt Brace Jovanovich.
9. Fromkin, Victoria. (1973). Speech errors as linguistics evidence. The Hague: Mouton.
10. Gruba, P. (1997). "The role of video media in listening assessment". System, 25, 335-345.
11. Hanley, J. and Herron, C. and Cole, S. (1995). "Using video as an advance organizer to a written passage in the FLES classroom". MLJ, 79, 57-66.
12. Harmer, Jeremy. (2009). The practice of English language teaching. London: Longman.
13. Herron, C. (1994). "An investigation of the effectiveness of using an advance organizer to introduce video in the foreign language classroom". MLJ, 78, 190-198.
14. Herron, Carol and Cole, Steven P. and Corrie, Cathleen and Dubreil, Sebastien. (1999). "The effectiveness of a video-based curriculum in teaching culture". MLJ, 83, 518-533.
15. Herron, Carol and Cole, Steven P. and Corrie, Cathleen and Dubreil, Sebastien. (2002). "A classroom investigation: can video improve intermediate-level French language students' ability to learn about a foreign culture?". MLJ, 86, 36-53.
16. Hinkle, E. (2006). "Current perspectives in teaching the four skills". TESOL Quarterly, 40/1.
17. Joe, A. (1998). "What effects do text-based tasks promoting generation have on incidental vocabulary acquisition?" Applied Linguistics, 19, 3, 357-377.
18. Krahanke, Karl. (1987). Approaches to syllabus design for foreign language teaching. Englewood Cliff: Prentice-Hall.
19. Krashen, S. (1985). The input hypothesis: Issues and implications. New York: Longman.
20. Ladefoged, Peter. (2006). A Course in Phonetics. Boston: Thomson Wadsworth.
21. Larson-freeman, Diane. (2000). Techniques and Principles in Language Teaching. Oxford: Oxford University Press.

22. Lightbown, Patsy M. and Spada, Nina. (2006). *How languages are learned*. Oxford: Oxford University Press.
23. Long, Michael H. (2009). "Methodological principles for language teaching." In Long, Michael H. and Doughty, Cathrine J. *The hand book of language teaching*, 373–394. Chichester: Wiley–blackwell.
24. Lottmann, A. (1961). "Films in the modern language class". *MLJ*, 45, 178–180.
25. Marion, Williams and Burden, Robert. (2002). *Psychology for Language Teachers*. Cambridge: Cambridge University Press.
26. Ments, M. (1999). *The effective use of role play*. London: Kogan Page.
27. Nikitina, Larisa. (2010). "Video–making in the foreign language classroom: applying principles of constructivist pedagogy". *Electronic Journal of Foreign Language Teaching*, 7, 21–31.
28. Nunan, David. (2000). *Second Language Teaching and Learning*. Boston: Heinle & Heinle Publishers.
29. Nunan, David. (2003). *Practical English language teaching*. Boston: McGraw Hill.
30. Progosh, D. (1996). "Using video for listening assessment: Opinions of test–takers". *TESL Canada Journal*, 14, 34–44.
31. Purcell, E. T. and Suter, R. w. (1980). "Predictors of pronunciation accuracy: a reexamination". *Language Learning*, 30(2), 271–287.
32. Richards, Jack C. (1983). "Listening comprehension: approach, design, procedure". *TESOL Quarterly*, 17, 219–239.
33. Richards, Jack C. and Rodgers, Theodore. S. (2001). *Approaches and methods in language teaching*. Cambridge: Cambridge University Press.
34. Roach, Peter. (2002). *English Phonetics and Phonology*. Cambridge: Cambridge University Press.
35. Salaberry, M. Rafael. (2001). "The use of technology for second language learning and teaching: a retrospective". *MLJ*, 85, 39–56.
36. Schmidt, R. (1990). "The role of consciousness in second language learning". *Applied Linguistics*, 11, 17–46.
37. Schmidt, R. (2001). "Attention". In Robinson, P. (Ed.), *Cognition and second language instruction*, 3–32. Cambridge: Cambridge University Press.
38. Swaffar, J. & Vlatten, A. (1997). "A sequential model for video viewing in the foreign language curriculum". *Modern Language Journal*, 81, 175–188.
39. Thornbury, S. (2005). *How to teach speaking*. London: Pearson Education Limited.
40. Weyers, Joseph R. (1999). "The effect of authentic video on communicative competence". *MLJ*, 83, 339–349.
41. White, J. and Lightbown, P. M. (1984). "Asking and answering in ESL classes". *The Canadian Modern Language Review*, 40, 228–240.
42. Willis, Dave and Willis, Jane. (2007). *Doing task–based teaching*. Oxford: Oxford University Press.
43. PHOTO CREDITS:

Shutterstock.com / ■ Google Image ■ <https://www.freepik.com/> ■ <https://icon–icons.com/> ■ <http://aks.roshd.ir/> ■ <https://icon–icons.com/> ■ <http://www.freeflagicons.com/> ■ <https://www.pinterest.com/> ■ <http://pngimg.com/> ■ <https://www.kisspng.com/> ■ <https://www.galleryacs.ir/> ■ <https://www.stockvault.net/> ■ <http://www.sxc.hu/> ■ <http://www.freebieimages.com/> ■ <https://freerangestock.com/> ■ <http://compfight.com/> ■ <http://www.flickr.com/> ■ <http://www.dreamstime.com/> ■ <http://www.pixelperfectdigital.com/> ■ <https://openphoto.net/> ■ <http://www.artfavor.com/> ■ <https://www.cepolina.com/freephoto/> ■ <http://www.sunipix.com/> ■ <http://www.getfreeimage.com/> ■ <http://tofz.org/> ■ <http://www.pixmac.com>





